

اطلاعیه مطبوعاتی  
حزب کارگر انگلستان در رابطه با  
دیدار مسئول شورای ملی مقاومت ایران  
از انگلستان  
در صفحه ۲



سال پنجم - پنجمین شماره ۲۱ - تیرماه ۱۳۶۳ - شماره ۵۰۰ (ریال) (خارج از کشور معادل یک دلار)

بررسی و تحلیلی درباره  
شکست تهاجمات موسوم به "الفجر  
۵ و ۶ و خیبر"، بن بست ها  
و مشکلات خمینی در زمینه بسیج نیرو  
و تدارك جنگ افروزی های جدید  
در صفحه ۷

## دیدارها و مذاکرات مسئول و هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت با رهبری حزب کارگر انگلستان در لندن

رهبر حزب آقای نیل کیناک، رئیس حزب آقای اریک هفر و دبیرکل حزب آقای جیمز مور تیمر مؤکداً جنایات رژیم خمینی را محکوم نموده و با ستایش از مقاومت عادلانه مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت پشتیبانی حزب کارگر از طرح صلح شور را اعلام نمودند

در صفحه ۲



از راست به چپ: آقایان نیل کیناک رهبر حزب کارگر - مسعود رجوی - بهمن اعتماد - هدایت الله متین دفتری - غلامحسین باقرزاده - مسعود رجوی و اریک هفر رئیس حزب کارگر

□ دیدارهای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت  
با مسئولان سایر احزاب و گروهی از شخصیت ها و نمایندگان مجلس عوام  
واعیان و رهبران سندیکا های انگلستان:

- برخی مسئولین حزب لیبرال: رئیس گروه حقوق بشر مجلس عوام و اعیان، سخنگوی روابط خارجی حزب لیبرال، مسئول کمیته روابط خارجی حزب و رئیس بخش جوانان حزب لیبرال
- رئیس کمیته خاورمیانه و مسئول بخش ایران، دبیر هیئت انگلستان در کنفرانس بین المجالس از حزب محافظه کار
- کمیته امور خارجه فراکسیون پارلمانی حزب کارگر، مرکب از ۳ عضو مجلس عوام و اعیان
- رئیس کمیته بین المللی حزب کارگر و معاونت دبیرکل اتحادیه سراسری کارکنان حمل و نقل، رئیس بخش بین المللی مجمع اتحادیه های کارگری انگلستان، معاونت دبیرکل اتحادیه کارکنان صنایع ساختمانی و مهندسی
- وزیر امور ایرلند در کابینه سایه حزب کارگر و وزیر سابق بهداری انگلستان (از حزب کارگر)
- دبیران نجمن حمایت از سازمان ملل متحد در انگلستان
- رئیس قسمت آسیائی شورای امور پناهندگی انگلستان، مشاور عالی موسسه حمایت از پناهندگان و مسئول بخش پناهندگان ایرانی

□ دیدار دبیرکل بین الملل سوسیالیست  
با مسئول شورای ملی مقاومت ایران

□ مصاحبه های برادر مجاهد مسعود رجوی با سرویس جهانی B.B.C.  
و بخش فارسی

اطلاعیه روابط عمومی  
بخش اجتماعی سازمان مجاهدین  
خلق ایران در خارج از کشور  
در باره وصل ارتباط نیروها  
و هسته های مقاومت مجاهد خلق  
در داخل کشور

در صفحه ۵

### در صفحات دیگر:

- \* گزارشات از عملیات و فعالیت های تبلیغی - اجتماعی هسته های مقاومت در "هفته" شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۵)
- با انضمام قسمت هایی از مکالمات شبکه های بی سیم مزدوران دشمن در روزهای برگزاری "هفته" شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران"
- \* اخبار کوتاه
- \* اطلاعاتی ستاد عملیات
- پیشمرگه های مجاهد خلق - در گردستان
- \* اطلاعاتی سازمان چریک های فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) بیست و سه سالگرد ۳ خرداد
- \* دانشگاه ها و مسئله بیسوادی با صلا حدانشجویان سهمیه ارگان های ضد انقلابی رژیم!



# دیدارها و مذاکرات هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

رهبان حزب آقای نیل کیناک، رئیس حزب آقای اریک هفر و دبیر کل حزب آقای جیمز مور تیمر مؤکداً جنایات رژیم خمینی را محکوم نموده و با ستایش از مقاومت عادلانه مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت پشتیبانی حزب کارگر از طرح صلح شورا را اعلام نمودند

## اطلاعیه مطبوعاتی

### حزب کارگر انگلستان در رابطه با دیدار

### مسئول شورای ملی مقاومت ایران از انگلستان

بدنبال دیدار آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران از انگلستان، بیانیهای زیر توسط جرج رابرتسون معاونت سخنگوی روابط خارجی حزب کارگر و عضو مجلس عوام انتشار یافت:

ما از فرصت دیدار آقای رجوی و همکاران ایشان و نیز از کسب جدیدترین اطلاعات و نظریاتشان در رابطه با اوضاع ایران استقبال نمودیم. حزب کارگر اعتقاد به بازگشت سریع دموکراسی و ارزشهای انسانی در ایران را داشته و خود را در مبارزه و پیگیری جهت تحقق آن متعهد می بیند.

آقای رجوی با دارا بودن از اطلاعات وسیع و عمیق نسبت به وضعیت غم انگیز مردم ایران

همگی ما را تحت تاثیر قرار داد. وی همچنین در خصوص ناتوانی ماهوی رژیم خمینی در جنگ با عراق و قربانیهای بی شمار مردم تحت فشار ایران در جهت ادامه جنگ تاکید نمود.

آقای رجوی با جرج رابرتسون عضو مجلس عوام انگلستان و معاون سخنگوی روابط خارجی حزب کارگر، کمیته پارلمانی روابط خارجی حزب کارگر مرکب از ۱۳ عضو مجلس عوام و یک عضو مجلس اعیان و همچنین دبیر کل حزب کارگر، آقای جیمز مور تیمر و آقای اریک هفر رئیس حزب کارگر و آقای الکس کیتسون رئیس کمیته بین المللی حزب کارگر ملاقات و گفتگو نمود. آنها همچنین ملاقات ویژه‌ای با عالیجناب نیل کیناک رهبر حزب کارگر بعمل آوردند.

چشم اندازهای آتی شورای ملی مقاومت توضیحات لازم را بیان داشتند. هیئت نمایندگی شورا همچنین مسائل مربوط به پناهندگان ایرانی را که ناگزیر تحت ستم و سرکوب رژیم خمینی روانه‌ی خارج کشور شده‌اند، با رئیس حزب کارگر در میان گذاشته و از کمک‌هایی که در همین رابطه، حزب کارگر بریتانیا در حق هموطنان ایرانی ما روا داشته است، سپاسگزاری نمود.

هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت آنگاه مجموعه‌ای از مدارک مستند مربوط به اوضاع ایران را به آقای هفر عرضه داشت و ضرورت توجهات بین‌المللی مؤکد نسبت به طرح صلح شورای ملی مقاومت را یادآوری نمود.

ملاقات بعدی هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران با رئیس و اعضای کمیته‌ی امور خارجی فراکسیون پارلمانی حزب کارگر بود. در این دیدار، تام کلارک رئیس کمیته و آقای جرج رابرتسون (معاون سخنگوی روابط خارجی حزب و مسئول امور خاورمیانه و ایران)، لرد مالوی و آقایان دیوید وین‌نیک، اریک واکینس، جان رابرتسون، تام‌دیل، هاری کوهن، جری پاچت، ارنی رابرتس ویل‌پیرین، ماکس‌مادن، ارنست راس، دنیس‌کاناوان نمایندگان مجلس عوام حضور داشتند.

ابتدا رئیس کمیته به مسئول و اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت، خوشآمد گفت و آنان را به سایر حضار معرفی نمود و مختصری پیرامون مبارزات مسئول و اعضای شورای ملی مقاومت، چه در زمان رژیم شاه و چه در زمان رژیم خمینی، بیان کرد. در این دیدار نیز پس از تشکر از حمایت‌های پیشین حزب کارگر، شماری از اوضاع ایران توسط مسئول و هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت بیان گردید و بر بی‌ثباتی و بی‌آیندگی رژیم روبه‌زوال خمینی تاکید شد. ضمن توضیحات مستدل و مستند هیئت نمایندگی شورا، اعضای کمیته‌ی روابط خارجی حزب کارگر در پارلمان انگلستان با بحران‌های روزافزون رژیم خمینی در زمینه‌های مختلف آشنا شدند. توضیحات ارائه شده پیرامون آلترناتیو - شورای ملی مقاومت - و برنامه‌های آتی

ملی مقاومت می‌باشد. وی یک حقوقدانان مشهور و نایب رئیس کانون وکلای ایران نیز بوده است. هدایت‌الله متین دفتری نوهی دختری دکتر مصدق فقید رهبر نهضت ملی مردم ایران در اوایل سال‌های ۱۳۳۵ می‌باشد و مسئولیت کمیسیون قضائی و حقوق بشر شورای ملی مقاومت ایران را به عهده دارد. عضو دیگر هیئت نمایندگی شورا دکتر غلامحسین باقرزاده عضو جمعیت اقامه و نمایندگی شورا در انگلستان است. وی تحصیلات خود را در علوم ریاضی به پایان رسانده است. برادر مجاهد بهمن اعتماد فارغ‌التحصیل مهندسی فلزشناسی، عضو دیگر هیئت نمایندگی شورا است. وی که از مسئولین روابط خارجی انجمن دانشجویان مسلمان در انگلستان است و قبلاً دوره‌ی دکتری فلزشناسی را می‌گذرانده، در رابطه با معرفی مقاومت ایران بسیار فعال و برای اغلب شخصیت‌ها و مسئولان حزبی در لندن شناخته شده است.

بعد از ظهر امروز، ابتدا هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در محل پارلمان انگلستان با آقای اریک هفر رئیس حزب کارگر دیدار و گفتگو نمود. ابتدا آقای هفر حضور مسئول و هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در پارلمان انگلستان را خوشآمد گفت و بر محکومیت نقض حقوق بشر در ایران و حمایت حزب کارگر از شورای ملی مقاومت ایران تاکید نمود. متقابلاً مسئول شورا و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران از حمایت‌های حزب کارگر تشکر و قدردانی نمود و افزود: بدیهی است که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران هیچگونه حمایت مستقیم و غیر مستقیم از رژیم خمینی را نمی‌توانند بپذیرند و علیهذا مواضع حزب کارگر در حمایت از مقاومت عادلانه‌ی آنان، بسیار قابل توجه و دارای اهمیت است. آنگاه طرفین به تفصیل اوضاع جاری را مورد تبادل نظر قرار دادند. در همین رابطه اعضا هیئت نمایندگی شورا مواضع متفق این شورا پیرامون سیاست‌های سرکوبگرانه و جنگ - افروزانه‌ی خمینی را تشریح نموده و پیرامون برنامه و ترکیب و

هفتمی گذشته بنا به دعوت رسمی رهبری حزب کارگر انگلستان از برادر مجاهد مسعود رجوی برای مذاکره و تبادل نظر پیرامون "رویدادهای جاری و ارزیابی موقعیت کنونی"، مسئول شورای ملی مقاومت به لندن رفت و همراه با هیئت نمایندگی شورا مرکب از آقایان هدایت‌الله متین دفتری (عضو شورا و دبیر جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران)، دکتر غلامحسین باقرزاده (نماینده‌ی شورا در انگلستان و عضو جمعیت اقامه) و بهمن اعتماد (از روابط خارجی انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان) در دیدار و گفتگو با رهبران حزب کارگر و بسیاری دیگر از شخصیت‌ها و مسئولان احزاب و اتحادیه‌های مختلف و گروهی از نمایندگان پارلمان در این کشور، شرکت نمود.

گزارشات زیر را سرویس خبری "مجاهد" که هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در لندن را همراهی می‌نمود برایمان ارسال داشته است:

لندن، سرویس خبری "مجاهد"، سه شنبه ۱۲ تیرماه - طی سه سالی که از آغاز مقاومت سراسری و تشکیل شورای ملی مقاومت ایران می‌گذرد، حزب کارگر انگلستان پیوسته و بمناسبت‌های مختلف، مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران را با پیامهای متعدد رهبری و اغلب مسئولان خود، مورد حمایت قرار داده و نقض حقوق بشر و جنایات رژیم خمینی را محکوم کرده است که خوانندگان "مجاهد" در گذشته از آن مطلع شده‌اند. سیام خردادماه سال جاری، رهبری حزب کارگر با تاکید بر علائق پیشین خود و حمایتی که پیوسته از شورای ملی مقاومت ایران بعمل آورده است، از برادر مجاهد مسعود رجوی برای دیدار و تبادل نظر دعوت نمود.

مسئول و هیئت نمایندگی شورا هم‌اکنون برای یک اقامت کوتاه در لندن بسر می‌برند. هیئت نمایندگی شورا رسماً از آقایان هدایت‌الله متین دفتری، دکتر غلامحسین باقرزاده و برادر مجاهد بهمن اعتماد تشکیل شده است. آقای متین دفتری نماینده‌ی جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران در شورای

آن بویژه طرح صلح، طرح خودمختاری کردستان ایران و ترکیب شورای ملی مقاومت و اعضای مختلف آن منجمله حزب دمکرات کردستان ایران مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت. سپس به‌سوالات نمایندگان شرکت‌کننده پاسخ داده شد و مدارک مربوط به اوضاع ایران و برنامه و طرح‌های شورای ملی مقاومت در میان آنان توزیع گردید. در پایان، اغلب نمایندگان برای صلح و آزادی در ایران، آرزوی پیروزی نمودند.

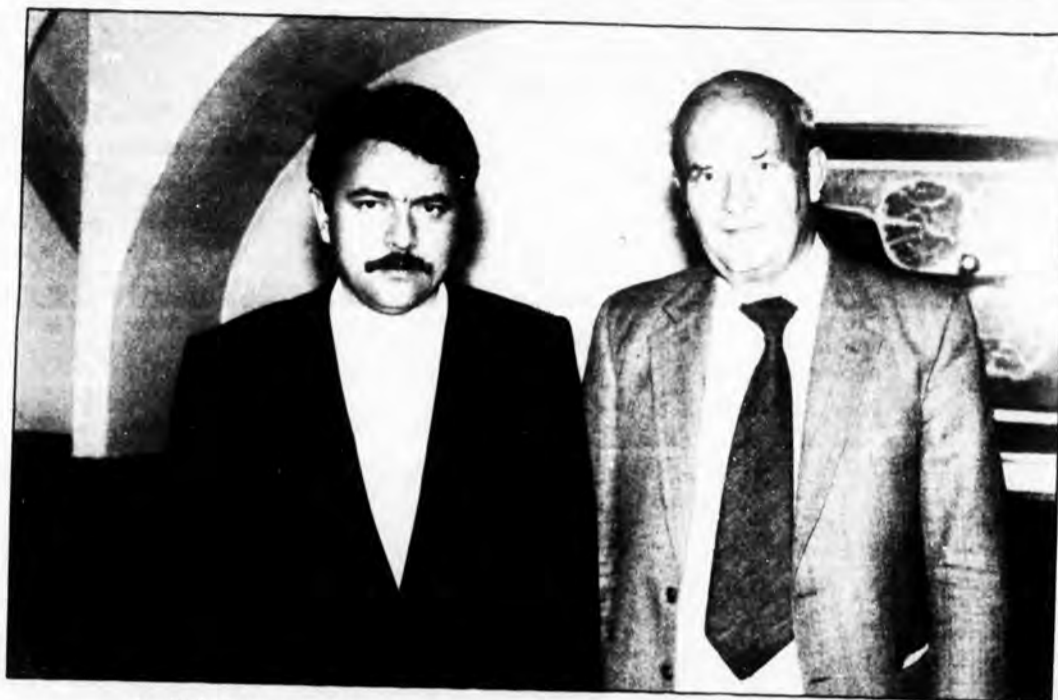
پس از انجام دیدارهای فوق، هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در ضیافت شامی که از جانب رئیس و دبیر کل حزب بمناسبت دعوت برادر مجاهد مسعود رجوی ترتیب یافته بود، شرکت نمودند و به‌گفتگوهای خود ادامه دادند. در این ضیافت، آقای الکس کیتسون رئیس کمیته بین‌المللی حزب و خانم جنی لیتل دبیر کمیته بین‌المللی نیز حضور داشتند. آقای جیمز مور تیمر دبیر کل حزب کارگر نیز بار دیگر حمایت حزب

از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران را مورد تاکید قرار داد و از سوی برادر مجاهد مسعود رجوی تشکر کرد. مسئول شورا متقابلاً تشکرات شورای ملی مقاومت و نیز سازمان مجاهدین خلق ایران را بیان داشت و افزود یقیناً مردم ما کسانی را که در یکی از سیاه‌ترین ادوار تاریخ ایران به محکوم کردن جنایات رژیم سرکوبگر و جنگ‌افروز خمینی و حمایت از تنها جانشین دمکراتیک - شورای ملی مقاومت - پرداخته‌اند، از یاد نخواهند برد.

لندن چهارشنبه ۱۳ تیر، سرویس خبری مجاهد - صبح امروز هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در محل پارلمان انگلستان ابتدا با آقای جرج - رابرتسون معاون سخنگوی روابط خارجی حزب کارگر دیدار و پیرامون اوضاع ایران گفتگو نمود. آقای رابرتسون، جانشین آقای دنیس هیلی وزیر امور خارجه در کابینه‌ی سایه است که هم‌اکنون در مسافرت خارج بسر می‌برد. "مجاهد" در گذشته

## دیدارها و مذاکرات هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

شانس دمکراسی و صلح پایدار داخلی و خارجی برای ایران پس از خمینی است. همچنین هیچ بازگشتی برای دیکتاتوری سلطنتی متصور نبوده و پرسنل میهن پرست ارتش، اکثرا از شورای ملی مقاومت حمایت می‌کنند. در پایان، رهبر حزب کارگر یکبار دیگر حمایت‌های شخص خود و حزب کارگر را از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران برای صلح و برای آزادی، ابراز داشت و افزود که شورای ملی مقاومت ایران تنها نیروی است که در ایران با یک طرح صلح مشخص و عملی قدم پیش گذاشته است. یادآوری می‌شود که سال گذشته، کنفرانس سالیانه‌ی حزب کارگر، طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران را مورد حمایت قرار داده بود.



برادر مجاهد مسعود رجوی در دیدار با جیمز مورتیمر دبیرکل حزب کارگر انگلستان

\* چهارشنبه ظهر، هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در ترانسپورت هاوز، مرکز اتحادیه‌ی سراسری کارکنان عمومی و حمل و نقل، با آقای الکس کیتسون رئیس کمیته‌ی بین‌المللی حزب کارگر و معاونت دبیرکل اتحادیه‌ی سراسری کارکنان عمومی و حمل و نقل که بیش از ۱/۵۰۰/۰۰۰ عضو دارد و بزرگترین اتحادیه‌ی کارگری انگلستان است، ملاقات نمود. آقای کیتسون پس از خوشامدگویی به برادر مجاهد مسعود رجوی و دیگر اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت، شرح جالب توجهی پیرامون وضعیت کلی اتحادیه‌های کارگری انگلستان و بخصوص اتحادیه‌ی کارگران حمل و نقل و کارگران عمومی، بیان داشت. سپس وضعیت کارگران ستمزده‌ی ایران و سرکوب و اختناق در کارخانه‌های ایران، مورد بحث قرار گرفت. آقای متین‌دفتری قانون قرون وسطایی کار در رژیم خمینی را مورد نقد و تحلیل قرار داد.

هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در این گفتگو منجمله اعلام نمود که تجارت با رژیم خمینی ممکن است در وهله‌ی اول عادی و خالی از اشکال بنظر برسد. اما در حقیقت کارگران ایرانی هستند که بایستی بهای خونینی برای هر روز ادامه‌ی حکومت خمینی و هرگونه رابطه و حمایت مستقیم و غیر مستقیم از آن را بپردازند. حال اینکه واقعیت این است که مصالح کارگران انگلیسی نیز در درازمدت قطع

مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح پذیرفته شده و از سوی بین‌الملل سوسیالیست و شورای اروپا نیز مورد تأیید قرار گرفته است. کما اینکه در ژانویه‌ی گذشته پارلمان اروپا با توافق آراء طرح کاملاً مشابهی را از تصویب گذراند. از سوی دیگر، بدیهی است که خمینی این جنگ را بخاطر سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی و مقاصد ارتجاعیش ادامه می‌دهد.

در این ملاقات همچنین پیرامون ابعاد مقاومت مردم ایران، پایه‌ی مردمی تنها آلترناتیو دمکراتیک و چشم‌اندازهای آینده‌ی شورای ملی مقاومت و دولت موقت توضیح داده شد و براین حقیقت تأکید گردید که شورای ملی مقاومت ایران تنها

مایه‌ی پشتگرمی است که به رغم برخی حمایت‌های خارجی از رژیم خمینی، از احساسات و حمایت شخص شما و حزب کارگر از مقاومت عادلانه‌ی خود مطلع شود.

آقای کیناک گفت ما آرزومند هستیم که در قدرت بوده و بتوانیم حمایت‌های بیشتری از شما به عمل آوریم. هم‌اکنون نیز تا آنجا که ممکن باشد، تلاش‌های خود را مبذول خواهیم داشت. آنگاه مختصراً توضیحاتی از جانب مسئول و اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت پیرامون مسائل ایران و سیاست جنگ و اختناق خمینی و طرح صلح شورای ملی مقاومت بیان گردید. بویژه که طرح صلح شورا توسط دولت عراق نیز به عنوان

در محل کار او در پارلمان ملاقات کرد. آقای کیناک ۴۲ سال دارد و سال گذشته به رهبری حزب انتخاب گردید و در صورت پیروزی حزب کارگر در انتخابات آینده‌ی پارلمانی، نخست‌وزیر انگلیس خواهد بود.

ابتدا آقای کیناک از ملاقات با برادر مجاهد مسعود رجوی و اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت، اظهار خرسندی نمود و بر حمایت مستمر خود از انقلاب ایران و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و شورا ملی مقاومت ایران، تأکید کرد.

متقابلاً مسئول شورا از حمایت حزب کارگر و شخص رهبر حزب آقای کیناک و دعوت حاضر به انگلستان سپاسگزاری نمود. وی افزود برای مردم ایران

پیام‌های حمایت دنس هیلی را در چند نوبت انتشار داده است.

آقای رابرتسون از ملاقات با مسئول و هیئت نمایندگی شورا اظهار خوشوقتی نمود و از اینکه آقای دنس هیلی به علت مسافرت، فرصت حضور در این دیدار را نیافته، ابراز تأسف کرد. سپس توضیحات مسوطی همراه با مدارک مستند راجع به مسائل ایران و روابط رژیم خمینی با این کشور از جانب مسئول و اعضای هیئت ارائه گردید. در این ملاقات، تأکید شد که رژیم خمینی در داخل ایران کاملاً منزوی شده و شدت سرکوب و ادامه‌ی جنگ با عراق به خودی خود مبین این است که رژیم خمینی جز به اختناق و جنگ خارجی متکی نیست. رژیم خمینی اقتصاد ایران را نیز تماماً درهم کوفته و تنها به درآمد نفت متکی است. منجمله در سال گذشته نزدیک به ۷۰۰ میلیون لیره‌ی استرلینگ از انگلستان واردات داشته است...

در چنین شرایطی، طبیعی است که انتظار این باشد که همی علاقمندان به صلح و آرامش در منطقه‌ی خلیج فارس قاطعانه به مقابله با سیاست جنگ و سرکوب خمینی بپردازند. و این انتظاری است که مردم ایران آنرا از سوی حزب کارگر برآورد شده می‌بینند و علیهذا حزب و دولت حاکم انگلستان نیز باید در این رابطه جدی‌تر برخورد کنند.

در این ملاقات همچنین آقای رابرتسون سؤالات مختلفی راجع به اوضاع ایران، وضعیت جنگ و ارتش و برنامه‌ها و مواضع شورای ملی مقاومت ایران عنوان نمود که از جانب اعضای هیئت پاسخ‌های مقتضی و مستند همراه با مدارک مکفی ارائه گردید. هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت همچنین ضرورت توجهات اکیدتر نسبت به وضعیت پناهندگان ایرانی را چه در سطح انگلستان و چه در رابطه با پارلمان اروپا و کلیه‌ی کشورهای اروپایی یادآوری نمود و شماری از مشکلات هموطنانمان را بیان داشت.

## ملاقات با رهبر حزب کارگر

صبح چهارشنبه، هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت با آقای نیل کیناک رهبر حزب کارگر



دیدار دبیرکل بین‌الملل سوسیالیست با مسئول شورای ملی مقاومت

## دیدارها و مذاکرات هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

هرگونه ارتباط با رژیم خمینی است.

آقای کیتسون در پایان این ملاقات، تصریح نمود که من به عنوان رئیس کمیته بین المللی حزب، مواضع خود در مقابل مسئله ایران را اعلام کرده ام و اکنون به عنوان یک رهبر اتحادیه کارگری نیز قول می دهم که تا آنجا که بتوانیم به حمایت از کارگران ایران و برای محکوم کردن رژیم خمینی بخاطر نقض حقوق کارگران ایرانی، چه در انگلستان و چه در رابطه با ارگان های بین المللی کارگری، بکوشیم. وی استقرار صلح و آزادی در ایران و موفقیت شورای ملی مقاومت در مبارزات عادلانه اش را آرزو نمود. مسئول شورا از حمایت هیئت نمایندگی کارگران انگلیسی از مواضع شورای ملی مقاومت در سازمان بین المللی کار در سال گذشته در رابطه با سرکوب و ستمی که از سوی خمینی بر کارگران ایران اعمال می شود، سپاسگزاری نمود.

### دیدار دبیرکل

### بین الملل سوسیالیست

### با برادر مجاهد مسعود رجوی

ظهر امروز (چهارشنبه) آقای پنتی وانان دبیر کل بین الملل سوسیالیست با برادر مجاهد مسعود رجوی در محل اقامت او دیدار و گفتگو نمود. دبیرخانه دائمی بین الملل سوسیالیست که بیش از یکصد و سی حزب و سازمان بین المللی و سندیکائی از قریب یکصد کشور جهان را در بر گرفته و منجمله ۲۵ حزب حاکم در کشورهای مختلف جهان در آن عضویت دارند، در لندن است. در این دیدار، مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، دبیرکل بین الملل سوسیالیست را در جریان آخرین تحولات اوضاع ایران و منطقه خلیج فارس قرار داد. وی همچنین آخرین اخبار و وضعیت تعادل قوای داخلی و بین المللی ایران را برای دبیرکل بازگو نمود و افزود که برای یک ایران واقعا مستقل و آزاد که محور صلح و آرامش در این منطقه حساس جهان باشد، راه حلی جز شورای ملی مقاومت وجود ندارد. او همچنین مجموعه ای از مدارک مستند راجع به جنایات رژیم خمینی،

وضع جنگ و ورشکستگی اقتصادی این رژیم روبه زوال و طرحها و برنامه های شورای ملی مقاومت ایران ارائه داد و از حمایت های سیاسی بین الملل سوسیالیست از شورای ملی مقاومت و طرح صلح این شورا، سپاسگزاری نمود و توجهات بیشتری نسبت به وضعیت پناهندگان ایرانی در کشورهای مختلف جهان را خواستار گردید.

در این دیدار آقای وانان حمایت بین الملل سوسیالیست از صلح و آزادی در ایران و شورای ملی مقاومت ایران را تجدید نمود.

### دیدار با

### مسئولین حزب لیبرال

عصر چهارشنبه، هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت با برخی مسئولین حزب لیبرال دیدار و پیرامون اوضاع ایران با آنان گفتگو نمود. "مجاهد" در

مسئولین برجسته حزب لیبرال است، همراه با آقای راسل جانستون مسئول روابط خارجی این حزب و آقای تام دیل مسئول کمیته روابط خارجی و همچنین آقای گراهام واتسون مشاور سیاسی رهبری حزب، از هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در محل کار خود در پارلمان انگلستان استقبال نمود.

ابتدا آقای جانستون از اینکه آقای دیوید استیل که در لندن حضور نداشته نتوانسته است در ملاقات حاضر شرکت کند، ابراز تاسف نمود. سپس لرد آیویری گفت که ما از همدی جنایاتی که توسط رژیم خمینی در ایران روی می دهد، پیوسته از طریق شورای ملی مقاومت و انجمن دانشجویان مسلمان، مطلع می شویم و یقین داریم که جنایات رژیم خمینی با هیچ رژیم دیگری قابل مقایسه



دیدار هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت با بعضی از مسئولین حزب لیبرال انگلستان - از راست به چپ: بهمن اعتماد، غلامحسین باقرزاده، راسل جانستون، مسعود رجوی، لرد آیویری و هدایت الله متین دفتری

او موثر واقع شود، بودند بسیار موثر بود. هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت، تاکید نمود که مردم ایران خواستار تصریح مواضع دولت انگلیس نسبت به نقض حقوق بشر و جنگ طلبی رژیم خمینی در ایران می باشند. لرد آیویری و راسل جانستون مشترکا تاکید ورزید که در این زمینه اقدامات لازم را با جدیت تمام، بعمل خواهند آورد. چرا که بدیهی است همچنانکه شورای ملی مقاومت، استدلال می کند رابطه اقتصادی میان رژیم خمینی و انگلستان، ناپیوستی باعث بی توجهی به سرکوب خونین در داخل ایران و دوام یک چنین رژیمی باشد. مسئولین

نیست. علیهذا ما از این بابت فوق العاده نگران و متاسفیم و ضروری است که مجددا شما را از حمایت کامل خود، از مقاومت عادلانه مردم ایران و آلترناتیو شورای ملی مقاومت، مطلع سازم. ما همچنین مایلیم بدانیم چه اقدامات و کمک های عملی دیگری در کمک به مبارزه شما برای صلح و آزادی در ایران، از ما ساخته است. متقابلا مسئول شورا ضمن تشکر از حمایت های پیوسته حزب لیبرال، بخصوص از حمایت نمایندگان این حزب در شورای اروپا از قطعنامه ای مربوط به طرح صلح شورای ملی مقاومت، مدارک و تصاویر جدیدی از

گذشته، حمایت های رهبری حزب لیبرال انگلستان از شورای ملی مقاومت و پیام های آقای دیوید استیل رهبر حزب به برادر مجاهد مسعود رجوی را مستمرا منعکس نموده است. نیمه خردادماه گذشته نیز دیدار رهبر حزب و برادر مجاهد مهدی ابریشچی عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین در آلمان (بمناسبت دعوت در سی و پنجمین کنگره حزب لیبرال آلمان) را به اطلاع خوانندگان مجاهد رساندیم. بعد از ظهر امروز (چهارشنبه) لرد آیویری رئیس حقوق بشر مجلسین عوام و اعیان انگلستان که در عین حال از

حزب لیبرال انگلستان همچنین متذکر شدند که در رابطه با حمایت از طرح صلح شورا و تبلیغ برای این طرح بمنظور پایان یافتن هرچه سریعتر جنگ ایران و عراق، اقدامات لازم را بعمل خواهند آورد. آنان اطمینان دادند که شورای ملی مقاومت می تواند از حمایت کامل حزب لیبرال برای صلح و آزادی در ایران مطمئن باشد. در پایان، مجموعه ای از مدارک و اسناد مربوط به نقض حقوق بشر و مسائل جنگ، توسط برادر مجاهد مسعود رجوی به مسئولین حزب لیبرال اهدا شد.

### دیدار با گروهی دیگر از

### شخصیتها و نمایندگان

### انگلستان

پنجشنبه، ۱۴ تیر، سرویس خبری "مجاهد" لندن - بعد از ظهر امروز، برادر مجاهد مسعود رجوی به پاریس باز خواهد گشت.

ظهر امروز ضیافت ناهاری از جانب مسئول شورای ملی مقاومت برپا شده بود. آقای اریک هفر رئیس حزب کارگر، و بانو هفر آقای استن نیونز نماینده پارلمان اروپا و دبیر کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران و همسرش، هری کوهن نماینده مجلس عوام، لرد آنون رئیس قسمت آسیائی شورای امور پناهندگی انگلستان، پیتر آرچر وزیر امور ایرلند در کابینه سایه، آقای مایکل میچر وزیر سابق بهداشتی و عضو کنونی هیئت اجرائی سراسری، رونالد مویل نماینده سابق مجلس و مسئول بخش ایران در روابط خارجی حزب، آقای کلبروکس عضو شورای شهر لندن، خانم جالینس ترنر رئیس بخش جوانان حزب لیبرال، آقای مالک هارپر دبیر انجمن حمایت از سازمان ملل در انگلستان، خانم مورین کانالی مشاور عالی موسسه کمک به پناهندگان و مسئول بخش پناهندگان ایرانی در این موسسه، آقای باب رایت معاون اتحادیه ی کارگران صنایع ساختمانی و مهندسی انگلستان و آقای مایکل دالرش رئیس بخش بین المللی مجمع اتحادیه های کارگری انگلستان در این مهمانی شرکت نمودند.

مسئول شورا از مجموعه ای حمایت های خانم ها و آقایان مزبور در رابطه با مقاومت عادلانه ی مردم ایران، شوری بقیه در صفحه ۲۵

## اطلاعیه روابط عمومی بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج از کشور در باره وصل ارتباط نیروها و هسته‌های مقاومت مجاهد خلق در داخل کشور

بنام خدا

و  
بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان آگاه و مبارز خارج از کشور؛  
هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضای  
اتحادیه‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان در خارج  
از کشور،

همانطور که مطلعید در مرداد ماه سال گذشته  
(سال ۶۳) فرماندهی سیاسی - نظامی سازمان  
مجاهدین خلق ایران، برادر مجاهد علی زرکش در  
قسمتی از پیام خود به آن دسته از واحدها و هسته‌های  
مقاومت سراسری که بدلیل شرایط اختناق مطلق، موفق  
به وصل ارتباط خود با سازمان نشده بودند، تاکید  
نمود که وصل ارتباط با سازمان را اصلی‌ترین  
کار خود تلقی نموده و در این زمینه مجدداً تلاش  
کنند.

همچنین از اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان  
مسلمان در خارج از کشور، درخواست گردید تا شماره  
تلفن‌هایی را به منظور کانال‌های وصل به سازمان،  
اعلام نماید تا نیروها و هسته‌های مقاومتی که در  
تلاش برای وصل ارتباطشان با سازمان هستند، از  
این طریق بتوانند رابطه‌ی سازمانی خود را برقرار نمایند.  
متعاقباً اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان نیز در  
چندین کشور، شماره تلفن‌ها و آدرس‌های ویژه‌ی ارتباطی  
برای تماس نیروها از داخل کشور، تهیه و اعلام نمود.  
این شماره تلفن‌ها و آدرس‌ها بمنظور آگاهی عموم  
هواداران و هسته‌های مقاومت مجاهد خلق، مستمراً در  
نشریه‌ی مجاهد چاپ و از رادیو "صدای مجاهد" پخش  
گردید.

علاوه بر این، هواداران و سایر هموطنان آگاه  
و مبارز ما در خارج از کشور نیز راساً برای وصل  
نیروها و هسته‌های قطع شده و یا تازه شکل گرفته،  
دست به اقدامات تحسین‌برانگیزی زدند. بطوریکه  
طی سال گذشته، تعداد زیادی از نیروها و  
هسته‌های مقاومت نیز که در تلاش برای وصل ارتباط  
با سازمان بودند، از طریق سرپل‌های تلفنی  
مذکور و سایر امکانات ارتباطی خارج کشور، موفق به  
برقراری ارتباط با سازمان شده و هم‌اکنون دوشادوش  
سایر خواهران و برادران مجاهد خود در مداری  
کیفی‌تر از گذشته در شهرها و مناطق مختلف  
کشور، به مبارزه علیه رژیم ضدبشری خمینی ادامه  
می‌دهند.

علاوه بر پیشرفت‌های ارزنده‌ای که طی این  
مدت بواسطه‌ی بکارگیری امکانات تلفنی و پستی  
هموطنان آگاه و مبارز ما در خارج از کشور در زمینه‌ی  
وصل ارتباطات نیروها و هسته‌های قطع شده بعمل  
آمده، درک عمیق نیازهای این مرحله از جنبش  
و نیاز مبرم به حل مسئله‌ی ارتباطات، توسط  
هموطنان خارج از کشور، انجمن‌های دانشجویان مسلمان  
و دیگر هواداران سازمان و تلاش مجدانه‌ی آنان  
برای پاسخگویی به این نیاز، شایان توجه و ارج‌گذاری  
می‌باشد؛ تلاش و فعالیتی که از بسیاری جهات،  
بی‌نظیر بوده، آنگونه که امروز بروشنی می‌توان  
گفت که چنانچه مبارزات خارج از کشور در پیوند

مستقیم و مستمر با مبارزه‌ی خونین و قهرآمیز  
خلق‌مان در مقابل دیکتاتوری قرون وسطائی رژیم  
خمینی حرکت کند و هدف درجه‌ی اول خود را  
گمگسائی به خطوط مقدم جبهه قرار دهد، نه فقط از  
مبارزه‌ی داخل کشور جدا نمی‌ماند بلکه می‌تواند با  
حل مبرم‌ترین مشکلات و نیازمندی‌های مبارزه‌ی  
قهرآمیز خلق در داخل کشور بمشابه یک پشت جبهه‌ی  
لازم و ضروری بنحوی درخور تقدیر، انجام وظیفه  
نماید.

هموطنان آگاه و مبارز خارج کشور،

هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران؛

در حال حاضر نیز بسیاری از هواداران و هسته‌های  
مقاومت مجاهد خلق، اعم از نیروهای قطع شده  
و یا هسته‌های تازه فعال شده که بدلیل شرایط  
اختناق مطلق در داخل کشور هنوز موفق به برقراری  
رابطه با سازمان نشده‌اند، در تلاش مجدداً برای  
وصل ارتباط خویش می‌باشند. در این میان چه‌بسا  
نیروهای زیر ضربه‌ای که به علت نداشتن تجارب لازم  
و عدم ارتباط سازمانی، موفق به حل تضادهای  
امنیتی خود به نحو مطلوب نشده و خطر دستگیری،  
آنان را تهدید می‌کند، و چه بسیار هسته‌های  
مقاومتی که به علت نداشتن ارتباط سازمانی، توان  
و امکان ارتقاء فعالیت‌های خود را به مداری کیفی‌تر  
نمی‌یابند. لذا در شرایط حاضر، ضروری می‌نماید  
جهت حل هر چه اساسی‌تر مسئله‌ی وصل ارتباط  
نیروهای قطع شده به سازمان، عموم هواداران و  
هموطنان آگاه و مبارز ما در خارج از کشور، وصل ارتباط  
نیروها و هسته‌های مقاومت مجاهد خلق به سازمان را از  
مبرم‌ترین وظایف ملی و انقلابی خود تلقی نموده و  
به هر نحو که برایشان میسر است، زمینه‌ی وصل اینگونه  
نیروها را فراهم نمایند.

در این رابطه توجه شما را به رهنمودهای زیر،  
جلب می‌نمائیم:

۱ - هرگونه ردّ و اطلاعاتی از نیروهای هوادار و  
هسته‌های مقاومت مجاهد خلق در داخل کشور که فاقد  
رابطه‌ی سازمانی می‌باشند دارید، جهت وصل ارتباط  
آنها با سازمان و انجام پیگیری‌های لازم، در اسرع  
وقت اقدام نمائید.

۲ - چنانچه در مناسبات فامیلی یا روابط دوستان  
و آشنایان خود در داخل کشور، از حضور نفرات قطع شده یا  
نیروهای هوادار و هسته‌های مقاومت مجاهد خلق که  
فاقد رابطه‌ی سازمانی‌اند، اطلاعی دارید، به کمک  
افراد مطمئن، درباره‌ی وضعیت فعلی و ردّ آنان پیگیری  
نموده و گزارش اقداماتتان را مستمراً برای ما بفرستید تا  
رهنمودهای لازم جهت پیگیری‌های بعدی را دریافت  
نمائید.

۳ - آن دسته از هواداران سازمان که در داخل  
کشور در ارتباط با نیروها و هسته‌های مقاومت بوده و  
بدلائل مختلف به خارج کشور آمده‌اند، موظفند در  
اسرع وقت، گزارشات نیروهای مزبور را از طریق  
آدرس نشریه‌ی مجاهد در خارج از کشور بدست ما  
برسانند.

۴ - از آنجا که ممکن است بسیاری از نیروها و  
هسته‌های مقاومت مجاهد خلق در داخل کشور، جهت

وصل ارتباط خود با سازمان و یا انتقال برخی پیام‌ها و  
گزارشات ضروری، امکانات ارتباطی مناسبی، اعم از  
تلفن و یا آدرس پستی در خارج از کشور، نداشته  
باشند، ضروری است به‌انحاء مختلف، شماره تلفن‌ها و  
آدرس‌های مطمئن خود و سایر دوستان و آشنایانتان در  
خارج از کشور را به دست آنان برسانید و به‌محض  
دریافت پیام یا نامه‌های ایشان، عین پیام و یا  
نامه‌های آنها را چه بطور تلفنی و چه از طریق  
آدرس‌های نشریه‌ی مجاهد، بدست مسئولین سازمانی  
برسانید.

۵ - به‌منظور کسب اطلاعات جامع‌تر و رفع برخی  
ابهامات احتمالی که ممکن است برای وصل ارتباط  
نیروهایی که معرفی کرده‌اید وجود داشته باشد، ضروری  
است همراه گزارشات ارسالی‌تان، شماره تلفن و آدرس  
خود را جهت تماس‌ها و مکاتبات بعدی برای ما  
بفرستید.

۶ - جهت تماس تلفنی با سازمان در زمینه‌ی وصل  
ارتباط نیروها و انتقال پیام آنها، با شماره تلفن  
۰۳۴۸۵۷۷ - ۳ - ۳۳ (فرانسه) تماس بگیرید، همچنین  
گزارشات خود و نامه‌های دریافتی از جانب نیروها را به  
آدرس‌های نشریه‌ی مجاهد بفرستید.

لطفاً روی پاکت نامه بنویسید: روابط عمومی بخش  
اجتماعی

۷ - گزارشات و اطلاعاتتان از نیروها و هسته‌های  
مقاومت مجاهد خلق را حتی‌الامکان حول محورهای  
زیر، تنظیم و ارسال نمائید:

الف - نام و نام خانوادگی

ب - شغل و محل خدمت

ج - تاهل

د - سن

ه - مخفی یا علنی

و - چه تعداد از نیروهای سازمان به او وصلند و در  
حال حاضر، نیرو و هسته‌ی مزبور چه نوع فعالیتی دارد؟

ز - سوابق مبارزاتی و تشکیلاتی نیرو و هریک از  
نفرات وصل به او را بنویسید. از جمله مشخص کنید که  
هر یک، از چه زمانی در رابطه با سازمان، فعالیت  
داشته‌اند.

ح - تاریخ قطع ارتباط نیرو و هر یک از نفرات  
هسته را همراه با شرح علت آن بنویسید.

ط - وضعیت امنیتی نیرو و هر یک از نفرات وصل به  
او را همراه با تهدیداتی که ممکن است برای وی وجود  
داشته باشد، بنویسید.

ی - کلیدی رده‌های تلفنی و آدرس‌های مستقیم و  
غیرمستقیم نیرو و هر یک از نفرات هسته را بطور دقیق  
و کامل برای ما بنویسید.

ک - معین کنید که چه روز و ساعتی برای تماس  
تلفنی با نیرو مناسب است؛ ضمناً رمز برخورد و تماس  
با وی را نیز مشخص نمائید.

ل - هر توضیح دیگری را که لازم می‌دانید، بخصوص  
در زمینه‌ی چگونگی برقراری رابطه، بنویسید.

روابط عمومی بخش اجتماعی

سازمان مجاهدین خلق ایران

در خارج از کشور

۶۳/تیر/۱۵

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

## اخبار کوتاه

### اسامی تعداد دیگری از شهدائی که در شیراز

#### حلق آویز شده اند

پیرو خبر مندرج در شماره ۲۰۹ نشریه مجاهد مبنی بر حلق آویز کردن ۴۰ تن از اسرای مجاهد و مبارز در شیراز، ذیلاً اسامی تعداد دیگری از شهدائی که در فاصله ایواسط اردیبهشت ماه تا اوایل خرداد ماه گذشته توسط دژخیمان رژیم ضدبشری خمینی بدار آویخته شده و به شهادت رسیده اند را به اطلاع آن می‌رسانیم:

نام و فامیل	تاریخ شهادت	سن	تعلق سازمانی
۱ کیوان غیاث پور	۶۳/۳/۳	۲۱ ساله	مجاهد
۲ مجید سیار	اواسط اردیبهشت/۶۳	-	مجاهد
۳ محمدحسین سعادی	اواسط اردیبهشت/۶۳	-	مجاهد
۴ خوانجو	اواخر اردیبهشت/۶۳	-	مجاهد
۵ مسعود آقاقلکی	۶۳/۳/۳	۲۱ ساله	مجاهد
۶ ابنوراده (خواهر)	اواخر اردیبهشت/۶۳	۱۷ ساله	مجاهد
۷ حمید صباد	۶۳/۳/۵	-	مجاهد
۸ مروجزاده	۶۳/۳/۵	-	مجاهد
۹ ناهین تابع محمدی	۶۳/۳/۱	-	مجاهد
۱۰ لیدا ظاهرزاده	اوایل خرداد	۲۴ ساله	مجاهد
۱۱ افسانه افتخار	-	-	مجاهد

لازم به توضیح است که کلیه شهدای فوق از مدت‌ها قبل در اسارت مزدوران خمینی بوده و برخی از آنها (منجمله مجاهدین شهید کیوان غیاث پور و منوچهر فروزانفر) قبلاً در بیدادگاههای رژیم به حبس محکوم شده بودند.

### ضعف وزبونی رژیم خمینی در برابر دانشگاه

رفسنجانی جنایتکار: "در کشور ما مسئولان حق ندارند کسانی را در دانشگاهها راه بدهند که بعداً به درد این جامعه نخورند، خط آموزش عالی در کشور ما این خواهد بود که انسان‌های متعهد و دلسوزی را که حاضر به خدمت برای این مملکت (!) و این انقلاب (!) هستند تعلیم دهیم و مخارج اینگونه افراد را متحمل شویم... هدف این نیست که در دامن دانشگاههای کشور، گرگ تربیت شود." (رادیو رژیم - ۱۵/تیر/۶۳)

### تلفات رژیم در جریان حملات اخیرش

#### به منطقه کردستان

در پی تهاجمات اخیر رژیم به منطقه کردستان تعدادی از سرکردگان سپاه ضدخلقی بهلاکت رسیدند؛ منجمله سپاه ضدخلقی طی اطلاعیهای خبر هلاکت "۵ تن از مسئولین عملیاتی سپاه پاسداران در عملیات اخیر، در جبهه‌های غرب" را منتشر نمود. هر چند رژیم خمینی کماکان آمار واقعی تلفات نیروهای مزدور خود را اعلام نمی‌کند، اما کشته شدن همین تعداد از سرکردگان سپاه ضدخلقی (منجمله قائم مقام تیپ ویژه موسوم به شهدا) نشان‌دهنده ابعاد گسترده تلفات نیروهای رژیم در سطوح پایین‌ترین نیز می‌باشد.

### "اختلاف" در اصلی ترین ارگان سرکوبگر رژیم

خامنهای جنایتکار در دیدار با عناصر سپاه ضدخلقی اصفهان و محسن رضائی فرماندهی جنایتکار سپاه: "وارد اختلافات نشوید زیرا هر گسی بذر اختلاف در سپاه بیافشانند به سپاه خیانت کرده است که این به معنای خیانت به جنگ... است" (رادیو رژیم - ۸/تیر/۶۳)

### ادامه اعدام‌ها در زندان‌های کشور

\* در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری یکی از اسرای مجاهد بنام "پروانه زندی" که هنگام دستگیری، حامله بوده، چند روز پس از بدنیآ آمدن فرزندش، در زندان اوین بشهادت رسیده است. مزدوران رژیم ضدبشری خمینی مدعی شده‌اند که این خواهر مجاهد در جریان عمل زایمان، جان سپرده است. قابل توجه است که جلادان اوین نه تنها از تحویل جسد این مجاهد شهید به خانواده‌اش خودداری کرده و خود راساً به دفن او در قطعه‌ای از گورستان بهشت زهرا اقدام نموده‌اند؛ بلکه به درخواست خانواده‌ی او برای دیدن پیکر بیجان فرزندشان نیز پاسخ منفی داده‌اند. مجاهد شهید پروانه زندی کارمند وزارت بهداشت بود و دو تن از برادران او نیز قبلاً توسط دژخیمان رژیم بشهادت رسیده بودند.

\* اخیراً یکی از اسرای مجاهد خلق بنام "حبیب هاشمیان" بدست دژخیمان رژیم خمینی در زندان قزوین بشهادت رسیده است. وی سومین شهید از خانواده‌ی هاشمیان بود. دو فرزند دیگر این خانواده، مجاهدین شهید "غلامحسین و مجتبی هاشمیان" نیز در سال ۶۰ تیرباران شده بودند.

\* در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری ۲۰ تن از اسرای مجاهد و مبارز در زندان اهواز اعدام شده‌اند. یکی از اعدام‌شدگان "بهرام عبیوضی پور" نام داشت. وی از هواداران مجاهدین بود، و علیرغم اینکه مدتی قبل، دوران محکومیت او به پایان رسیده بود، مزدوران رژیم مجدداً او را تحت شکنجه و بازجویی قرار داده و در تاریخ یاد شده، وی را اعدام می‌کنند.

### تلاش مزدوران خمینی

#### برای فرستادن دانش آموزان به جبهه‌ها

همزمان با تعطیل شدن مدارس کشور، جاسوسان و مزدوران باصطلاح امور تربیتی، دانش آموزان را برای رفتن به جبهه تحت فشار قرار داده‌اند. در همین رابطه، مزدوران خمینی ضمن برشمردن "ضرورت" رفتن به جبهه‌های جنگ، به دانش آموزان گفته‌اند کسانی که قصد ورود به دانشگاه را دارند، می‌بایست در اردوهای مناطق جنگی شرکت کرده و تعلیمات نظامی را بطور عملی یاد بگیرند!!

### سیاست "صرفه‌جویی"

#### یا ورشکستگی اقتصادی؟!

\* بدنبال تشنجات اخیر در خلیج فارس و قطع رفت و آمد بسیاری از کشتی‌ها به بنادر ایران، واردات رژیم خمینی از کشورهای خارجی که عمدتاً از طریق آبراه خلیج فارس، صورت می‌گرفت، به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و هم‌اکنون واردات اغلب اجناس از قبیل مواد اولیه کارخانجات، دارو، مواد غذایی و... بشدت کاهش یافته است. این امر، باعث شده تا دست‌اندرکاران رژیم خمینی برای سرپا نگهداشتن اقتصاد ورشکسته‌ی خود به اتخاذ یک باصطلاح سیاست "صرفه‌جویی" اقتصادی متوسل گردند. در همین رابطه، اخیراً به کلیه وزارتخانه‌ها دستور داده‌اند تا مخارج خود را کاهش دهند. همچنین به جراید روزانه نیز دستور داده شده تا صفحات روزنامه‌ها را به حداقل ممکن کاهش دهند.

\* آخوند خاتمی وزیر ارشاد رژیم خمینی: "با توجه به اولویت‌های موجود در کشور و با در نظر گرفتن این مسئله که می‌توان ارزی را که قرار است با آن خرج‌های غیرضروری شود، در جهت افزایش تعداد زائرین و

تهیه‌ی امکانات و وسایل مورد نیاز حجاج صرف کرد، لذا مناسب دیدیم ارز پرداختی به حجاج تقلیل یابد." (رادیو رژیم ۱۳/تیر/۶۳)

\* رادیو بی.بی.سی (B.B.C) (۱۳/تیر/۶۳) - ۴/ژوئیه/۸۴): "گزارش‌های رسیده از توکیو حاکیست که ایران نتوانسته است بهره‌ی وامی را که از یک کنسرسیوم بانک‌های ژاپنی دریافت کرده است، بپردازد. ایران این مبلغ را که معادل ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار است برای تأمین هزینه‌ی اجرای طرح پتروشیمی بندر خمینی از یک کنسرسیوم بانک‌های ژاپنی دریافت کرده بود."

### "شهردار بصره"!

در آخرین تهاجمات رژیم به خاک عراق، آخوند خلخالی جنایتکار از طرف رژیم به قرارگاه مرکزی سپاه ضدخلقی (موسوم به قرارگاه کربلا) در جبهه‌های جنگ فرستاده می‌شود. این مزدور جنایتکار، وظیفه داشته است تا طبق دجالگری‌های معمول رژیم، افراد بسیجی و جوانان کم سن و سال را برای رفتن روی میدان‌های مین و حمله‌های گله‌وار تهییج و آماده نموده و پس از "فتح بصره"؛ نیز بعنوان "حاکم شرع بصره"؛ برای "متمدین عراقی"، دادگاه صحرایی تشکیل داده و آنها را محاکمه و اعدام نماید! خام‌خیالی مزدوران رژیم بدان حد بوده است که یکی از عناصر رده بالای اطلاعات سپاه ضدخلقی که گویا امر بر او مشتبه شده و کار فتح بصره را تمام شده می‌انگاشته است، با اصرار زیاد شهرداری بصره را فی‌المجلس به خلخالی جنایتکار واگذار کرده و گفته است: "حاج آقا شما حتماً باید شهردار بصره بشوید!!" نیازی به توضیح ندارد که این تهاجم رژیم با برجای گذاشتن دهها هزار کشته و مجروح و مفقودالثر، اساساً با شکست مواجه گردید و شهردار "منتخب"؛ بصره نیز در همان ساعات اولیه جنگ فرار به تهران را بر قرار در قرارگاه ترجیح داد.

### رژیم خمینی دشمن آشکار خلق و انقلاب

#### فلسطین و مدعی رهبری!

جلال‌الدین فارسی، مهره‌ی جنایتکار خمینی: "هم‌اکنون دعای مردان، زنان و کودکان مستضعف فلسطینی از سوی خداوند مستجاب شده و خدای بزرگ برای این ملت ستم‌دیده بجای رهبران مارکسیست، ملحد، خودخواه، معامله‌گر و در یوزه، ولّی‌ای مثل امام (خمینی دجال) را قرار داده!!" (رادیو رژیم - ۸/تیر/۶۳)

### آماده باش نیروهای سرکوبگر رژیم

#### در جریان برگزاری کنکور دانشگاه

#### و دستگیری گروهی از داوطلبان

روز جمعه ۱۵ تیر ماه ۶۳، همزمان با برگزاری امتحانات کنکور سراسری دانشگاهها در تهران، نیروهای سرکوبگر رژیم اعم از کمیته‌ها، بسیج، سپاه ضدخلقی و... که از شب قبل، به حال آماده‌باش درآمده بودند، نه تنها در کلیه‌ی حوزه‌های امتحانی مستقر شده، بلکه واحدهای گشتی آنها نیز در سطح شهر، بطور چشمگیری افزایش یافته و بدین ترتیب جو نظامی فوق‌العاده‌ای را حاکم کرده بودند. در این روز، پاسداران ضدخلقی که عده‌ای از خائنین را نیز برای شناسائی افراد "سابقه‌دار و مشکوک" به حوزه‌های امتحانی آورده بودند، تعداد قابل توجهی از داوطلبان شرکت‌کننده در امتحان را دستگیر نموده و به شکنجه‌گاهها و منجمله مرکز سپاه عشرت‌آباد منتقل نمودند. تنها بر روی شبکه‌ی بیسیم سراسری سپاه و کمیته‌ها خبر دستگیری ۱۷ تن منعکس گردید که البته (با توجه به سعی مزدوران در جلوگیری از انعکاس اینگونه خبرها بر روی شبکه‌ها)، تعداد واقعی دستگیرشدگان بسیار بیشتر از رقم فوق بود.

# بررسی و تحلیلی درباره شکست تهاجمات موسوم به "الفجر ۵ و ۶ و خیر" بن بست‌ها و مشکلات خمینی در زمینه بسیج نیرو و تدارک جنگ افروزی‌های جدید

توضیح:

بررسی‌های اخص نظامی و نیز تنظیم نقشه‌ی مناطق جنگی که در این مقاله ملاحظه خواهید کرد، توسط "نهاده ارتش" سازمان مجاهدین خلق ایران انجام گرفته است.

این روزها در اغلب محافل سیاسی و خبری دنیا، در رابطه با جنگ افروزی‌های رژیم خمینی، این سوال مطرح است که چرا مدتی است در سلسله تهاجمات توسعه‌طلبانه رژیم، وقفه ایجاد شده است؟ بویژه اینکه سردمداران و ایادی جنایتکار خمینی، عملاً در تبلیغات جنگ‌طلبانه خود در ماههای اخیر طوری وانمود می‌کردند که گویا رژیم، مرحله‌ی جدیدی از جنگ افروزی‌های خانمان برانداز خود را آغاز خواهد کرد!

اما با گذشت قریب به ۴ ماه از آغاز عملیات موسوم به "الفجر ۵ و ۶" و "خیر"، و پایان گرفتن ماه مبارک رمضان، هنوز شیطان جماران دستور تهاجم جدید را صادر نکرده است! از سوی دیگر، برخی محافل سیاسی و رسانه‌های خبری بین‌المللی، اخباری واهی مبنی بر بسیج نیم میلیون نیرو توسط رژیم خمینی جهت آغاز تهاجمات جدید، اشاعه داده‌اند. گویا اینکه رفتن این قبیل اخبار اغراق‌آمیز بر روی آنتن‌های خبری و لابلای تفسیرها و مقالات رسانه‌های بین‌المللی بسیار مورد علاقه‌ی سردمداران ارتجاع نیز هست!

در کنار ارائه‌ی این قبیل آمار و ارقام اغراق‌آمیز و اخبار نقل و انتقالات نظامی رژیم، گاه تفسیرهایی نیز ارائه می‌شود که دلائل تأخیر در تهاجمات ضد انسانی رژیم را تنها به مسائل سیاسی از قبیل حوادث اخیر خلیج فارس و یا بروز اختلاف در میان سردمداران رژیم پیرامون نحوه‌ی ادامه‌ی جنگ مربوط و محدود می‌کنند!

در حالیکه بنابر شواهد و قرائن موثق از وضعیت نظامی رژیم و همچنین با استناد به ماهیت جنگ افروزانگی ارتجاع و وضعیت متزلزل کنونی رژیم، می‌توان تأکید کرد که اولاً: این موضوع مسلم است که رژیم به تهاجمات خود به‌خاک عراق ادامه خواهد داد، ثانیاً: هرگونه تأخیر در آن هم عمدتاً بستگی به وضعیت عامل اصلی یعنی توان نظامی رژیم خمینی و در راس همه، میزان بسیج نیرو

و ضد ملی رژیم خمینی موسوم به "الفجر ۵ و ۶" و "خیر"، در مجموع یک شکست نظامی بزرگ برای رژیم محسوب می‌شود. حال آنکه بدنبال شکست‌های پی‌درپی در تهاجمات قبلی در دو سال گذشته - از عملیات موسوم به "رمضان" در شرق بصره گرفته تا عملیات موسوم به "الفجر ۴" در کردستان - و همچنین بازتاب این شکست‌ها بر روی نیروهای رژیم و انعکاس اجتماعی آن، رژیم دقیقاً به یک پیروزی نظامی چشمگیر نیازمند بود. برای رسیدن به این هدف، سران و سرکردگان جنگی خمینی به این نتیجه رسیده بودند که ادامه‌ی عملیات به شیوه‌های قبلی (شیوه‌ی رودرروئی نیروها در یک منطقه) کارساز نیست و لذا بایستی از تاکتیک نظامی دیگری استفاده نمایند. براین اساس، فرماندهان جنایتکار رژیم، تصمیم گرفتند که عملیات

گسترده‌ای را با کیفیت جدید در نقاط مختلف جبهه و بطور همزمان انجام دهند تا ضمن پراکنده نمودن نیروهای عراقی در نقاط مختلف و وارد آوردن فشار شدید به آنها، تهاجم اصلی خود را از یک نقطه شروع کنند؛ نقطه‌ای که می‌بایستی در آن با مقاومت کمتر نیروهای عراقی روبرو شده و پیروزی دلخواه خود را بدست آورند. بدیهی است اولین و مهمترین الزام یک چنین طرحی، این بود که رژیم بتواند نیروهای در ابعاد حداقل ۲ تا ۳ برابر نیروهای که در عملیات گسترده‌ی قبلی به جبهه‌ها سرازیر کرده بود، بسیج و سازماندهی کرده و در جبهه‌های مورد نظر مستقر نماید و البته ریسک بسیار بالای تلفات انسانی را نیز بپذیرد! (هر چند رژیم ضدبشری خمینی در زبانه‌ی هدر دادن نیروی انسانی و همچنین آدم‌کشی،

مشکل و مسئله‌ای ندارد و طرح این موضوع صرفاً برای ارزیابی نظامی آنست). در این رابطه همانگونه که از آغاز، پیش‌بینی می‌شد، رژیم با موج تبلیغاتی ارتجاعی و سرسام‌آور خود، نیروهای را که در طرح موسوم به "لیک یا خمینی" (خائن) جمع‌آوری نموده بود، تحت پوشش "مانور آزادی قدس" به جبهه‌های جنگ گسیل نمود. گویا اینکه بسیاری از نیروهای رژیم که در طرح "لیک..." نام نویسی کرده بودند، علیرغم تهدیدات و اجازات متعدد، زیر بار این شهادی آشکار رژیم نرفتند و از رفتن به جبهه سر باز زدند. اما بهر حال رژیم اولین دسته از نیروهای طرح "لیک..." را تحت عنوان "لشکر قدس همدان" به جبهه‌ی غرب اعزام نمود. نتیجه‌ی کار این "لشکر" در جبهه، ضماً می‌توانست محک و معیاری برای جهت ارزیابی میزان راندمان و کارآئی نیروهای "لیک..." در جبهه‌ها باشد. به همین منظور سرکردگان جنایتکار نظامی رژیم، "لشکر قدس همدان" را در عملیات موسوم به "تحریرالقدس" جهت حمله به منطقه‌ی "دربندیخان" عراق - در مجاورت جنوب کردستان - شرکت داد. از این "لشکر" تعداد زیادی در همان روز اول تهاجم کشته شده یا به اسارت درآمدند. بنحوی که در روز دوشنبه اول اسفند ۶۲، تنها در شهر همدان ۲۰۰ جنازه، یکجا تشییع گردید. بدنبال شکست و تلفات سنگین "لشکر قدس همدان"، رژیم تعداد زیاد دیگری از نیروهای طرح موسوم به "لیک..." را که جهت شرکت در مانور (و به عبارت درست‌تر: دام) موسوم به "آزادی قدس" در روز ۲۲ بهمن در شهرهای مختلف جمع کرده بود، به جبهه‌های جنوب اعزام نمود؛ که از جمله آنها می‌توان از افراد طرح "لیک..." اصفهان، ماهشهر، اهواز، جهرم، تهران و چند شهر دیگر نام برد. بدین ترتیب، رژیم پس از شکست کامل در عملیات موسوم به "تحریرالقدس" برای پیشبرد هدف شوم خود، با بکارگیری از تاکتیک ضدانسانی "امواج انسانی"، در شب اول اسفند ۶۲، تهاجمات انحرافی خود را آغاز نمود. در این



نقشه‌ی مناطق عملیاتی در تهاجمات موسوم به "الفجر ۵ و ۶ و خیر"





## اطلاعیه‌های ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - در کردستان

## تهاجم گسترده پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق

به یکی از مهمترین پایگاههای رژیم ضد خلقی در منطقه بانه و بهلاکت رسیدن بیش از ۵۸ مزدور و پاسدار جنایتکار و انهدام یک سنگر اجتماعی و یک دستگاه تیربار کالیبر ۵۰ دشمن

## عملیات کمین گذاری

## پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق

در جاده پایگاه "نستان" واقع در منطقه سردشت و بهلاکت رساندن ۱۵ مزدور و پاسدار ضد خلقی و انهدام یک دستگاه "تویوتا"ی دشمن

بنابراین گزارش فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق - منطقه سردشت، در تاریخ ۱۳ تیرماه جاری، پیشمرگان مجاهد خلق اقدام به کمین گذاری در جاده‌ی منتهی به پایگاه "نستان" بر روی محور "مهاباد - سردشت" می‌نمایند. بدنبال آن در ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر، یک دستگاه "تویوتا"ی متعلق به سپاه ضد خلقی در کمین افتاده و در نتیجه تهاجم برق‌آسای پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق، "تویوتا"ی مزبور بکلی منهدم گردیده و کلیه‌ی مزدوران سرنشین آن، مرکب از ۱۵ "جاش" و پاسدار جنایتکار، بهلاکت می‌رسند. مزدوران مستقر در پایگاه "نستان"، وحشت زده از تهاجم سریع و برق‌آسای پیشمرگان دلاور مجاهد خلق،

مجاهد خلق بهلاکت می‌رسند. بدنبال این ضربات پیاپی، دشمن ضد خلقی سراسیمه با اعزام یک خودروی "تویوتا"ی حامل پاسداران جنایتکار خمینی و همچنین مزدوران موسوم به "جندالله" به منطقه درگیری، سعی در کمک‌رسانی به مزدوران خود می‌نمایند؛ اما نیروهای مزدور اعزامی نیز در کمین گسترده‌ی پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق افتاده و با تحمل تلفات سنگین مجبور به عقب‌نشینی می‌گردند. در جریان این درگیری نیز حداقل ۱۴ تن از مزدوران رژیم بهلاکت می‌رسند. همزمان با این عملیات کمین‌گذاری گسترده، سایر پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق ضمن محاصره‌ی پایگاه "برده بوک" حمله‌ی سنگینی را با آتش سلاح‌های خمپاره‌انداز و "آر. پی. جی" شروع می‌کنند. در اولین ساعات درگیری بر اثر اصابت گلوله‌های خمپاره به پایگاه دشمن، سنگر تیربار کالیبر ۵۰ مزدوران به‌مراه تیربار مستقر در آن و همچنین یک سنگر اجتماعی بکلی منهدم گردیده و حداقل ۲۸ تن از پاسداران و مزدوران ضد خلقی خمینی بهلاکت می‌رسند. به

پیشمرگه‌های دلیر مجاهد خلق طی یک عملیات گسترده و سنگین، پایگاه "برده بوک" یکی از بزرگ‌ترین و مهمترین پایگاه‌های رژیم جنایتکار خمینی در منطقه بانه را بشدت درهم کوبیده و بیش از ۵۸ تن از پاسداران و مزدوران ضد خلقی را بهلاکت می‌رسانند. رزمندگان قهرمان مجاهد خلق در اولین ساعات بامداد روز دوشنبه ۱۱ تیرماه جاری، بر اساس یک طرح دقیق و مطابق شناسائی‌های قبلی پس از استقرار در نواحی اطراف پایگاه "برده بوک" اقدام به کمین‌گذاری گسترده در تمامی مسیرهای منتهی به پایگاه مزبور می‌نمایند. بدنبال آن در ساعت ۹ و ۷ دقیقه صبح، یک گروه ۷ نفره از مزدوران تامینی رژیم که قصد مین‌یابی در جاده را داشته‌اند، به کمینی که پیشمرگان مجاهد خلق برای آنان گسترده بودند، افتاده و کلیه‌ی آنان در دم بهلاکت می‌رسند. همزمان با این تهاجم انقلابی ۴ تن از پاسداران جنایتکار نیز در یکی دیگر از مسیرهای منتهی به پایگاه "برده بوک" به دام پیشمرگان افتاده که در نتیجه آتش بی‌امان سلاح‌های رزمندگان

ستاد عملیات  
پیشمرگه‌های مجاهد خلق  
کردستان  
۱۵/تیر/۶۳

ستاد عملیات  
پیشمرگه‌های مجاهد خلق  
کردستان  
۱۳/تیر/۶۳

## تهاجم پیشمرگه‌های مجاهد خلق

به یکی از مراکز تجمع مزدوران و پاسداران جنایتکار رژیم خمینی در منطقه مهاباد

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در ساعت ۲ بامداد روز یکشنبه سوم تیرماه جاری، طی یک تهاجم سریع و برق‌آسا به پایگاه "گویچکه دره" بر روی محور "مهاباد - سردشت" که یکی از مراکز مهم تجمع مزدوران و پاسداران جنایتکار رژیم ضد خلقی خمینی در منطقه مهاباد می‌باشد، حداقل ۵ پاسدار و مزدور ضد خلقی را کشته و زخمی نمودند. مزدوران ضد خلقی مستقر

می‌رسند. پیشمرگان دلاور مجاهد خلق پس از پایان موفقیت‌آمیز این عملیات، همگی سالم به پایگاه خود باز می‌گردند.

ستاد عملیات  
پیشمرگه‌های مجاهد خلق  
کردستان  
۸/تیر/۶۳

ستاد عملیات  
پیشمرگه‌های مجاهد خلق  
کردستان  
۵/تیر/۶۳

## عملیات کمین گذاری

## پیشمرگان مجاهد خلق در منطقه سردشت

تا اینکه در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه همان روز، یک دستگاه جیب فرماندهی دشمن ضد خلقی به کمین پیشمرگان می‌افتد که با تهاجم سریع و برق‌آسای پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق، خودروی مزبور بکلی منهدم شده و کلیه‌ی سرنشینان آن که ۴ پاسدار جنایتکار بودند، در دم بهلاکت

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در تاریخ ۶ تیرماه جاری، مطابق یک طرح دقیق عملیاتی، مناطق حفاظت شده رژیم ضد خلقی خمینی در جاده‌ی حدفاصل پایگاه‌های "برده رش - برده سور" در منطقه "نستان" سردشت نفوذ نموده و به کمین مزدوران دشمن خدا و خلق می‌نشینند.

\* \* \*

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

## سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی

## از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های

## رژیم ضدبشری خمینی

گزارش دوم (زندانبشهر - قسمت هشتم)

## زندانبشهر و زندانی



## سال ۶۱، سالی که در امتداد "دارها" و "جرتقیل‌ها" سپری گشت!

... همراه با آغاز بهار سال ۶۱، دیگر اکثریت زندانیانی که به شکنجه‌گاهها منتقل شده بودند تا بوسیله "خبرگان" دایره‌ی سیاسی سپاه ضدحلقی، تحت "تعزیر" قرار بگیرند و "هدایت" شوند، به زندان وکیل‌آباد و به بند "۴" بازگردانده شدند. آنها در "تعزیر" گاه‌های مختلف خمینی در مشهد و از جمله شکنجه‌گاه موسوم به "بازداشتگاه ابوذر" و بقول زندانیان، "جزیره" (۱) و همچنین خانه‌ی سابق سرهنگ شیخان - آخرین رئیس ساواک مشهد در زمان شاه - و خانه‌ی گرازبانی پلید و آخوند حسینی جلاد و دیگر خانه‌های امن ریز و درشت سپاه، شدیداً مورد شکنجه‌های گوناگون قرار گرفته بودند، ولی سرانجام به زندان بازگردانده شدند و سردمداران ارتجاع که نتوانسته بودند با به زیر شکنجه کشیدن آنها، جو دلخواه خود را در زندان وکیل‌آباد و سایر زندان‌ها ایجاد کنند و از تیرباران شدید و بی‌رویه نیز نتیجه‌ی بدست نیاورده بودند، به چاره‌جویی پرداختند، چاره‌جویی برای اینکه مقاومت را در هم بشکنند، مقاومتی که علیرغم صدها شهید تیرباران شده، همچنان چون خاری در چشمان ارتجاع فرو رفته بود و او را آزار می‌داد، مقاومتی که تیرباران‌ها و شکنجه‌ها و حتی آوردن شکنجه‌گران کارگشته از شکنجه‌گاه‌های شهرهای دیگر نیز خلی در آن بوجود نیاورده بود. سرانجام سردمداران جنایت و سرکوب، بزعم خود راه و چاره را یافتند. آن راه و چاره چنین بود: "حال که شدت کشتارها و نحوه‌ی اعدام‌ها و شکنجه نتوانسته است کاری انجام دهد، باید شکل کار را عوض کرد (زیرا در محتوا، مرزی که در نوردیده نشده باشد، باقی نمانده بود) و بجای شیوه‌ی تیرباران در تپه‌های

قاسم‌آباد و نقاط متروک دیگر، بایست اعدام‌ها را بصورتی وحشیانه و خوف‌آور و در حضور تماشاگران، اعم از زندانیان یا مردم به اجرا در آورد، در زندان و در صورت لزوم، در سراسر شهر، دارها بر پا کرد، از جرتقیل‌های غول‌آسا کمک گرفت و مجاهدین و مبارزین اسیر را کشان‌کشان و در حلقه‌ی محاصره‌ی پاسداران سرنیزه به - دست و در هیاهو و دست‌افشانی و پایکوبی اراذل و اوباش مزدور خمینی، به پای دار کشانید و با تحقیر و توهین آنها را به‌دار آویخت و حتی آنها را به‌مان وضع در سراسر شهر گردانید و جنازه‌های آنها را نیز در پایان کار در زیر مشت و لگد و ضربات چماق له کرد... تا شاید زندانیان، دست از مقاومت و سرسختی بردارند و مردم نیز با رعب و وحشت، از روی آوردن به مبارزه و حمایت از پیشتاز دوری جویند." (۲)

... و بدینگونه بود که از بهار سال ۶۱ دارها ابتدا در زندان و سپس در سراسر شهر برپا شد، (و بهمین دلیل بایست حوادث خونین سال ۶۱ مشهد را در سایه‌سار دارها نگریست؛ دارهائی که مجاهدین بر آن چون پرچم مقاومت و شرف خلق به اهتزاز در آمدند)، ولی باز هم ارتجاع، به مقصود و مقصد نرسید. آن خیل دلیری که از دهلیزهای خونین تعزیرگاهها و از زیر تازیانه‌ی جلادان ریز و درشت رژیم در مشهد و از میدان‌های خونین تیرباران و تپه‌های سرخ فام "قاسم‌آباد" و بیدادگاه‌های چند ثانیه‌ای گذشته و نه‌راسیده بودند، از دار نیز ترسی به‌دل راه ندادند و بر پیمان خود با "خدا" و "خلق" پای فشردند.

بدینگونه پس از به‌دار آویخته شدن مجاهدین شهید سعید جابانی و حسن تقفدی یوسفی، رزمندگان مجاهدی چون شهرام بهرامی و سیفی جلالی و محمد قاسم جلالیان میرزاپور بر طناب دار خویش

بوسه زدند و خود سرپرشور و خم‌ناشدنی خود را در حلقه‌ی دار قرار دادند و با فریادهای مرگ بر خمینی، درود بر مجاهدین به شهادت رسیدند و چندی پس از آن سردمداران ارتجاع که از این شکست خود به خشم آمده بودند هار و عنان گسیخته به یکباره ۱۷ تن از مجاهدین دلیر (ولی‌الله قاسلوئی تیکان تپه، محمد مهدی جهانبانی، قربان مقیمی، اکبر احمدی، احمد شایسته، مصطفی امامقلی، محمدرضا پهلوانلو، صفری داوری، دکتر جعفر شکوهی سیمائی، محمد ادهمی، محمد علی روحانی، مریم صدرالاشرفی، مهری قره‌داشی، محمد ابراهیم صالحی مقدم، غلامرضا محمدزاده، عبدالحسین موسوی، علیرضا باغبان) را در محوطه‌ی پشت بندها، به‌دار آویخت و پس از آن چون از این عنان - گسیختگی باز هم طرفی نسبت در روز ۷ تیر، امیر یغمایی را در حالیکه ساعتی، پیش از اعزام به محل اعدام بوسیله‌ی علی میرزائی جنایتکار شدیداً تحت ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته بود، کشان‌کشان در حلقه‌ی محاصره‌ی اوباش خود و در برابر چشمان حیرت‌زده و گریان مردم، به‌دار کشید و به همان صورت، پیکر بی‌جان او را برای ایجاد پاورقی:

۱ - عنوان "جزیره" یا "تعزیرگاه" که توسط زندانیان به شکنجه‌گاه موسوم به ابوذر داده شد، علاوه بر شرایط ویژه‌ی آن که نام جزیره را برای آن بلحاظی مناسب می‌نمود، ضمناً به این دلیل نیز بود که مشخصاً زندانیان مجاهد، حاضر نبودند نام "بوذرغفاری" یا رپاک‌باخته و دلیر پیامبر را (که خود سال‌ها بر علیه اسلاف امثال خمینی پلید دوشادوش پیامبر شوریده و جنگیده بود) بر یکی از شکنجه‌گاه‌های خمینی بپذیرند.

۲ - بعدها طبق گزارشات و اخبار مختلف، مشخص شد طرح برپائی "دارها" و "به جرتقیل

رعب و وحشت در خیابان‌های شهر به نمایش گذارد و پس از آن، نوبت به عبدالمجید محمودزاده، علیرضا محله قاسمی، همایوندخت مظفری نائینی، بهمن مقدس‌جعفری، عبدالله مهری‌زاده و... دهها تن دیگر رسید. و بدین‌گونه روزها و هفته‌ها و ماه‌های سال ۶۱ در شهر مشهد نیز چون سایر نقاط ایران در خون و درد و شکنجه و در سایه‌ی دارزندان‌ها و جراثقال‌ها و بر پلکانی خونین از مقاومتی اوج‌گیرنده طی شد. آری سال ۶۱ گذشت، اما جملات و کلمات، چقدر برای بیان واقعیت، ساده و نارسا و ناکافی هستند. نارسا برای بیان لحظات و روزهای سنگین که اینک همراه با این سطور، شتابزده از فراز آن می‌گذریم و تنها تصور و تصویری کلی از آنرا ارائه می‌کنیم، تصور و تصویری کلی از یکسال مقاومت، مبارزه و شهادت ولی آنچه که در همین فرصت و سطور نیز باید بر آن تاکید داشت استواری عزم و اراده‌ی عنصر موحد مجاهد خلق و خلل‌ناپذیری روحیه‌ی مقاومت در زندان است. چونگی این مقاومت حماسی، شاید با در نظر گرفتن شرایط خاص زندان در سال ۶۱ از جمله ویژگی‌های زیر بهتر تصویر گردد.

در سال ۶۱ بویژه از تابستان به بعد، آنچنان جو خشن و بیرحمانه‌ای بر زندان حاکم گشت که دیگر مجازات سرود خواندن، شعار دادن،

آویختن زندانیان "از پیشنهادات طبسی خائن برای ایجاد رعب در زندانیان و نیز اهالی شهر بوده که خمینی پلید نیز شخصاً آنرا تأیید کرده‌است و بهمین دلیل با یک نظریه‌روان‌های رژیم و نحوه‌ی شهادت مجاهدین اسیر در زندان می‌بینیم که بطور ناگهانی از نیمه‌های فروردین به‌دار آویختن‌ها در مشهد شروع می‌شود و در تابستان آنچنان اوج می‌گیرد که زبان از وصفش عاجز است. در زندان معمولاً هنگام به‌دار آویختن‌های دسته‌جمعی مجاهدین و مبارزین، آخوندها و برخی از سران رژیم نیز در محل حاضر می‌شدند و

نشست گذاشتن و کوچکترین تماسی که نشانی از تعلیم و تعلم تشکیلاتی، ایدئولوژیک و سیاسی داشت چیزی جز به‌دار کشیده شدن و یا (در صورت اشتغال جلادان مخصوص به‌دار کشیدن زندانیان) به میدان تیرباران روانه شدن نبود. در آن شرایط کافی بود بازجو یا عناصر جنایتکاری که در داخل زندان به گشت زنی مشغول بودند، فقط و فقط شخصی را دارای "روحیه‌ی رشدانقلابی" بدانند و او را به سوی دار یا میدان تیرباران روانه کنند چنانکه چندین بار زندانیانی را که به ۳ یا ۵ یا ده سال زندان محکوم بودند به‌همین دلیل به‌سوی چوبه‌ی دار روانه کردند ولی با این همه، با همه‌ی این رذالت‌ها و جنایت‌های روزافزون و عنان‌گسیخته، زندان وکیل‌آباد نیز چون دیگر زندان‌های سراسر ایران اگرچه به سختی و سنگینی، ولی بی‌تزلزل جنگید و بازم زندانیان، سرود خواندند و به شهادت رسیدند و بند از فضای مرگ بر خمینی هر از چند یکبار به لرزه درآمد و در پی آن یک یا چند تن به کشتارگاه‌ها روانه شدند و اندک اندک با طی شدن بهار و تابستان و خزان خونین و پر رنج، ارتجاع متوجه شد که دیگر دار زدن نه تنها کارآیی لازم را ندارد و روحیه‌ی مقاومت را درهم نشکسته، بلکه آنچنان جوی از نفرت و خشم در سراسر مشهد بوجود آورده است که گاه حتی تا مین جانی برای برخی از مزدورانی که در سمت راننده جراثقال‌ها کار کنیف دارزندان می‌گرفتند، وجود ندارد.

بنابراین ابتدا دار زدن در معابر عمومی و خیابان‌ها کم شد و به‌داخل زندان انتقال یافت و آنگاه تپه‌های قاسم‌آباد از طنین گلوله‌های بیشتر و بیشتری لرزید و سردمداران ارتجاع با همکاری بقیه در صفحه‌ی ۱۹ تعدادی از زندانیان نیز برای تماشای مراسم به زور به محل آورده می‌شدند و در شهر نیز هنگام به‌دار آویختن، معمولاً گروهی از پاسداران و اراذل و اوباش خمینی با کف‌زدن و شعار دادن، و در حالیکه زندانی را با مشت و لگد به‌سوی دار می‌رانند، این جنایات انجام می‌شد. این وحشیگری‌ها گاه چنان اوجی می‌گرفت که پس از پائین آوردن پیکر بیجان مجاهد و مبارز به‌دار آویخته شده باز هم اوباش دست برنداشتند و جسد را در زیر ضربات چوب و چاقو و زنجیر می‌گرفتند و کشان‌کشان با خود می‌کشیدند.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پرو برنامه (هویت)

## ۳۰ خرداد، نقطه عطفی در جنبش رهائی بخش مردم ایران

در تاریخ مبارزات مردم هر کشور روزهائی است که در روند تکامل مبارزه طبقاتی به روزهائی تاریخی تبدیل شده و تاثیر آن بر کل مبارزه به اندازهی دهها سال مبارزه در شرایط عادی خواهد بود.

۳۰ خرداد، در تاریخ جنبش دمکراتیک-ضدامپریالیستی میهن ما از چنین خصیصهائی برخوردار است. برای روشن شدن این امر، مروری کوتاه بر شرایط پس از قیام شکوهمند خلقهای ایران در ۲۲ بهمن سال ۵۷ لازم است. جنبش انقلابی مردم ایران در سالهای قبل از قیام بهمن ۵۷ بعثت فقدان شرایط ذهنی لازم، عملاً زیر رهبری بخشی از روحانیت که دارای گرایشات شدیداً قشری، ضد دمکراتیک و ضد کمونیستی بود قرار گرفت، خمینی که در راس این روحانیت بود در رهبری جنبش قرار گرفته و بعثت سابق سیاسی اش و فقدان آلترناتیو انقلابی، قدرت بلامنازع در رهبری جنبش پیدا کرد. خمینی در آستانهی قیام دارای محبوبیتی وسیع بود. او که امروز به جلاد تودهها تبدیل شده و اکثریت عظیم مردم بویژه محرومان و زحمتکشان میهن ماننفری عمیق نسبت به وی دارند، در روزهای قیام بعنوان مردی شناخته میشد که در مبارزه علیه شاه در مقابل سازشکاران و فرصت طلبان که یک "شاه دمکرات" میخواستند از قاطعیت لازم برخوردار بود.

از این جهت خمینی که در ضمن بعنوان مرجع تقلید بخشی از مسلمانان بود، توانست مشروعیت مردمی و قانونی (با اجرای فرماندم جمهوری اسلامی) کسب کند. اما جنبهائی دیگر، ماهیت سیاستهای بود که رژیم در پیش می گرفت. سیاستهای که ماهیتاً ضد انقلابی، ارتجاعی و ضد خلقی بود و مسلماً این مسئله بیکباره نمی توانست برای اکثریت مردم روشن شود. در اینجا مبارزه ای افشاگرانهی سیاسی اهمیت بسیار کسب می کرد و اگر از بعضی نقاط میهنمان و منجمله کردستان که مردم آن از ابتدا نسبت به رژیم توهمی نداشتند بگذریم، در سایر نقاط مبارزه سیاسی با رژیم محور اصلی مبارزه بود.

رژیم حاکم بر ایران به رهبری خمینی هم در جهت بازپس گیری دستاوردهای قیام تودهها و هم

در جهت نظم ضربه خوردهی پیش با شیوهی خود حرکت می کرد. این رژیم با ظاهری ضدامپریالیستی ماهیت واقعی ضد خلقی خود را می پوشاند و کوشش می کرد به توهم تودهها دامن زده، مبارزه واقعی تودهها را منحرف نماید.

اما بعثت بحران عمومی در جامعه، شرکت مردم در قیام و رشد سیاسی آنها، تضادهای جناحهای مختلف حاکمیت و مبارزه سیاسی نیروهای انقلابی، رژیم در ابتدا قادر نبود بیکباره بر تمام جوانب زندگی مبارزاتی مردم تسلط یابد. اگر امروز می بینیم که سران رژیم از اینکه به خیال خود به گروههای سیاسی در ابتدا "آزادی" داده اند تأسف می خورند، از این جهت نیست که این ضدانقلابیون تمام عیار واقعاً قادر بودند جلوی رشد مبارزه تودهها و نیروهای انقلابی را بگیرند.

این افسوس دقیقاً بیان دیگر حرف مهندس بازگان است که می گفت: "ما باران می خواستیم، سیل آمد" بدینگونه پروسهی افشاگری سیاسی و بسیج مسالمت آمیز انقلاب در ابعاد گسترده و به اشکال مختلف از فردای سرنوشتی رژیم دیکتاتوری شاه آغاز شد، پروسهای سخت و بفرنج که در آن صف بندی های گوناگون بوجود آمد که در اساسی ترین مسائل بصورت زیر تقسیم بندی می شد:

۱- سلطنت طلبان ضد انقلاب مغلوب که خواهان برگشت رژیم سرنوشتی شدهی شاه بودند و ارمغان انقلاب شکوهمند مردم که رژیم سلطنتی را به گور سپردند "فتنهی خمینی" می نامیدند.

۲- جناح وابسته به حزب جمهوری اسلامی و روحانیت معتقد به ولایت فقیه که زیر رهبری خمینی بودند، این جناح که در حاکمیت نقش اصلی را داشت، این جناح از همدستی و همکاری حزب خائن توده، خائنین موسوم به اکثریت برخوردار بود.

۳- جناح های موسوم به لیبرال ها که در رابطه با انحصار طلبی معتقدین به ولایت فقیه از خود گرایشات کم رنگ آزادی خواهی بروزی دادند. این جریان به دسته بندی های مختلف تقسیم شده و بعضی بخش های آن در حاکمیت نقش داشتند و اساساً محور اصلی تضاد در حاکمیت پیرامون تضاد این جناحها با جناح معتقد به ولایت فقیه شکل گرفته بود.

۴- نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه که نه فقط انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ را تأیید می کردند بلکه خواستار پیشرفت انقلاب و تعمیق آن بودند، این نیروها علیرغم اختلافات درون خود و علیرغم وجود جریانهای انحرافی "چپ" و راست در آن، مجموعاً خواستار تحقق کامل انقلاب دمکراتیک بودند. این نیروها که علیه سیاستهای ضد انقلابی حاکمیت مبارزه می کردند، به اشکال مختلف و در شرایط مختلف مورد تعرض و سرکوب حاکمیت قرار می گرفتند. در این دوران جهت اصلی مبارزه علیه جناح مسلط در حاکمیت بود. این مبارزه که محور آن مبارزه برای دمکراسی انقلابی بود ضمناً هم در جهت منفرد کردن گرایشات لیبرالیستی در جنبش وهم در جهت افشاء گرایشات رفرمیستی و محافظه کارانه حرکت می نمود.

گسترش مبارزه برای دمکراسی انقلابی و پروسهی جدائی تودهها از حاکمیت و نیز نفوذ گسترش یابندهی نیروهای انقلابی، جناح معتقد به ولایت فقیه را به چاره جوئی واداشت. این جناح نمی توانست حتی بر قوانینی که خود تصویب کرده بود متکی شود و باید تعرض خود را به انقلاب شدت می بخشید.

این جناح که سرکوب مردم کردستان را از فردای بقدرت رسیدن شروع کرده بود، باید انقلاب را در ابعاد سراسری نیز سرکوب می نمود و برای این لازم بود قدرت حاکمه را یکدست نماید.

این پروسه که از ۱۴ اسفند ۵۹ به شکل حادی آغاز شد و در روزهای خرداد ۶۰ به نقطه ای انفجاری خود رسید و در واقع اگر حزب جمهوری اسلامی می توانست: اولاً خود را در حاکمیت یکدست نماید.

دوما بدون هرگونه مقاومتی مبارزه مردم و نیروهای انقلابی را سرکوب نماید، توانسته بود به اهداف خود برای یک مرحله بطور کامل دست یابد، مسلماً شرایطی مثل شرایط پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد بر جامعه ما حاکم می شد. شرایطی که نتیجهی مستقیم آن در گام اول شکست انقلاب و در گام های بعدی رشد سلطنت طلبان و نیروهای موسوم به لیبرال ها بود. اگر رژیم خمینی نتیجهی مستقیم دیکتاتوری عنان گسیختهی شاه و سرکوب نیروهای انقلابی بود، رژیم دیگری که پس از این شرایط فرضی حاکم می گشت نتیجهی

مستقیم عدم مقاومت نیروهای انقلابی و تنها گذاشتن مردم می بود. اگر عدم مقاومت حزب توده در ۲۸ مرداد ۳۲ که ناشی از اپورتونیسم حاکم بر آن بود، رژیم کودتا را قادر ساخت تا مردم را بسادگی سرکوب نماید، عدم مقاومت نیروهای انقلابی در خرداد ۶۰ رژیم خمینی را قادر می ساخت که نه فقط مردم را بسادگی سرکوب نماید، بلکه بخشی از تودهها را همچنان در توهم باقی گذارد.

۳۰ خرداد ۶۰ به همین علل یک نقطه عطف در انقلاب دمکراتیک ضدامپریالیستی مردم میهن ماست و سازمان مجاهدین خلق بعثت درک درست از این شرایط در مقطع تاریخی کنونی بر محور این مبارزه خونین و اصیل قرار گرفته است. زیرا علاوه بر کردستان که نیروهای مقاومت به مبارزه علیه رژیم ادامه می دادند در مقیاس سراسری و بطور عمده سازمان مجاهدین خلق بود که با آمادگی لازم و آگاهانه به استقبال این شرایط رفت.

۳۰ خرداد ۶۰ یک جنبش توده ای وسیع بود زیرا علیرغم محدودیت های بسیار صدها هزار نفر مردم در تهران به خیابانها ریختند و فریاد یا مرگ یا آزادی سر دادند، ۳۰ خرداد ۶۰ یک جنبش توده ای اصیل بود زیرا تودهها در مقابل یکی از فریبکارترین رژیم های تاریخ ایستادگی کردند و مهر باطل بر این رژیم زدند، ۳۰ خرداد ۶۰ یک جنبش توده ای سازمان یافته بود زیرا تودهها نه بطور خود بخودی و غریزی بلکه بر اساس دعوت یک نیروی انقلابی و بسیج عمومی آن بخیبانها ریختند. این مبارزه نه پایان یک راه بلکه آغاز راهی بود که قانون مندی های رشد انقلاب آنرا در دستور کار قرار داد.

سیاسی و علیه ارتجاع نیستند، حتی در همراهی محدود با نیروهای دمکرات نیز ناتوانند. اینها عواملی بود که به این روز یک بُعد تاریخی داد. ما در همان موقع در سرمقاله ی نشریه ی کار شماره ی ۱۱۶ (بتاریخ ۱۰ تیر ۶۰) نوشتیم:

"شنبه ی خونین تهران که طی آن تظاهرات مسالمت آمیز مردم بخون گشیده شد و دهها گشته و صد نفر زخمی شدند نقطه ی تحولی تازه در نبرد محسوب می شود که اکنون در سراسر جامعه تکامل می یابد." ما اکنون نیز با تأیید مضامین اصلی همین سرمقاله است که ۳۰ خرداد ۶۰ را نقطه ی عطفی در جنبش انقلابی و رهائی بخش مردم ایران می دانیم و بویژه ادامه ی مبارزه در شکل مبارزه ی مسلحانه ی انقلابی و رهائی بخش را تضمین کننده ی پیروزی های آینده و حفظ دستاوردهای این روز می دانیم.

ما اکنون نیز این حقیقت را یادآوری می کنیم که سازمان مجاهدین خلق ایران در محور این حرکت و این روز قرار گرفت. اما برای اینکه تمام حقیقت را گفته باشیم این را هم باید یادآوری کنیم که در این روز تقریباً تمام نیروهای انقلابی دیگر و منجمله نیروهای کمونیست چه بطور خود بخودی و چه بطور آگاهانه در این جنبش شرکت فعال داشتند و بسیاری از هواداران پاک باخته ی آنها شهید، زخمی و اسیر شدند. ما در سومین سالگرد این روز تاریخی به تمام شهدای این روز بزرگ افتخار کرده و درود می فرستیم. شهدای این روز تاریخی را نه مثل برگ های خزان که ریزش آنها پیام آور زمستان سرد و سختند، بلکه همچون شکوفه ها و لاله های بهاری، پیام آوران میوه های شیرین پیروزی می دانیم. پیروزی بر امپریالیسم، پیروزی بر رژیم ارتجاعی خمینی.

خاطره ی جانفشانی های این روز بزرگ هرگز فراموش نخواهد شد و میراث گرانقدر آن بر جای خواهد ماند و تردیدی نیست که هیچ عاملی نمی تواند اراده ی انقلابی مردم محرومی را که مسلح و سازمان یافته برای استقلال، دمکراسی، صلح و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند رادرم شکند.

سرنوشتی با رژیم ارتجاعی خمینی پیروز باد مبارزه ی مسلحانه ی انقلابی و رهائی بخش خلق های ایران گرامی باد خاطره ی شهدای قهرمان سی خرداد ۶۰ زنده باد صلح و آزادی سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیرو برنامه ی (هویت) ۳۰/خرداد/۶۳

## گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق

### ★ مجاهد شهید

#### فرح حریری (اشتری)

خود را در رابطه با آن آغاز کرد. مجاهد شهید فرح حریری مدنی پس از ازدواج با مجاهد شهید عزت اشتری به تهران آمد و ابتدا در ارتباط با بخش محلات و پس از آن در رابطه با تیم حفاظتی برادر مجاهد محمود عطائی به فعالیت پرداخت. نواضع انقلابی، صمیمیت و مهربانی و احساس مسئولیت در فبال کارها، از بارزترین ویژگی‌های انقلابی او بود که در انجام تک‌تک مسئولیت‌هایش بخوبی بارز می‌شد. گشاده‌روئی و احساس مسئولیت عمیق فرح در برخورد با مسئولیت‌های متعدد و سنگینی که پس از آغاز فاز نظامی و در پایگاه بعهدہ داشت، برای تمامی خواهران و برادرانش قابل ستایش و درس‌آموز بود.

فرح، طی درگیری نابرابری در روز ۳۰ خرداد/۶۱ در یکی از پایگاه‌های مقاومت مجاهدین شهادت رسید و با شهادت او و همسر مجاهدش عزت‌الله اشتری، خانواده‌ی حریری با تقدیم ۳ شهید گرانقدر، در زمره‌ی خانواده‌های شهدای مجاهد خلق قرار گرفت. قبل از آن برادر مجاهدش مسعود حریری در تابستان ۶۰ بدست دژخیمان خمینی شهادت رسیده بود.

یادش گرامی باد

فعالیت انقلابی در راه خدا و خلق، به جمع یاران شهیدش پیوست. در آن روز او و همسرش (فرح) ساعت‌ها در برابر تهاجم وحشیانه‌ی پاسداران جنایتکار خمینی جنگیدند و با سلاح آتشین و رزم قهرمانانه‌ی خود، درسی تلخ و فراموش‌نشدنی به مزدوران دشمن دادند.

شهادت قهرمانانه‌ی عزت، آخرین برگ از دفتر حیات پرافتخارش بود که با خون پاکش رقم خورد و بر صداقت و صلابت او گواهی داد.

یادش گرامی باد.

تمام انرژی و توان، پذیرای مسئولیت جدیدش شد. از آن پس دیگر برای او شیرین‌ترین و بهترین لحظات، زمانی بود که می‌دید در سایه تلاش و فداکاری خود و دیگر یارانش در تیم حفاظتی، پایگاه محل استقرار برادر مجاهد محمود عطائی بعنوان یکی از مراکز مهم فرماندهی نیروهای رزمندگی مجاهد خلق بخوبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یکی از همسران عزت دربارهی این مقطع از فعالیت‌های انقلابی و تشکیلاتی او می‌گوید:

"در اواخر سال ۶۰ مدتی با عزت بودم. او لحظه‌ای آرام و قرار نداشت و هر وقت او را می‌دید، به انجام کاری مشغول بود. حل مسائل امنیتی، نظامی، ارتباطی، صنفی و... پایگاهی که محل استقرار یکی از مسئولین سازمان بود و نتیجتاً در آن نشست‌های متعددی برگزار می‌شد و دیگر مسئولان سازمان نیز به آنجا رفت‌وآمد داشتند، مسئولیت بسیار سنگین و پرتضادی بود که عزت و همسرش (فرح) همچون دیگر خواهران و برادران مجاهد در بخش حفاظت سازمان با سعی صدر انقلابی و احساس مسئولیت عمیق از عهده‌ی انجام آن برآمدند. برای او که ارزش ایدئولوژیک، تاریخی و تشکیلاتی حفاظت از سمبل‌ها و مسئولین سازمان را بخوبی درک می‌کرد، مسئولیت "حفاظت" قبل از هر چیز مسئولیتی بود که او را به کار و تلاش بیشتر و فکر عمیق‌تر در جهت حل تضادها و یافتن شیوه‌ها و راه‌حل‌های نوین واداشته بود. عزت مدتی روزها بیرون می‌رفت و بدنیاال تهیبه‌ی پایگاه مناسب‌تری برای استقرار برادر مجاهد محمود عطائی بود. من ناراحتی و اندوه را در چهره‌ی شاداب او، تنها زمانی دیدم که بعد از مدتی جستجو، موفق به تهیه‌ی پایگاه مناسب نشده بود و لذا از اینکه می‌دید بدلیل اشکالات امنیتی و حفاظتی پایگاه، استفاده‌ی لازم از آنجا نشده و بخشی از انرژی مسئولین سازمان، بویژه برادر مجاهد محمود عطائی،

روز ۳۰ خرداد/۶۱، یکی از پایگاه‌های مقاومت مجاهدین در تهران مورد هجوم پاسداران جنایتکار خمینی قرار گرفت. این تهاجم، همانند نمونه‌های مشابه دیگر، با مقاومت سرسختانه از جانب مجاهدین روبرو گردید و نبردی نابرابر اما قهرمانانه و حماسی آغاز شد.

در پایان این نبرد قهرمانانه، تنی چند از مجاهدین از جمله زوج انقلابی مجاهد، عزت‌الله اشتری و فرح حریری به خاک و خون غلتیدند و بعهد خویشتن با خدا و خلق وفا کردند. ضمن گرامیداشت یاد و خاطره‌ی این فرزندان رشید مجاهد خلق، فرازهایی از زندگی انقلابی آنان را بازگو می‌کنیم.

### ★ مجاهد شهید عزت‌الله اشتری

مجاهد شهید عزت‌الله اشتری، زندانی سیاسی رژیم شاه خائن و از جمله جوانان پرشور و مبارزی بود که در پرتو راهگشایی پیشانان مجاهد خلق، فعالیت‌های انقلابی خود را در جهت ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ انقلابی مجاهدین و حمایت از جنبش مسلحانه آغاز نمود.

او که خود در خانواده‌ی زحمتکش و محروم در شهر اراک بدنیا آمده و از نزدیک ظلم و تبعیض و نابرابری ناشی از حاکمیت رژیم وابسته و غارتگر شاه خائن را بعینه مشاهده نموده بود، پس از ورود به دانشگاه علم و صنعت و در ارتباط با دانشجویان مبارز، بیش از پیش به کسب آگاهی‌های سیاسی و مبارزاتی نایل آمد و بطور فعالی در حرکت‌های اعتراضی دانشجویان سرعلیه رژیم شاه شرکت جست.

از سال‌های ۵۰ به بعد، فعالیت‌های عزت، سمت و سوی مشخصی یافت و او از آن پس در تلاش برای پیوستن به سازمان مجاهدین خلق از هیچ کوششی فروگذار نکرد. از جمله در سال‌های ۵۳-۵۲ به‌همراه تعدادی دیگر از دانشجویان هوادار سازمان، هسته‌ی کوچکی را تشکیل داد که کار این هسته تکثیر و پخش اطلاعاتی و جزوات سازمان بود.

عزت در پائیز سال ۵۳، حین خدمت سربازی توسط مزدوران ساواک دستگیر و به ۴ سال زندان محکوم شد. تحمل قهرمانانه‌ی ماه‌ها شکنجی

دژخیمان ساواک، برخورداری از تعلیمات و آموزش‌های مجاهدین در زندان و پشت سر گذاشتن پیروزمندانه‌ی آزمایشات متعدد، عزت را به یک انقلابی حرفه‌ای و یک عنصر مجاهد ارتقاء داد و او را آماده‌ی تقبل مسئولیت‌های سنگین‌تر ساخته بود.

عزت پس از آزادی از زندان در سال ۵۷، فعالانه در جریانات قیام و حرکت‌های مردمی شرکت داشت. با تشکیل ستادهای جنبش ملی مجاهدین، او در بخش محلات تهران مشغول فعالیت شد. در سال ۵۷ با یکی از خواهران مجاهد بنام فرح حریری ازدواج کرد. عزت از شهریور ۵۹ به بخش شهرستان منتقل شد و کمی بعد با بعهدہ گرفتن مسئولیت تیم حفاظتی برادر مجاهد محمود عطائی، عضو دفتر سیاسی و فرماندهی سناد نظامی سازمان، پربارترین و درخشان‌ترین مقطع زندگی انقلابی خود را آغاز نمود.

طی این دوران او بخوبی عمق درک و بینش انقلابی، احساس مسئولیت، حل‌شدگی تشکیلاتی و فداکاری و از خودگذشتگی‌اش را در برخوردی فعال و خلاق با این مسئولیت خطیر نشان داد. عزت که تبلور ارزش‌ها و مصادیق عینی ایدئولوژی سازمان را در سمبل‌های تشکیلاتی و رهبران و مسئولین آن می‌دید، به اهمیت ویژه‌ی مسئولیت خود یعنی حفاظت از یکی از مسئولین برجسته‌ی سازمان بخوبی واقف بود و لذا از همان ابتدا با

برای تحقق صلح و آزادی همه‌سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

## گزارشاتی از عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت در

### "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۵)

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

بناسبت بزرگداشت هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران، سه شهید از چهل هزار شهید انقلاب نوین ایران بضرورت آگاه و مبارز معرفی میگردند

فَصَلِّ عَلَى الْمُرْتَدِّينَ وَعَلَى الْكَاذِبِينَ وَالْمُزَيِّنِينَ



حبيب  
حاج خداورزی خان  
زیر شکنجه  
۱۳۶۱ -



فرزاد  
میرزا حسینی  
میرمیران  
۱۳۶۱



نام بهرام  
ناشناسان ارگانی اتانلی کل  
نفس شاکت میرمیران  
تاریخ شهادت ۱۳۶۲

گرمای باد روزی سردار روز شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران  
هفته شهادت مجاهد شهید مامله معزی

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

بناسبت بزرگداشت هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران، چهار شهید از چهل هزار شهید انقلاب نوین ایران بضرورت آگاه و مبارز معرفی میگردند

فَصَلِّ عَلَى الْمُرْتَدِّينَ وَعَلَى الْكَاذِبِينَ وَالْمُزَيِّنِينَ



صدیقه  
رشدی (بنای)  
۱۳۳۵  
۶۰/۱۱/۲۶



مصدق  
بنای  
۱۳۳۳  
۶۰/۷/۱۳



سودابه  
بنای  
۱۳۴۲  
۶۰/۹/۶



نام ایرمبین  
نامتباران بنقاری  
۱۳۲۸  
۶۰/۵/۲۲

گرمای باد روزی سردار روز شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران  
هفته شهادت مجاهد شهید مامله معزی

دو تراکت شامل عکس ۴ تن از شهدای مجاهد خانواده بقائنی و چند شهید دیگر، از جمله نمونه فعالیت‌های هسته مقاومت مجاهد شهید "فاطمه معزی" در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران"

### قسمت‌هایی از مکالمات شبکه‌های

#### بیسیم مزدوران دشمن در روزهای برگزاری "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران"

توضیح: در هنگام مطالعه متن مکالمات مزدوران دشمن به این نکته توجه نمایند که اپراتورهای کمیته مرکز و همهی مزدوران بیسیم چی رژیم، علاوه بر استفاده از رمز، از واژه‌های بخصوصی مانند "مورد" و "موارد" برای مخفی نگاه داشتن موضوع اصلی مورد پیگیری، استفاده می‌کنند. در متنی که ذیلا مشاهده می‌کنید "موارد" از جمله به عملیات نظامی، به آتش کشیدن خودروهای رژیم، عملیات انفجاری و پخش تراکت و اعلامیه‌ها استفاده شده است. ضمنا متن زیر که از مجموعه مکالمات مزدوران رژیم در روزهای ۱۵ تا ۳۱ خرداد بر روی "صامت"، استخراج گردیده، شامل گزیده‌ای مطالبی است که دارای ابهام کمتری بوده و مضامین اکثر آنها را می‌توان بروشنی دریافت کرد:

ارسال گزارشات مسئولین، فرماندهان و اعضای هسته‌های مقاومت بمناسبت فعالیت‌های انقلابی در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" همچنان ادامه دارد. گزارشات تماما حاکی از شور انقلابی هسته‌ها در رساندن پیام انقلاب نوین ایران به گوش هموطنان تحت ستم و اختناق خمینی می‌باشد. هسته‌های مقاومت با کمترین تدارکات و سخت‌ترین شرایط امنیتی به مسئولیت‌های انقلابی خود عمل می‌کنند. این فعالیت‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که فضای نظامی - امنیتی شهرها و بویژه تهران، از غلظت زیادی برخوردار است و مزدوران رژیم بویژه از ۲۵ تا ۳۰ خرداد، در حال آماده باش سرخ قرار داشته‌اند؛ بطوریکه در محاسبات معمولی، به همراه داشتن حتی یک اطلاعیه و تراکت نیز در چنین اختناق سنگینی، ریسک زیادی را می‌طلبد. لذا در چنین شرایطی است که می‌توان جسارت و سرسختی و سخت‌گوشی رزمندگان دلاور هسته‌های مقاومت مجاهدین را ارزیابی نمود. فعالیت‌هایی که بیش از ۳۰ شهر کشور را در "هفته شهدا و اسرا" تحت پوشش انقلابی خود قرار داده و از طریق عملیات نظامی، به آتش کشیدن خودروهای دشمن، انفجار بمب‌های صوتی در مجاورت ارگان‌های سرکوبگر رژیم و پخش صدها هزار اطلاعیه و تراکت، اذهان عمومی جامعه را در ابعادی هرچه گسترده‌تر، نسبت به مقاومت سراسری برعلیه رژیم ضدبشری خمینی و ۴۰ هزار شهید بخون خفته خلق و ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی جلب نمود. بنحویکه

\* از تهران رزمندگان هسته‌های مقاومت مجاهد شهید "سهراب بایراملو"، شرح عملیات خود در "هفته شهدا و اسرا" را چنین گزارش کرده‌اند: الف - عملیات شماره ۱: محل عملیات: تهران - خیابان نظام آباد شمالی - خیابان گلستان - پشت دبیرستان دخترانه‌ی ۱۷ شهریور - میدان نود و چهارم تاریخ عملیات: ۲۰ خرداد ماه / ۱۳۶۳ هدف عملیاتی:

به آتش کشیدن و انهدام خودروی متعلق به یکی از ارگان‌های وابسته به رژیم ضد خلقی خمینی دجال. تدارکات واحد: ناپالم، سلاح سرد، ماشین

متن پیام	زمان و تاریخ	از (واحد پیام دهنده)	به (واحد پیام گیرنده)
تشریف ببرید مقر ۳۱، منتهی هست تحویل بگیرید و به مقر ۲۱ دلالت دهید.	۲۴ و ۱۵ دقیقه (۶۳/۲/۱۵)	مرکز	رسول ۱۴
بفرمائید - در خیابان انقلاب بعد از خیابان استاد نجات‌اللهی مورد یک آنجا هستند. باز نظیر همین موردی که اعلام شده دو نفر با این مشخصات، اگر آنجا چنین چیزی مشاهده کردید متوقف گردیده و بررسی کنید. بله از هم جدانشان کنید و سولاتی کنید.	۲۷ و ۱۰ دقیقه	مرکز	ایتار ۲۵
همین مسیر را بروید با دقت کامل مسیر را چک کنید در صورت مشاهده‌ی موردی که گفته شد، کاملا دقت کنید و چک کنید در ضمن شخص مخبر جادر شکی خال خال بسر دارد. بله در پیاده‌رو باشید و بصورتی که مشخص نشود.	۲۳ و ۱۰ دقیقه	مرکز	ایتار ۳۹

گزارشاتی از عملیات و فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی در جریان عملیات

متن پیام	زمان و تاریخ	از (واحد پیام دهنده)	به (واحد پیام گیرنده)
برادر، اعلام شد خواهری هستند که لهجهی اصفهانی دارند. موردی را به ما اعلام کردند. در صورت مشاهدهی اینها، مورد را متوقف و بررسی کنند. بله گویا ایشان سابقه در موارد سیاسی دارند.	۵۰ و ۱۵ دقیقه	مرکز	ایثار ۲۵
مورد توسط ایثار ۳۹ متوقف شد با تشکر از شما بفرمائید حوالی دانشگاه گشت بزنید. موقعیت‌تان را بفرمائید، دقیقاً! بله یک خواهری با ما تماس گرفتند، گفتند: یک فردی را دیدند که از همکلاسی‌هایشان بوده و گویا منافع بوده. با هم در مسیر دانشگاه در حرکت هستند. شما خیابان کالج بسمت دانشگاه را چک کنید اگر مسئله‌ای بود بفرمائید تا خدمتتان اعلام کنیم.	۵۰ و ۱۱ دقیقه	مرکز	ایثار ۲۵
الان این فردی که مشاهده می‌کنید، تنهاست؟ موردش را بررسی کنید و به یکی از خواهرانی که در آنجا هستند بفرمائید بازرسی بدنی کنند.	۱۰ و ۱۱ دقیقه	مرکز	ایثار ۹
شما داخل خودروتان لباس شخصی دارید؟	۲۷ و ۱۱ دقیقه	مرکز (محمود)	رسول ۵۰
یک موردی هست می‌خواستیم وارد هتلی بشوید و با لباس شخصی هم وارد شوید که متوجه نشوند، در ضمن شما ریشتان هم خیلی بلند است.	۲۸ و ۱۲ دقیقه	مرکز	رسول ۲۶
اعزام شوید ستاد یک، متهمی را تحویل بگیرید، به مقر ۳۱ بدهید.	۵ ساعت	محمود	ستاد
در رابطه با شهرداری ما ۳ واحد به محل اعزام کردیم. فقط برادران کبیته در محل هستند، برادران ژاندارمری هم در محل هستند؟	۵ ساعت	ستاد	محمود
برادران ژاندارمری در محل هستند، با اینها همکاری لازم را بکنید.	۱۵ و ۸ دقیقه	مرکز	ایثار ۲۴
در آن رابطه شماره‌ی خودرو ۷۵۴۷۹ - تهران و بی. ام. و ۵۶۴۵۵ - تهران - م با "د" هر دو خودرو را در این رابطه بازرسی کنید.	۵۵ و ۴ دقیقه	مرکز	خیبر ۲۶
خیابان آروماند را چک کنید، اگر چنین موردی مشاهده شد، بررسی کنید اگر مشاهده نکردید مورد منتفی است.	۴۶ و ۵ دقیقه	مرکز	ایثار ۱۲
الان داخل منزل هستید؟ اگر چنانچه به داخل منزل مشکوک هستید بررسی کنید.	۳۰ و ۱۰ دقیقه	مرکز	رسول ۲
در رابطه با این مسئله ما کاری به اوین نداریم، مورد را به مقر ۸۱ دلالت دهید تا بازپرسی‌های اولیه بعمل بیاید، الان در محل است؟ تشکر	۵۱ و ۱۱ دقیقه	ستاد	برادران واحدها و مراکز
(مشکل صامت: به یک نفر دیگر مشکوک شده‌اند و قرار بوده با جانی تماس بگیرند جهت تأیید یا اطلاع از وضع این فرد. چون تماس حاصل نشده فرد را به بازپرسی می‌برند.)	۳۰ و ۱۰ دقیقه	مرکز	رسول ۲
اعزام شوید ستارخان، واسطه کوکب جنب مسجد ابوالفضل. تویوتای زرد رنگی با ۴ سرنشین، ۲ دختر و ۲ پسر در محل است موردش مشکوک است بررسی کنید.	۵۱ و ۱۱ دقیقه	ستاد	برادران واحدها و مراکز
در صورت دستگیری خانمی بنام نسرين... (نامفهوم) ۱۷ ساله، با ستاد تماس بگیرید. در حوال و حوش خیابان طالقانی ولی عصر بوده.	۴۴ و ۴ دقیقه	ستاد	قائم ۸
قبل از اعزام، به مقر ۱۸ اعزام شوید سینما ریولی در خیابان شریعتی اعلام			



ب - عملیات شماره ۲:  
محل عملیات: تهران - خیابان نظام آباد - منطقه وحیدیه، ۱۵ متری تسلیحات کوچه‌ی غلامرضا گلستانی تاریخ عملیات: ۲۶/ خرداد/ ۶۳ هدف عملیاتی: بم‌آتش کشیدن و انهدام یک خودروی متعلق به یکی از ارگان‌های غارتگر وابسته به رژیم ضدخلقی خمینی تدارکات واحد: ناپالم، موتور، سلاح سرد، ماشین

شرح مختصر عملیات: در حوالی مجیدیه، ماشین یکی از مزدوران را که قبلاً شناسایی کرده بودیم، مجدداً چک کردیم. بطور کلی چک، آماده‌سازی تدارکات و مانور لازم بخوبی انجام گرفت. طبق طرحی که با بررسی‌های مکفی آماده کرده بودیم، بهترین زمان برای انجام عملیات، روز در نظر گرفته شده بود. لذا در موعد تعیین شده به منطقهی مزبور رفته و آماده‌ی انجام عملیات شدیم. ولی ماشین که در داخل حیاط ساختمان، پارک شده بود برخلاف روال معمول تا ساعت ۴ بعد از ظهر نیز به خارج منتقل نشد. لذا در صبح روز بعد به سراغ سوژه‌ی زاپاس رفتیم. این خودرو یک "نیسان" متعلق به یکی دیگر از ارگان‌های غارتگر دشمن بود.

در این عملیات که در ساعت ۶ بامداد صورت گرفت، از یک ترکیب دو نفره‌ی موتوری به‌هنگام ورود به‌صحنه و خروج از آن و یک ماشین همراهی‌کننده استفاده کردیم. پس از اتمام موفقیت‌آمیز عملیات و شعله‌ور شدن خودروی دشمن، در اولین پیچ خیابان، فرماندهی عملیات

از موتور پیاده و سوار بر ماشین گردید و سپس با عادی‌سازی‌های لازم، رزمندگان هسته‌ی مقاومت، منطقه‌ی عملیات را سلامت ترک نمودند. عملیات دارای بُرد مردمی بسیار زیادی بود و پس از انجام آن، عده‌ی زیادی از اهالی منطقه به دور ماشین گرد آمده و با خوشحالی راجع به آن گفتگو می‌کردند.

\* یکی از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "علی صمیمی" از کرمانشاه، فعالیت هسته‌ی خود را در طی روزهای "هفته‌ی شهدا" بشرح زیر گزارش نموده است:

"... در روز ۲۳ خرداد، ساعت ۱۰ شب پس از یک شناسایی اولیه، به‌همراه "د" به پشت مسجد شافعی در منطقه‌ی دولت‌آباد رفته و با موفقیت بمب صوتی را کار گذاشتیم. بمب منفجر شده و صدای مهیبی ایجاد کرد که در تمامی منطقه شنیده شد.

بدنبال عملیات فوق، تصمیم گرفتیم دو عدد بمب صوتی دیگر را در حوالی ارگان‌های رژیم در مرکز شهر، کار بگذاریم. به‌همین خاطر در روز ۲۸ خردادماه، در ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه‌ی شب، به‌تنهایی وارد منطقه‌ی جوانشیر که یکی از مناطق شلوغ شهر است، شدم و در محل بلندی، نزدیک چهارراه جوانشیر - درست بالای سرو روبروی کلانتری ۳ - موفق شدم که بمب صوتی را منفجر کنم. مردم عکس‌العمل بسیار خوبی داشتند و خوشحال بودند و تا ساعتی پس از انفجار، در محل به بحث و گفتگو مشغول بودند. در مورد کار تبلیغی در رابطه با حمایت از ۱۲۰ هزار زندانی

شرح مختصر عملیات:  
برای انجام این عملیات، سه سوژه را در سه منطقه‌ی نزدیک به هم شناسایی نموده و پس از چک نهائی و اجرای مانور، اعزام انجام عملیات شدیم.

واحد عملیاتی مشتمل بر سه نفر بود که با استفاده از ماشین، خود را به مناطق مورد نظر رساندیم. سوژه‌ی اول، یک ماشین سپاه ضدخلقی بود که متأسفانه هم‌زمان با شروع عملیات از صحنه خارج و منطقه را ترک نمود.

سوژه‌ی دوم یک ماشین متعلق به یکی دیگر از ارگان‌های ارتجاع بود. پس از چک نهائی، هنگامیکه برای انجام عملیات وارد صحنه شدیم، دو نفر را در نزدیکی خودروی مزبور در حال صحبت با یکدیگر مشاهده کردیم. لذا بعد از یک گشت و گذار، مجدداً به محل توقف سوژه رفتیم ولی کماکان همان دو نفر در محل حضور داشتند. بلافاصله تغییر مسیر داده و به طرف خودروی سوم که در منطقه‌ی وحیدیه، خیابان گلستان، پشت دبیرستان ۱۷ شهریور در میدان ۹۴ متوقف بود، رفتیم. سوژه، اتومبیل متعلق به یکی از ارگان‌های غارتگر وابسته به رژیم ضدخلقی خمینی بود که در ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه‌ی بامداد، طبق برنامه‌ی قبلی به آتش کشیده شد. این عمل با ریختن مواد توسط فرماندهی عملیات و پرتاب آتش توسط معاون وی صورت گرفت. مواد بر روی چهار چرخ و موتور ماشین پاشیده شد و یک کپسول روشنائی نیز در زیر چرخ جلو سمت راننده کار گذاشته شد. عملیات با سرعت زیاد و در کمتر از یک دقیقه به‌تمام رسید و پس از شعله‌ور شدن خودروی دشمن، با سرعت منطقه‌ی عملیات را ترک نمودیم.

در این عملیات بیش از ۸۰٪ خودروی دشمن سوخت و از بین رفت؛ بطوریکه پس از چند ساعت که برای بازدید از صحنه، یکی از نفرات هسته را فرستاده بودیم، وی گزارش نمود که بر اثر شدت حریق، آسفالت زیر خودرو کاملاً از بین رفته بود و مزدوران رژیم برای عادی‌سازی بر روی نقاط مزبور خاک پاشیده بودند. این عملیات بازتاب بسیار مثبتی بر روی اهالی منطقه بجای‌گذاشته بود.



گزارش از عملیات و فعالیت‌های فدائیان

سیاسی، متنی را از رادیو ضبط کرده و پس از پیاده کردن آن دو نفره به همراه "د"، تعداد ۴۰ عدد از آن را دستنویس کرده و همان روز یعنی در ساعت ۸ الی ۹ شب ۲۳ خرداد، در داخل منازل "دولت‌آباد" پخش کردیم...

\* گزارش دیگری نیز از فعالیت تبلیغاتی یکی از اعضای هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "گیتی صادق" بدستمان رسیده که بخش‌هایی از آن به‌قرار ذیل است:

زمان: روز یکشنبه ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد

مکان: خیابان‌های دوم ژوئن، مدیر، افسریه، پیروزی، جمال‌زاده، خیابان دانشگاه، کاج، معیری و امیرآباد.

شرح فعالیت: تعداد ۶۸۰ عدد تراکت که حاوی شعارهایی در رابطه با ۳۰ خرداد بود در کوچه‌ها و خیابان‌ها بصورت تک نفره پخش گردید. در زیر تمام تراکت‌ها شعار مرگ بر خمینی - درود بر رجوی - سلام بر شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران نوشته شده بود. همراه با آنها متن‌هایی نیز تهیه شده بود که عبارتند از: "هموطن عزیز، ۲۳ تا ۳۰ خرداد "هفته‌ی بزرگداشت شهید و اسرای انقلاب نوین ایران" اعلام شد. بگوئیم تا با گرامیداشت خاطره‌ی ۴۰ هزار شهید و با حمایت از ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی، رژیم درمانده و روبه‌زوال خمینی خون‌آشام را هرچه بیشتر رسوا سازیم..."

"هموطن عزیز، ۴۰ هزار شهید از کودکی ۲ ساله تا مادر ۶۷ ساله و ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی، مظهر مقاومت و پایداری خلق در زنجیر ایران و زبونی رژیم پویشالی خمینی سفاک است. دیری نخواهد پایید تا آتش خشم خلق، بیت عنکبوتی جماران را بسوزاند و خاکستر کند."

تراکت‌های پخش شده در خیابان‌های مختلف بدین شرح است:

کوچه‌های بین دوم ژوئن و مدیر ۸۰ عدد، کوچه‌های افسریه و انتهای پیروزی ۱۲۵ عدد، پائین خیابان جمال‌زاده ۱۲۰ عدد، کوچه‌های بین دوم ژوئن و امیرآباد نزدیک بزرگراه آل‌احمد ۶۰ عدد، پائین

گزارش با ۲۰ خرداد ۱۳۵۷ در پیوند با انقلاب بنام ایران ۴۰ هزار شهید و ۱۲۰ هزار زندانی مظهر مقاومت پایداری - عملیات مرگ بر خمینی - سلام بر شهدا و اسرای انقلاب بنام ایران قسمی از متن و بیانات مجاهد شهید مسعود شکیبائیستاد

بسم ربکم اللهم صلواتی علیکم

بنام خدا ایتام و یتیمانی که در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شده‌اند

بنام خلق قهرمان ایران

اللهم انصر المجاهدين الذين يقاتلون في سبيلك صفا كايوم بنينا من رسولك و بنينا من انفسهم ايتاما و من ماتك و الذين لا يموتون سواه

من مسعود شکیبائی فرزند مسعود از سرداران سازمان مجاهدین خلق ایران هستم می‌بایم راه را نگاه داشته و مسیر عاوسی را نشان بدهیم. در پیوند با تمام وجود و همه حواسم می‌باید ایستادگی کنم که این همه دشمنان و مصلحت‌اندازان نادانان در این راه پستی و نفس کلمه می‌دهند.

پس می‌باید سلاح‌های انقلابی را با کلاه پهلوی و کتبی راه‌های خلق از جنگل اسارت‌پروریم و پس از آن با سلاح‌های انقلابی مبارزه کنیم. در پیوند با تمام وجود و همه حواسم می‌باید ایستادگی کنم که این همه دشمنان و مصلحت‌اندازان در این راه پستی و نفس کلمه می‌دهند.

مادر من سیمین و تراز لحظه مرگ من هزاران هزار پسر فدایی

مادر افتخار کن مرگم را بالا بگیر و بلند ایستاد بزن مرگ بر خمینی. مادر من برای من خلق اسلحه بدست کرده ام و تا نیش بقیعتی انرا از کف منی نیم مادر می‌باید با هر چه می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم.

مادر جان بعد از من مرگ مجاهدی دیدم و گفت که من هم می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم. مادر من برای من خلق اسلحه بدست کرده ام و تا نیش بقیعتی انرا از کف منی نیم مادر می‌باید با هر چه می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم.

مادر من سیمین و تراز لحظه مرگ من هزاران هزار پسر فدایی

مادر افتخار کن مرگم را بالا بگیر و بلند ایستاد بزن مرگ بر خمینی. مادر من برای من خلق اسلحه بدست کرده ام و تا نیش بقیعتی انرا از کف منی نیم مادر می‌باید با هر چه می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم.

مادر جان بعد از من مرگ مجاهدی دیدم و گفت که من هم می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم.

مادر من سیمین و تراز لحظه مرگ من هزاران هزار پسر فدایی

مادر افتخار کن مرگم را بالا بگیر و بلند ایستاد بزن مرگ بر خمینی. مادر من برای من خلق اسلحه بدست کرده ام و تا نیش بقیعتی انرا از کف منی نیم مادر می‌باید با هر چه می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم.

مادر جان بعد از من مرگ مجاهدی دیدم و گفت که من هم می‌توانم در راه مبارزه با رژیم پهلوی و برای برپایی نظام اسلامی در ایران کشته شوم.

وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید "مسعود شکیبائی" که بدین شکل توسط هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "قاسم مهریزی" زاده "در مشهد" نگاشته و پخش شده است

خیابان دانشگاه و کوچه‌های اطراف آن ۱۱۵ عدد، خیابان کاج و معیری و کوچه‌های اطرافش ۱۲۰ عدد و اتوبان افسریه و روبروی پادگان قصر فیروزه ۶۰ عدد.

در سه روز پیاپی در انتهای پیروزی و جمال‌زاده و امیرآباد با گشتی‌های پلیس روبرو شدم که پایان کارم بود و با آنها برخوردی پیدا نکردم. مردم عکس‌العمل خوبی داشتند. مخصوصا در رابطه با عملیات بچه‌ها استقبال زیادی از خود نشان می‌دادند. پدر یکی از اسرا می‌گفت: "سازمان هر وقت بخواهد، پدر رژیم را درمی‌آورد." و با خوشحالی خیر فعالیت‌ها را به دیگران منتقل می‌کرد. مردم بوضوح ازدیاد گشتی‌های رژیم را می‌دیدند و با لحن خاصی می‌گفتند که اینها برای مجاهدین به خیابان ریخته‌اند!

یکی از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "باقر طهماسبی" در تهران، عملیات انقلابی به آتش کشیدن خودروی یکی از مزدوران دشمن را چنین گزارش کرده است:

زمان انجام عملیات: دوشنبه ۲۱/۳ خرداد ۶۳

مکان: تهران - بلوار افسریه - خیابان ۲۰ متری - ۱۵ متری سوم. سوژه: یک پیکان دولوکس مدل ۶۱ به‌رنگ آبی روشن، متعلق به یکی از پاسداران جنایتکار کمیته‌ی جاده‌ی کرج بنام احمدعلی شکوری تدارکات:

الف: ماشین برای رفتن به منطقه و خارج شدن از صحنه‌ی عملیات

ب: ۴ لیتر ماده‌ی آتش‌زای ناپالم

ج: آچار و چکش برای بازکردن شیشه

زمان و تاریخ	از (واحد پیام دهنده)	به (واحد پیام گیرنده)	متن پیام
۲۵ و ۲۶ دقیقه	سپاه	ستاد	می‌کنند داخل سینما اعلامیه پخش کردند. در رابطه با پخش اعلامیه در سینما ریولی در جریان هستید؟ بله گویا باز هم در آن حول و حوش مشاهده شده. نموناش را شما دارید؟ بفرمائید واحد آن حول و حوش را دقیقاً چک کنند.
۳ و ۶ دقیقه	ستاد	واحد‌های ستاد	توجه‌کنند: واحدهائی که امروز شیفت بودند، فردا راس ساعت ۱۰ صبح با کلیه نفقات در آمفی‌تئاتر ستاد آماده باشند.
۲ و ۳ دقیقه (۶۳/۳/۱۹)	ستاد	ضربت	موقعیت‌تان؟ تشریف ببرید جمهوری نرسیده به چهارراه یوسف‌آباد ساختمانی است بنام تولیدارو، ببینید موردی در آنجا مشاهده می‌کنید؟
۴ و ۵ دقیقه (۶۳/۳/۲۰)	ستاد	قائم ۸	۶۲ - ۵ از موقعیت بیمارستان ایرانمهر اطلاع دارید؟ اعزام شوید بیمارستان ایرانمهر یکی از برادران در محل هستند (نامفهوم تداخل پیام) گویا تیری به دستشان زدند... بررسی کنید ببینید به چه صورته.
۱ و ۱۱ دقیقه (صبح) (۶۳/۳/۲۲)	مرکز (محمود)	لقمان ۹	بفرمائید خیابان ۱۲۱ و کلیه واحدهای خیابان‌های فرعی اصلی آنرا در رابطه با مواردی که در جریان هستید دقیقاً چک کنید.
۱ و ۱۱ دقیقه (صبح)	سپاه	مرکز پلیس	لطف کنید به کلانتری ۸ بفرمائید واحدی که صبح در تقاطع کارگر - جمهوری با برادران ما و برادران راهنمایی همکاری می‌کردند الان هم اعزام شوند در تقاطع جمهوری - کارگر. واحد ما در محل است، برادران راهنمایی هم هستند. (مسئول صامت: موضوع در رابطه با تردد موتورها و کنترل آنها بوده)
۱ و ۱۲ دقیقه (صبح)	مرکز	لقمان ۵۴	این موارد را داخل خیابان ریخته بودند؟ انتقال بدهید قسمت عملیات مقر ۲۱
۶ ساعت (بعدازظهر)	حجت	ستاد	به برادران اعلام کنید در این رابطه کلانتری ۱۵ نسبت به جمع‌آوری موارد اقدام می‌کند، آیا لازم است یک واحد هم ما اعزام کنیم؟
۶ ساعت (بعدازظهر)	ستاد	حجت	یک واحد اعزام کنید جهت بررسی.
۱ و ۶ دقیقه (بعدازظهر)	مرکز (ظفر)	ایثار ۲۴	بفرمائید حول و حوش سیلان، رسالت، میدان سپاه و نظام‌آباد بیشتر گشت بزنید خصوصاً این حوالی بیشتر گشت‌زنی کنید.
۱ و ۷ دقیقه (بعدازظهر)	مرکز (ظفر)	برادران واحد‌های مرکز	برادران واحدهای مرکز توجه کنند: پیکان آبی ۹۷۴۱۵ با چهار سرنشین آخرین موقعیت خیابان ولی عصر به سمت شمال در صورت مشاهده متوقف و با مرکز تماس بگیرید، مورد ۲۴ - ۵.
۱ و ۱۱ دقیقه (صبح)	ستاد	همت ۹۹	آقا باشید همانجا هنوز تاخیریه برای ایشان نرسیده، خیر احتیاج به واحد اضافی نیست در آینده شما باید به تنهایی از پس این نوع موارد بآید. آقا شما با خون‌سردی مورد را در توقف داشته باشید تا بهتون اعلام شود.
۱ و ۱۱ دقیقه (صبح) (۶۳/۳/۲۳)	مرکز (ظفر)	برادران واحدها	پیکان جوانان طوسی رنگ با سه سرنشین ۲ پسر و یک دختر با سریال ایلام - ۱۱



گزارش از عملیات و درجای تراجکتی هسته‌های مقاومت در "شهدای و اسرای انقلاب نوین ایران" (۵)


د: مشعل برای آتشزدن  
ه: فندق  
شرح انجام عملیات:

پس از کسب آمادگی‌های لازم و تهیهی تدارکات و شناسائی کامل و دقیق سوژهی مورد نظر، روز دوشنبه ۲۱ خرداد، براساس برنامه‌ی قبلی به سمت محل انجام عملیات حرکت کردم. پس از پارک ماشین در جای مناسب و چک مجدد منطقه و اطمینان از حضور سوژه، به سرعت مشعل را آماده کرده و آچار، فندق و چکش و ناپالم را در ساکی گذاشتم و در طی ۳ دقیقه به محل انجام عملیات رسیدم. مدت یک الی ۲ دقیقه کوچه را کنترل کرده و سپس به ماشین نزدیک شدم. درب راننده به طرف پیاده‌رو بود، اول سعی در باز کردن آن با آچار نمودم، ولی در نهایت با دو ضربه چکش، شیشه‌ی آنرا شکسته و درب را باز کردم. ظرف ناپالم را به داخل ماشین برده و روی داشبرد و فرمان و صندلی عقب ماشین ریختم. پس از جمع کردن آچار و چکش و ساک، مشعل را روشن کرده و از فاصله‌ی چند متری، آنرا به داخل اتومبیل انداختم. و پس از شعله‌ور شدن آن به سرعت از کوچه خارج شدم. در آخر کوچه، یکبار دیگر به ماشین نگاه کردم و شعله‌های آتشی را که از ماشین زبانه می‌کشید، مشاهده کردم. در مدت کوتاهی به محل پارک وسیله‌ی نقلیه رسیده و پس از روشن کردن آن، ظرف ۵ دقیقه وارد خیابان اصلی شدم. بعد از عبور از بلوار در خیابان نیروی هوایی، در فرعی‌های آن ضد تعقیب زده و در حالیکه از انجام موفقیت‌آمیز عملیات مطمئن بودم، به سمت پایگاه حرکت نمودم. در مسیر حرکت سر یک چهارراه مورد بازرسی افراد کمیته که همگی ماشین‌ها را می‌گشتند، قرار گرفتم و با عادی‌سازی‌های لازم توانستم از تور بازرسی آنها رد شوم...

از تهران هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "بابا صبوری" گزارش فعالیت‌های خود در "هفته‌ی گرامیداشت شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" را شرح زیر ارائه کرده است:

"ابتدا و قبل از شروع کار، طی نشست، کارهایی که می‌بایست در رابطه با فعالیت‌های این هفته صورت گیرد، بین

درود بر شهید ای ۳۰ خرداد ۶۰ بمقام شهید پرویز درویشی  
کجایی بار خاخور شهید ای  
درود بر شهید ای بخون خفته  
۳۰ خرداد ۶۰ اسرای در بند  
رزم دجال خمینی  
درود بر چهری



بسم الله الرحمن الرحیم  
مراتلا - زمین خلق ایران  
سویاز بنا گدازان این  
دانشجویان سلمان تهران - هسته‌ی مقاومت

نمونه تراجکتی از هسته مقاومت مجاهد شهید "محسن فرشید"

**شهدای دمکهنه: ۱. سباز آمد**  
**۲. کاظم باز یاریور ۳. نعمت خرم مدل**  
**۴. اله کرم رضوانی ۵. امراه صالحی**  
**۶. مختار موسوی ۷. نکونی**  
**شهدای درودگاه: ۱. عبدالحسین مشایخ / بحرینی**  
**۲. نقی بیزدانپرست - از زیارت: بهزادی**  
**از مقامید: ۱. حسین جنگی ۲. محمد کمالی**  
**شهدای سعدآباد: ۱. غلامرضا رزمجو**  
**۲. عبدالحسین رضایی ۳. زهرا علیپور**  
**از سرپرست: حسین ماجدی (اعلام بر سه بهشتالرشید)**  
**زدروانی: ۱. بافری ۲. عبدالحسین گزرونی**  
**گرامی باد سنی خردادروز شهید اوروز**  
**اسراء انقلاب نوین ایران**  
**مرگ بر خمینی درود بر مجاهدین**  
**هسته مقاومت شهیدان دشتستان**

تراجکتی از هسته مقاومت "شهیدان دشتستان" در گزرونی

اعضای هسته تقسیم شد. بدنیال آن هر یک از اعضای هسته، جهت تهیهی تدارکات کار اقدام نمودند. پس از تهیهی تدارکات کار از قبیل دستگاه نایب و دستگاه تکثیر، تعداد زیادی تراکت و همچنین قسمت‌هایی از پیام برادر مجاهد علی زرکش، به همین مناسبت را تکثیر نموده و بر اساس شناسائی‌هایی که در همین رابطه قبلا صورت گرفته بود، فعالیت‌های خود را از تاریخ ۱۳ خرداد ماه بشرح زیر آغاز نمودیم:

۱ - در تاریخ ۱۳ خرداد در خیابان ۱۷۶ غربی منطقه تهران پارس، تعداد ۱۵۰ عدد تراکت در داخل منازل پخش گردید.

نحوه‌ی عمل به این صورت بود که از یک تیم دو نفره، یکی فرمانده بود که کار پخش به عهده‌ی وی بود و بصورت پیاده کار پخش را انجام می‌داد و دیگری معاون وی بود که کار محافظت، به وی واگذار شده بود و با موتور از فاصله‌ی چند متری فرمانده حرکت می‌کرد.

۲ - در تاریخ ۱۴ خرداد تعداد ۵۰ تراکت توسط تیم فوق‌الذکر در میدان سرتیپ نامجو (ثریای سابق) بین "شیخ صفی" و "آچاره‌دار" پخش گردید. نحوه‌ی عمل همانند شیوه‌های قبل بود.

۳ - در تاریخ ۱۵ خرداد در خیابان‌های ساسان و جعفریان واقع در جنوب غربی

منن پیام	زمان و تاریخ	از (واحد پیام دهنده)	به (واحد پیام گیرنده)
در صورت مشاهده با کمال احتیاط متوقف و با مرکز تماس بگیرید مورد ۷- ۵	۵۰ و ۸ دقیقه (بعد از ظهر)	مرکز	لقمان ۹
سریع اعزام شوید مقابل مسجد ابوالفضل در ستارخان برادری آنجا هستند، ظاهرا شخصی منواری بوده این برادر دستگیر کردند، همراه با گزارش تحویل بگیرید، به مقر دلالت دهد.	۴۷ و ۱۰ دقیقه (صبح)	ستاد	کلیه‌ی واحدها
بیکان سفید رنگ با ۳ سرنشین که احتمالا سرنشین بیشتر یا کمتر شده، آخرین موقعیت ولی عصر به سمت شمال، موقعیت دقیق؟ اعزام شوید آذربایجان سر قصرالدشت عدای از جوانان جمع کردماند، بررسی کنید.	۱۱ و ۶ دقیقه (۶۳/۳/۲۴)	مرکز	لقمان ۷
یک واحد خنثی‌سازی اعزام کنید به مهدیه تهران، جهت دعای کمیل	۳ و ۶ دقیقه	حجت	ستاد
خودرو را در محل پارک کنید و خودتان با لباس شخصی، پلاک ۶۸ را زیر نظر بگیرید، ببینید مسئله به چه صورته. در ضمن مخبر هم پلاک ۶۴ بوده	۳ و ۷ دقیقه	مرکز	لقمان ۵۰
یک ماشین که نوع و رنگ آن مشخص شده به شماره "۱۳۴۴۲ بندرعباس - ۱۱" در خیابان ولی عصر به سمت شمال در حرکت است این ماشین مشکوک است. به واحدهایتان اعلام کنید در صورت مشاهده متوقف و بررسی‌های لازم را بعمل آورند. (با سه سرنشین)	۴ و ۷ دقیقه	حجت	ظفر
بفرمائید تماس تلفنی بگیرید تا خدمتتان اعلام بکنم مقدور نیست روی شبکه گفته شود.	۷ و ۱۱ دقیقه (۶۳/۳/۲۵)	ستاد	قائم
از برادران قائم ۱۴ کارت تردد را دریافت کنید و در میدان انقلاب مستقر شوید.	۵ و ۱۱ دقیقه	ستاد	قائم ۲۱
رنگ کرم رنگ با هر تعداد سرنشین، مورد تحت تعقیب ستاد است. در صورت مشاهده متوقف و با ستاد تماس بگیرید.	۸ و ۱۲ دقیقه	ستاد	کلیه‌ی واحدها و مراکز
موتور سوزوکی ۲۵۰ قرمز رنگ با دو سرنشین که راکب پیراهن سفید راه‌راه و سرنشین پیراهن آستین کوتاه و موی کوتاه دارند، مورد مشکوک است، آخرین موقعیت خیابان جمهوری، شرق به غرب، در صورت مشاهده متوقف و با مرکز تماس بگیرند.	۷ و ۱۱ دقیقه (۶۳/۳/۲۶)	مرکز	پلیس
این ۴ واحد در سطح منطقه مستقر بودند که یکی از آنها در شادمان - ستارخان مستقر بود. بازرسی ماشین‌های مشکوک بوده به مدت نیم ساعت، تا ساعت حدود ۶	۷ و ۱۲ دقیقه (۶۳/۳/۲۷)	مرکز	لقمان ۴۷
برابر اعلام سپاه: بیکان سفید ۲۱۸۵۵ که دارای باربند است، در صورت مشاهده در سطح شهر با احتیاط مورد متوقف و با سپاه تماس بگیرید. راننده و کلیه سرنشینان این خودرو تحت تعقیب سپاه هستند.	۵ و ۲ دقیقه	ستاد	واحدی
در رابطه با تیراندازی، اطراف پارک لاله را چک کنید.	۴ و ۵ دقیقه	مرکز	رسول ۷۱
تقاطع ۹۷ مستقر باشید تا ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه و خودروهایی که مشکوک هستند متوقف و بازرسی کنید.	۴ و ۷ دقیقه	مرکز	ایثار ۱۴
موردی دارید؟ "۴۰ - ۵۰" بیمارستان خانواده، مقابل نرده‌های بیمارستان را			



گزارشانی از عملیات و فعالیت‌های پلیسی - اجتماعی هسته‌های مقاومت در "هفته شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران" (۵)

زمان و تاریخ	از (واحد پیام دهنده)	به (واحد پیام گیرنده)	ممن پیام
۱۵ و ۱۶ دقیقه	ستاد	فائمه ۶۲	دقیقا چک کنید. اعلام می‌کنند مواردی است از بیمارستان تا پایگاه هفتم را چک کنید.
۱۲ و ۵ دقیقه	ستاد	فائمه ۶۷	بروید پارک جوادیه خیابان جשוواره جنب باشگاه کارگران مورد ۱۶ - ۱۰ (بخش اعلامیه و تراکت) یکی از واحدهای علنی هم آن‌جاست همکاری کنید (واحد همت ۸۱)
۱۱ و ۵ دقیقه صبح (۶۳/۲/۲۸)	ستاد	فائمه ۲۷	بفرمائید سر پارک لاله، موتور هوندا با دو سرنشین از دست قائم ۵۵ متواری شده که یکی شلوار لی بپا دارد. موتور هوندا ۱۲۵ قرمز تریل آخرین موقعیت فاطمی به طرف کارگر.
۵ و ۵ دقیقه (۶۳/۲/۲۹)	ستاد	فائمه ۱۰	اعزام شوید روبروی آتش‌نشانی برادران منظر هستند.
۵ و ۳ دقیقه (۶۳/۲/۳۰)	ستاد	برادران واحدها	پیکان کرم رنگ با چهار سرنشین آخرین موقعیت خیابان روشن میدان قدس.
۴ و ۳ دقیقه	ستاد	کلیمی مناطق و مراکز	برادرانی که در تشییع جنازه‌ی برادران شرکت کرده بودند با شکر به مناطق خود بازگردند. (تشییع جنازه‌ی ۱۹ پاسدار که در سیستان بهلاکت رسیده بودند.)
۴ و ۶ دقیقه	ستاد	فائمه ۶	یک زبان در موقعیت است. برادران منظر هستند، زبان را نمی‌بینید؟ احتمالا همان زبان است.
۵ و ۱ دقیقه (۶۳/۲/۳۱)	ستاد	فائمه ۶	متواری شدند؟ (منظور زبان است) شما در محل باشید برادران می‌آیند موقعیت‌تان به زبان کار نداریم، شما در آن محل باشید، برادران می‌آیند. دقیقا بررسی کنید اگر چیزی داخلش هست، به‌مراه آن فرد دلالت بدهید به نزدیکترین مقر.
۵ و ۱ دقیقه (۶۳/۲/۳۱)	مرکز راهنمایی	شماره ۸	در خیابان آذربایجان - نواب عده‌ی زیادی از مردم آنجا جمع شده‌اند و هر چه به آنها گفته می‌شود پراکنده نمی‌شوند، گشت کمیته و گشت سپاه و مرکز پلیس هم در محل هستند.
۷ و ۷ دقیقه	مرکز راهنمایی	شماره ۴	در نواب - آذربایجان که مردم تجمع کرده‌اند به هیچ عنوان محل را ترک نمی‌کنند حتی تیراندازی هوایی هم شده ولی مردم محل را ترک نکرده‌اند.
۵ و ۲ دقیقه	ستاد	برادران واحدها	توجه کنید: شماره‌ی هر خودرویی که در حال تردد در شهر است اعلام نکنند، اگر به خودرویی مشکوک می‌شوید آنرا متوقف کنید، مدارکش را چک کنید و بعد اگر مورد مشکوک بود شماره‌ی آنرا برای پیگیری بیشتر اعلام کنید تا اقدام شود.
۷ و ۳ دقیقه	ستاد	فائمه ۲۵	آن حول و حوش را چک کنید، چنانچه موردی در رابطه با تجمع و تیراندازی مشاهده کردید سریعا بررسی کنید.
۷ و ۴ دقیقه	حجت ستاد	ستاد	۱۰ - ۶۶ تشریف ببرید داخل تواب ببینید تیراندازی چه بوده.

یوشی برای دو نفر دیگر است. از آنها هم یکی مسلسل‌اش را بسوی فرد مظنون نشانه می‌رود و معمولا فرماندهی گشتی به سوال کردن از فرد مظنون می‌پردازد. اخیرا پاسدارها کوشش می‌کنند اینکار بصورت ظاهرا خیلی عادی انجام بگیرد و توجه عابری را جلب نکنند. معمولا سرنشینان اتومبیل را به پیاده‌رو می‌برند و بازرسی بدنی می‌کنند. اینکار، تنها در موارد استثنایی انجام نمی‌شود. دیروز در ۴۵ متری سیدخندان، پاسدارها جوانی را که ۱۷ الی ۲۰ ساله بنظر می‌رسید و لاغر اندام و با لباس خیلی ترو تمیز بود، به پیاده‌رو برده و بازجویی می‌کردند. یکبار هم در اوائل اسفند در بزرگراه مدرس زیرپل عباس‌آباد، ساعت ۳ و ۴۵ دقیقه، یک پیکان سرنشینان آنرا که چهار نفر بودند رو به دیوار نگه داشته بازرسی بدنی می‌کردند. من از داخل اتوبوس، دو پاسدار را که لباس شخصی داشتند، توانستم ببینم، ولی احتمالا تعدادشان بیشتر بود و مسلح به "یوزی" بودند. یکی از آنها عقب‌تر ایستاده و "یوزی" را بطرف سرنشینان نشانه رفته و آماده‌ی شلیک بود. و دیگری در حالیکه یک دستش "یوزی" بود با دست دیگر جوانان را بازرسی بدنی می‌کرد. بلافاصله آنها را در حالیکه دست‌هایشان بالا بود به درون ماشین‌ها بردند. از برخورد پاسدارها بنظر می‌رسید که این جوان‌ها تحت تعقیب و مراقبت بوده‌اند. مردم داخل اتوبوس به رژیم فحش می‌دادند و برای جوان‌ها دلسوزی می‌کردند.

گشتی‌ها در خیابان‌های فرعی هم می‌آیند ولی خیلی بندرت. معمولا هر وقت در محلی، حرکت انقلابی صورت می‌گیرد، گشتی‌ها برای ترساندن مردم و بدست آوردن ردی از انقلابیون، در آن حوالی تور مخفی و علنی می‌گذارند. گشتی‌ها ظاهرا نسبت به افراد پیاده و کسانی که تاکسی و اتوبوس تردد می‌کنند، حساسیت کمتری نشان می‌دهند. بدترین ترکیب سرنشینان اتومبیل یک دختر و پسر جوان و یا چند جوان است. خیلی شیک بودن و کمی حجاب هم توجه آنها را جلب می‌کند...

می‌نشیند که همراه با راننده مراقبت از جلو را بعهده دارند و نفر سوم که در عقب است مراقبت از پهلوها را. اخیرا دیگر در این واحدها کسی رو به عقب نمی‌نشیند، بلکه یکی از افراد نیم‌رخ می‌نشیند و بدین صورت، عقب را مواظبت می‌کند. کلا یکی از علامت‌های مشخصه ماشین‌های گشتی رژیم اینست که همیشه چه در "بنز"ها و "پیکان"ها و چه در "تویوتا"، یک نفر عقب ماشین را نگاه می‌کند و ترافیک عقب را زیرنظر دارد. علامت دیگر آن بدون نمره بودن ماشین‌ها است. البته نه ماشین‌های اطلاعاتی و مخفی آنها. در شرایط فعلی رژیم برای افزایش جو نظامی از افراد پلیس نیز استفاده می‌کند و با استقرار گروه‌های چند نفره آنها - که مسلح به ژ - ۳ هستند - در چهار راه‌های مهم، تسلط خود را به رخ مردم می‌کشد. ولی خیلی از آنها ظاهرا به کار کسی کار ندارند و در اطراف "پیکان" خود سر چهارراه‌ها می‌ایستند و گپ می‌زنند. گشتی‌های دونفره پلیس (یک درجه‌دار و یک پلیس وظیفه) بصورت موتوری و پیاده هم زیاد است. بنظر می‌رسد رژیم برای مخفی کاری هرچه بیشتر تعدادی از پاسدارها را هم به لباس پلیس درآورده است. چون یکبار محافظین یکی از مقامات رژیم، لباس پاسبانی داشتند.

پاسدارها در "تویوتا" از کلاشینکوف و در "پیکان"، بیشتر از "یوزی" استفاده می‌کنند. توره‌های ثابت پاسدارها کم است. هفته‌ی گذشته در ضلع جنوبی میدان دریک نقطه‌ای که کمتر دیده می‌شود، یک "تویوتا" گشت موسوم به نارالله ایستاده بود و پاسداران میدان را زیر نظر داشتند. ساعت حدود ۸ صبح بود. رژیم، بیشتر از گشتی‌ها استفاده می‌کند. آنهم بطور مخفی که بطور سیار خیابان‌ها را زیر نظر دارند. بیشتر به اتومبیل‌ها دقت می‌کنند و معمولا اگر یک یا چند جوان در اتومبیلی باشند آنها را نگه داشته و بازرجویی می‌کنند. در این موارد، "تویوتا" در جلو اتومبیل شخص مظنون می‌ایستد، راننده‌ی "تویوتا" پیاده نمی‌شود. یکی از پاسداران در طرف چپ "تویوتا" سنگر می‌گیرد. یا در شرایط فعلی آماده می‌ایستد. این عمل بخاطر حفاظت از "تویوتا" و

منطقه‌ی تهران پارس تعداد ۷۰ تراکت در داخل منازل پخش شد؛ ترکیب افراد عمل‌کننده به بهمان صورت بود که قبلا اشاره شد.

لازم به توضیح است که جهت مقابله با حملات احتمالی مزدوران رژیم، هر یک از اعضای هسته، هنگام عمل، سلاح سرد حمل می‌کردند.

کار شعار نویسی نیز در روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ خردادماه، پس از پخش تراکت‌ها صورت گرفته است.

هر یک از اعضای هسته پس از انجام فعالیت‌هایشان به نوشتن گزارش کار و جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف کار روزانه پرداختند.

دستور کار هفته از تاریخ ۱۵ خرداد الی ۳۰ خرداد پخش ۲۰۰۰ نسخه از پیام برادر مجاهد علنی زرخش بمناسبت "هفته‌ی شهدا و اسرا" و اطلاعیه‌ی هسته به همین مناسبت و همچنین پخش ۵۰۰ تراکت حاوی شعارهایی مبنی بر گرامی‌داشت "هفته‌ی شهدا و اسرا" می‌باشد.

از تهران یکی از اعضای هسته‌ی مقاومت... جمع‌بندی مشاهدات خود را از تحرکات مزدوران و گشتی‌های دشمن، برای ما ارسال کرده که بخش‌هایی از آن چنین است:

"چند ماه قبل از عید، رژیم از تعداد گشتی‌های موسوم به "نارالله" کاست ولی گشت "تویوتا"ی سرم‌های رنگ کمیته‌ی ضدخلقی زیاد شد. سپس از تعداد آنها نیز کاست و بنظر می‌رسد اینک به گشت "پیکان" و "بنز" و سایر اتومبیل‌ها، با لباس شخصی و نسبتا شیک که کمتر جلب توجه‌کنند، روی آورده‌اند.

قبل از عید یکی دوبار افراد مسلح را در "بنز"ها در حال گشت دیدم. یکبار در یک "گادیلک" در حالیکه اسلحه‌های خود را تقریبا مخفی کرده بودند و یکبار هم با "پیکان"، در حالیکه افراد "پیکان" دیگری را دستگیر کرده بودند. ترکیب این گشتی‌ها اکثرا چهار نفره است. قبلا در "تویوتا"های گشت موسوم به نارالله، یکی از صندلی‌ها را رو بسمت درب عقب تعبیه نموده بودند و یکی از افراد مسلح همیشه بطرف عقب نشسته بود. گویا فرماندهی هر یک از این گشتی‌ها در جلو و در کنار راننده

## پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه‌ی آخر

آنها به مراتب بیشتر از بقیه است. در این میان دروغ‌های سردمداران رژیم نیز بصورت جوک و طنز در بین مردم رایج است. شما فکرتش را بکنید در اسفند ماه گذشته رفسنجانی خائن تعداد کشته‌های بی‌شمارشان را ۵۰، ۱۰۰ نفر اعلام کرد در حالیکه در بسیاری از شهرستان‌های کوچک بطور جداگانه مراسمی که برای کشته‌شدگان برگزار شد نشان می‌داد که از هر شهر کوچک، تعداد ۵۰، ۱۰۰ نفر کشته شده‌اند.

\* پدر داغدیده‌ی یکی از شهدا ضمن نامه‌ی مفصلی که برایمان نوشته است، مشاهدات عینی خود را از برخوردهای مردمی شرح داده و می‌نویسد: "برای شرکت در مراسمی به خانه‌ی یکی از آشنایان رفته بودیم؛ تعداد دیگری از خانواده‌های شهدا نیز حضور داشتند. سر صحبت‌ها باز شد و حسب‌المعمول همه‌ی حرف‌ها پیرامون جنایات گوناگون خمینی بود. در ضمن صحبت‌ها متوجه شدم که ۶ مادر نیز که حداقل یک فرزند خود را در راه مبارزه با خمینی از دست داده‌اند، در میان ما هستند. موقع بازگشت با خودم می‌گفتم: ما تنها نیستیم. خمینی همه را داغدار کرده است. هر روز صدها نفر را در زندان، اعدام و شکنجه می‌کنند و باز هم سیر نمی‌شود. اخیراً حداقل ۱۵۰ نفر و بقولی ۴۵۰ نفر را در اوین تیرباران کرده‌اند و هیچگونه خبری هم از این اعدام‌ها و جنایات در رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها منعکس نشده است. کشته‌ها و مجروحین جنگ هم که دیگر از شماره خارج است. اما هیچوقت خمینی به خواب راحت نخواهد رفت و برای حفظ حکومت بی‌ثبات خود مجبور است که این همه جنایت کند. دانش‌آموزان را از پشت میزهای درس و روستائیان را از مزارع به‌زور به جبهه‌ها می‌فرستند در ایران خمینی‌زده هر چه هست گشتار و اعدام و خفقان و جنگ و گران‌ی است. اما عزیزان من مطمئن باشید ما تنها نیستیم، خمینی رفتنی است..."

\* برادری بنام "ق" در نامه‌ی خود می‌نویسد: " فشار روی مردم برای کمک به جبهه‌ها بسیار زیاد است. اخیراً یکی از آشنایانم را که گامیوندار است،

در حسن‌آباد تهران دیدم؛ گامیون او حامل وسائلی بایگانی برای یکی از ادارات دزفول بود اما دورتادور گامیون با پارچه‌ی سفیدی پوشانده شده بود؛ روی پارچه‌ها یکسری از شعارهای جنگ طلبانه‌ی رژیم و "ضرورت کمک به جبهه‌ها" نوشته شده بود. اینطور وانمود می‌شد که محموله‌ی گامیون کمک مردم به جبهه‌ها می‌باشد. وقتی دقت کردم دیدم روی آن نوشته شده "از طرف اهالی روستاهای کرج!" علت را از راننده پرسیدم. او جواب داد اگر ما اینکار را نکنیم و جلوی دوربین! نرویم به ما لاستیک نمی‌دهند!!"

\* خواهری بنام "... از یکی از شهرهای شمالی کشور در نامه‌ی خود چنین می‌نویسد: "... یکی از سربازان اعزامی به کردستان واقعه‌ای را که خود شاهد آن بوده است چنین نقل می‌کرد:

چند نفر از پیرمردان فقیر یکی از روستاهای مریوان که در آنجا به خرید و فروش لباس‌های کهنه اشتغال داشتند با مزدوران سپاه برخورد می‌کنند. مزدوران به پیرمردان ایست می‌دهند و بعد هم علی‌رغم ایستادن پیرمردان آنها را ناجوانمردانه به‌رگیار می‌بندند. یکی از پیرمردان که سنش حدود ۷۰، ۸۰ سال بود، بر اثر اصابت گلوله به قلبش کشته می‌شود. جسد پیرمرد را مزدوران سپاه به پادگان خود می‌برند و به‌عنوان "شهید"ی که توسط "ضدانقلابیون!" کشته شده تشییع می‌کنند. سرباز مذکور در توضیح بیشتر مطلب می‌گفت موقعی که پاسداران به روستاهای محل سکونت اهالی می‌آیند همه چیز را یا به آتش می‌کشند و یا غارت می‌کنند. مردم هم برای در امان ماندن از این همه ظلم پاسداران مجبورند که خانه‌ها و مزارعشان را رها کرده و به گوه‌ها بروند در این میان پیرمردان و پیرزنانی که دیگر توانایی تحمل این همه مشقت را ندارند، مجبورند که در روستاها باقی بمانند پیرمردی که توسط مزدوران رژیم کشته شده بود از آن جمله بود..."

\* درنامه‌های زیادی که اخیراً بدستمان رسیده به موارد متعددی از خودکشی، ناشی از فشار رژیم و تحمل شرایط طاقت‌فرسا توسط مزدوران خمینی، اشاره شده است.

از جمله خواهری از قول یکی از کارکنان بیمارستانی در اصفهان نوشته است: "غیرممکن است که در طول هر روز یک یا چند مورد خودکشی نداشته باشیم. در بین آنها، از اقشار مختلف دیده می‌شود. مثلاً: چندی پیش سربازی را که با اسلحه‌ی خودش اقدام به خودکشی کرده بود به بیمارستان آوردند. پیش از آن نیز کارمند یک بانک را که دارای زن و فرزند نیز بود و بعد از تصفیه و اخراج از اداره دست به خودکشی می‌زند، آورده بودند، خودکشی فرد مزبور در روزنامه‌ها نیز منعکس شد اما علت آنرا مسئله‌ی خانوادگی ذکر کرده بودند..."

خواهر دیگری بنام "ب" در نامه‌ی خود می‌نویسد: "مادرم برایم نوشته است که "... به خود را از ساختمان..." به پائین پرتاب کرده و خودکشی کرده است علت این خودکشی فقر شدید مالی و کمی حقوق بوده است... در گوشه و کنار شهر خودکشی‌هایی از این قبیل زیاد است."

خواهر دیگری با نام مستعار "حمیراذاکری" نیز در نامه‌شان به خودکشی‌های رایج بین مردم اشاره کرده و می‌نویسد: "چندی پیش فردی بنام درویش را در لاله‌زار تهران به جرم گرانفروشی دستگیر می‌کنند. او را چندین روز به اداره‌های مختلف می‌برند و بالاخره یک میلیون تومان جریمه‌اش می‌کنند. وقتی چنین حکمی برای او صادر می‌شود، او از دست مزدوران فرار و خود را از ساختمان ۵ طبقه‌ای به پائین پرتاب کرده و کشته می‌شود. این فرد پول زیادی نداشته و علت خودکشی او جریمه‌ی یک میلیون تومانی او بوده است ولی رژیم شایع می‌کند که او در حال سیم‌کشی از ساختمان به پائین پرتاب شده است. دوستی که از نزدیک شاهد این ماجرا بود تعریف می‌کرد که دیگر پرت شدن افراد از ساختمان دادگستری برای ما عادی شده است چرا که خیلی روزها شاهد آن هستیم."

\* فشارهای ضد مردمی ایادی رژیم به خانواده‌های اسرای مجاهد و مبارز که برای ملاقات فرزندان خود به زندان‌ها مراجعه می‌کنند، یکی از مواردی است که در اغلب نامه‌ها به چشم می‌خورد. مزدوران رژیم با وقاحت و بی‌شرمی هر چه تمامتر علاوه بر اعمال شکنجه‌های غیرانسانی در مورد رشیدترین فرزندان خلق، با خانواده‌های اسرا نیز رفتاری بمراتب غیرانسانی و توهین‌آمیز دارند. در این زمینه قسمتی از نامه‌ی برادر "وحید" را که از قول مادر یکی از اسرا نوشته

شده، برایتان نقل می‌کنیم: "در اوین، مادر پیری همراه با دختر جوانی برای ملاقات پسر اسیرش آمده بودند. به دختر جوان - که خواهر فرد اسیر بود- به‌بهانه‌ی "جوانی!" ملاقات ندادند و گفتند که ملاقات کننده بایستی حداقل ۴۰ سال سن داشته باشد. مزدوران وقتی در مقابل اصرار خانواده‌ی اسیر قرار می‌گیرند، می‌روند و فردی بنام "حاج آقا" را که گویا در آنجا سمتی داشته است، می‌آورند. "حاج آقا" در عوض رسیدگی به این خواست خانواده‌ی اسیر، با وقاحت تمام به دختر جوان می‌گوید: خانم چادرت را بکش پائین‌تر... اما دختر جوان اعتنائی نکرده و در عوض خواستار ملاقات با برادر اسیرش می‌گردد. "حاج آقا" که از بی‌اعتنائی دختر جوان عصبانی شده بود جلوی تمام ملاقات‌کنندگان چادر دختر جوان را می‌گیرد و سعی می‌کند بزور چادر وی را پائین بکشد. دختر نیز که از این حرکت وقیحانه‌ی "حاج آقا" از کوره- در رفته بود، با پرخاش دست حاج آقا را پس می‌زند و به این وقاحت او اعتراض می‌کند. "حاج آقا" بلافاصله دستور دستگیری دختر جوان را می‌دهد و به پاسداران مزدور می‌گوید تا او را به طبقه‌ی بالای اوین ببرند. به‌رحال وضع بسیار رقت‌انگیزی پیش آمده بود. دختر جوان بشدت مقاومت نموده و به مزدوران پرخاش می‌کرد و مادر پیر هم ضجه‌گنان اشک می‌ریخت...

یکبار دیگر وقتی به ملاقات رفته بودم، پاسدار مزدوری بهانه‌گیری کرد و گفت اگر این دفعه دیر بیایی برای همیشه از ملاقات محروم می‌شوی... پس از مدتی پسر را به قزل‌حصار بردند. و دیگر ملاقات گذشته هم محدودتر شد. شوهرم نیز که اصلاً نمی‌تواند به ملاقات برود چون راه خیلی دور است و او موظف است که صبح‌ها مفازهاش را باز کند چرا که در غیر این صورت او را بجرم اخلال در امر فروش جریمه می‌کنند. اگر بعد از ظهرها هم بخواهد حرکت کند، نمی‌رسد..."

\* خواهری بنام "م.ع" در نامه‌ی پرشور خود، ضمن شرح فعالیت‌های انقلابی یک خانواده‌ی سجاهد خلق با اشاره به آوارگی و دستگیری و اعدام اکثر اعضای این خانواده‌ی مجاهد می‌نویسد: "پدر این خانواده در مهر ماه ۶۰ دستگیر شده و چندماه در زندان... "بسر برده است. ۴۰ روز اول دستگیری دائماً زیر شکنجه بوده بطوریکه اجباراً ۳۵ روز در بیداری بستری می‌گردد.

اتهام پدر، داشتن فرزندان مجاهد بوده است!! سپس او به زندان "... منتقل شده و مدت "... را در آنجا بسر می‌برد. در این بین فرزند ۱۹ ساله‌ی او اعدام می‌شود و فرزند دیگری دستگیر می‌گردد. در زندان، پدر خبر دستگیری فرزند دوم را می‌شنود و علی‌رغم گوشش فراوان نمی‌تواند با او ملاقات کند. عاقبت پس از چندی خبر اعدام دومین فرزند را نیز به پدر داغدیده می‌دهند. چندی بعد همسر و چند فرزند دیگر این پدر نیز دستگیر می‌گردند. همسرش را زیر شدیدترین شکنجه‌های غیر انسانی برده و رتد فرزندان دیگری را می‌خواهند. اما او به شجاعانه‌ترین صورتی مقاومت می‌کند. بهر حال پدر این خانواده‌ی مجاهد را در "... دیدم. پیرمرد با روحیه‌ی مبارزاتی بسیار بالائی از من خواست که پیامی را از جانب او برای برادر مسعود بفرستم. پدر مجاهد می‌گفت: به مسعود بگو، فرزند عزیزم ما تمام مصیبت‌هایی را که این خون‌آشام - خمینی - بر ما تحمیل کرده بجان و دل می‌پذیریم. هیچ ابائی هم نداریم که بیش از این در راه خدا و خلق مایه بگذاریم. اما تو بدان که همه‌ی چشم‌ها و دل‌هایمان در انتظار دیدار توست؛ وقتی که به وطنمان برگردی؛ وقتی که با باقیمانده‌ی خانواده‌ها دوباره دور یک سفره جمع شوی؛ وقتی که دیگر از مرگ و اختناق خبری نباشد. ما همه به این امید زنده هستیم. شاد باشید تا ما هم شاد باشیم. خدا حافظان. زنده باد مسعود. زنده باد بچه‌ها..."

\* برادری بنام "مجید" در قسمتی از نامه‌شان نمونه‌ای از چگونگی برخوردهای پاسداران مزدور رژیم و اعدام‌های سریع و بدون محاکمه را، که برای همسایه‌شان اتفاق افتاده است نقل کرده‌اند:

"این‌ها طوری دیکتاتوری راه انداخته‌اند که چند وقت پیش، چند نفر از مزدوران سپاه آمدند، دختر همسایه‌مان را ببرند. مادرش التماس کرد که چون او خواب است، بگذارند او برود بیدارش کند. پاسداران جانی که مرزی در بیرجمنی و اعمال جنایتکارانه نمی‌شناسند بدون اعتنا به او، به اتاق دخترش رفته و او را با همان حال با خودشان می‌برند. ۱۶ روز از بردن این دختر گذشته بود که به خانه‌ی همسایه تلفن می‌کنند و می‌گویند: دخترتان اعدام شده و در فلان قطعه‌ی بهشت‌زهرها دفن شده است."



## سلسله خاطرات، گزارشات

## و نوشته‌هایی

## از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های...

خمینی در مشهد با کمبود جا مواجه شدند و در جستجوی محلی مناسب برای ادامه‌ی جنایاتشان برآمدند و سرانجام "دبیرستان علم سابق" را که در جنب باشگاه ورزشی دانشگاه و مرکز اطلاعات و تحقیقات سپاه (در امتداد سی‌متری احمدآباد واقع در خیابان کوهسنگی) قرار داشت، محل مناسبی برای اینکار تشخیص دادند. بنابراین به‌دستور مستقیم "طیسی" جنایتکار، دانش‌آموزان

روشن می‌شوند و محل زندگی افرادیست که یا شدیداً تحت شکنجه قرار دارند و یا در زندان وکیل‌آباد بعلت مقاومتی ویژه به این محل - فراموشخانه - تبعید شده‌اند و هر روز جیره‌ی شکنجه دارند. تعداد زندانیانی که در این شکنجه‌گاه به سر می‌برند، در کل بیش از ۴۰۰ تن می‌باشند و عموماً برای خوابیدن در سلول‌ها نوبت می‌گذارند، زندانیانی که در این سلول‌ها به سر می‌برند، هر روز در ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه‌ی صبح با فریاد نهبانان از خواب (اگر خوابی وجود داشته باشد) بیدار می‌شوند و در انتظار رفتن به دستشویی اکثراً باید تا ساعت ده الی یازده صبح صبر کنند و به‌همین دلیل اکثر ساکنین سلول‌های انفرادی، بدلیل

در امتداد راه و عمود بر این سالن، ساختمانی که محل ۸ کلاس درس و یک آزمایشگاه (در یک راستای صدمتری در کنار هم) بود، تبدیل به سلول‌های عمومی شده که در هر سلول ۲×۳ گاه حدود ۶۰ نفر را جای می‌دهند و راهروی جلوی این کلاس‌ها به طول ۷۰ متر بصورت سالنی درآمده که از این سالن هم که مثلاً راهروی عمومی سلول‌هاست، بعنوان زندان و گاه برای آزار و شکنجه‌ی روانی زندانیان، بعنوان اتاق شکنجه استفاده می‌شود. بموازات این ساختمان در سمت چپ محوطه، یک ردیف ساختمان دیگری (که سابقاً خانه‌ی سرایدار و محل آموزش زبان‌های خارجی بود) قرار دارد که در

بقیه/صفحه ۱۰

جلادان دایره‌ی سیاسی سپاه در نیمه‌ی بهمن ماه سال ۶۱ چاره‌ی دیگری اندیشیدند.

## تکرار شیوه قدیمی

## انتخاب و انتقال تعدادی از

## زندانیان به

## شکنجه‌گاه‌های مختلف

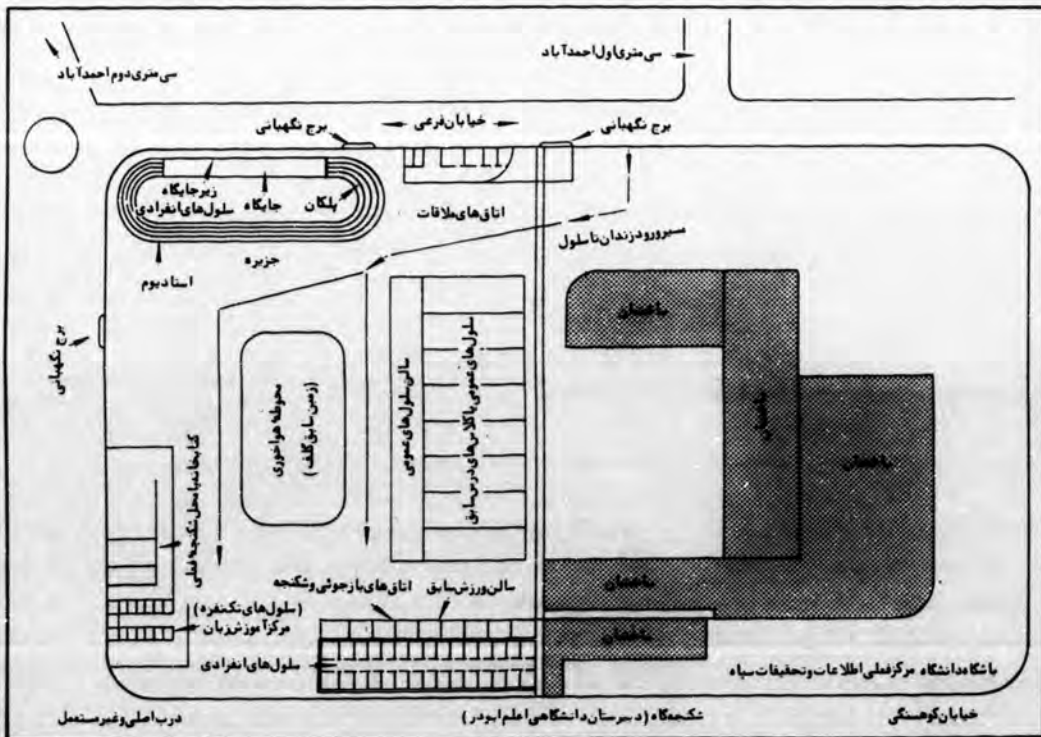
## برای در هم شکستن

## روحیه مقاومت!

... دایره‌ی سیاسی سپاه ضدخلقی، سرانجام در بهمن ۶۱ دو باره به شیوه‌ی قدیمی خود روی آورد، یعنی همان شیوه‌ی که در سال ۶۰ بکار گرفته و منجمه ۵۱ تن از زندانیان را انتخاب و به شکنجه‌گاه‌های مختلف روانه کرده بود تا جو مقاومت را بشکند و آنها را به انفعال و مصاحبه‌ی تلویزیونی و نائید رژیم خمینی بکشاند. اما این بار به جای ۵۱ نفر ۳۱ تن که من نیز در بین آنان بودم، برای چشیدن طعم شکنجه‌ی جلادان و شکنجه‌گران ویژه - گروه حاج ابوتراب و حاج بهرام - روانه‌ی شکنجه‌گاه‌ها شدیم و تصادفاً من در زمره‌ی کسانی بودم که می‌بایست در شکنجه‌گاه "جزیره" - مدرسه‌ی علم سابق - تحت بازجویی و شکنجه قرار بگیرم، یعنی جایی که چند سال در آن جا تحصیل کرده بودم و با در و دیوار آن آشنائی کامل داشتم و حال می‌رفتم تا در آن‌جا شکنجه شوم، آن‌هم در محل کتابخانه که سابقاً محل اجتماع مبارزترین دانش‌آموزان بود و حال نیز محل اجتماع مبارزترین آنان منتها این بار نه در پشت میز مطالعه بلکه بر روی تخت‌های شکنجه، در همین جا لازمست توضیح فشرده‌ای از وضعیت این مرکز جنایت و سرکوب رژیم که در زمره‌ی مراکز مهم سپاه ضدخلقی قرار دارد و تا بحال دهها تن از فرزندان مجاهد و انقلابی خلق در آن به شهادت رسیده‌اند، بدهم.

## شکنجه‌گاه جزیره!

در پائیز سال ۶۰ با توجه به بر شدن بازداشتگاه‌های اصلی و فرعی و خانه‌های امن سپاه و کمیته‌ها، دژخیمان رژیم



کروکی کامل شکنجه‌گاه "جزیره"، مدرسه علم سابق، یکی از مراکز شکنجه و کشتار مجاهدین و مبارزین در مشهد

خراب بودن وضعیت کلیه‌ها و مئانه - بعلت شکنجه‌های ممتد - مجبورند از ظروف غذا و چای برای ادرار کردن استفاده کنند.

از ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه‌ی صبح معمولاً شکنجه‌گران مشغول بکار می‌شوند و صدای غرش‌های حیوانی جانپان و صفیر شلاق و فریادهای پاورقی:

۱ - اگرچه تمامی جنایات ارتجاع در مشهد، در رأس توسط طیسی جنایتکار رهبری می‌شود ولی نقش قاضیان و بازپرسان جانی ارتجاع نیز حائز اهمیت بسیار است، کسانی چون "شمس"، "میرفندرسکی"، "خراسانی"، "پویان"، "حسینی"، "ایمانی"، "صالحی" و... که هر یک دست در خون دهها و گاه بیش از صد تن از مجاهدین و مبارزین دارند. طبق یک گزارش کاملاً موثق در یک جلسی بیدادگاه کسی از حاجی گرازپانی

حال حاضر تبدیل به ۲۰ سلول ۱×۱/۵ شده و در امتداد آن نیز از دفتر و کتابخانه‌ی سابق بعنوان اتاق بازجویی و شکنجه، استفاده می‌شود.

در انتهای این محوطه (در ابعاد ۲۰۰×۵۰۰ متر) استادیوم دبیرستان در پشت دیوارهای بلند قرار گرفته است و دور تا دور آن پله‌های بتون آرمه که سابقاً محل نشستن تماشاچیان بود به چشم می‌خورد و در پشت جایگاه مخصوص استادیوم - محل رخت‌کن‌ها، سرداب‌ها و زباله‌دانی - هم‌اکنون تبدیل به ۲۰ تک سلولی گردیده که به فراموشخانه و "جزیره" معروف است و از جمله دلائل مشهور بودن کل دبیرستان سابق و شکنجه‌گاه فعلی به "جزیره" نیز همین است. این ۲۰ تک سلولی بسیار سرد و نمور که گاه کف آن به صورت لجنزار درمی‌آید، هر کدام در شب با یک فانوس نفتی

این دبیرستان سریعاً به محل دیگری انتقال داده شدند و طی چند روز این محل تبدیل به یکی از مراکز کشتار انقلابیون در مشهد گردید این شکنجه‌گاه - دبیرستان دانشگاهی سابق - که قبلاً دارای ۱۳ کلاس درس و یک کتابخانه‌ی بزرگ و محل آموزش زبان‌های خارجی و دفاتر متعدد و یک سالن ورزشی بزرگ و یک استادیوم ورزشی ویژه بود، به‌شکلی که ذیلاً توضیح داده میشود در آمد: از درب بزرگ و اصلی آن که در خیابان کوهسنگی وارد می‌شویم در سمت راست، سالن بزرگ ورزشی سابق، تبدیل به اتاق‌های متعدد بازجویی و شکنجه و یک سالن شامل ۱۵ سلول ۱×۱/۵ شده که گهگاه در هر سلول ۱×۱/۵، چهار نفر زندانی جا داده می‌شوند. تعداد اتاق‌های ویژه‌ی بازجویی و شکنجه در این سالن ۷ عدد می‌باشد.

درآلود و جگرخراش زنان و مردان مجاهد و مبارزی که شکنجه می‌شوند، فضای سلول‌هایی را که در کنار اتاق‌های شکنجه قرار دارند، پر می‌کند. شکنجه‌ها معمولاً تا ۲ بعداز نیمه‌شب و گاه تا صبح ادامه پیدا می‌کند و بسیاری از مجاهدین در همین شکنجه‌گاه و در زیر شلاق به شهادت رسیده‌اند. در کنار اتاق‌های شکنجه، قاضی ضدشرح آخوند ایمانی (۱) جنایتکار دستک و دفتر خود را گسترده‌است و همانجا طی دادگاه‌های چند دقیقه‌ای و در حالیکه گاه زندانیان با دست و پای خون‌افشان از شکنجه‌گاه بازگشته‌اند، احکام تیرباران و به دار کشیدن و با حبس‌های طویل‌المدت را صادر می‌کند. بعلت شلوغ بودن بازداشتگاه‌ها، شکنجه‌های

مدام و وحشیانه و بی‌توجهی جلادان، سالن و اتاق‌های شکنجه معمولاً از خون زندانیان خیس است و با ورود بدن بلافاصله بوی ناخوشایندی که از بجای ماندن خون‌ها ایجاد شده، مشام را می‌آزارد و دیدن آن نیز بی‌کبارگی را که وارد سالن شود دگرگون می‌کند ولی بدترین قسمت این شکنجه‌گاه سلول‌های موسوم به جزیره است یعنی سلول‌هایی است که در محل سابق رخت‌کن استادیوم قرار گرفته‌اند. افرادی که در این سلول‌ها بسر می‌برند، هر یک بمدت دو سال جز تخت و وسایل شکنجه و چهره‌ی شکنجه‌گر، چیز با کس دیگری ندیده‌اند. آنها را هر روز با چشم بسته به شکنجه‌گاه می‌برند و دوباره با چشم بسته از شکنجه‌گاه باز می‌گردانند تا در زیر پرتو رنگ‌پریده‌ی فانوس‌ها روز و شب را سپری سازند. وضعیت غذایی این سلول‌ها بطور ویژه، بدتر از سایر زندان‌هاست. غذای ساکنین سلول‌های "جزیره" معمولاً تکمائی نان خشکیده و مقداری پنیر و برنجی خام و بدمزه است که آنهم بطور نامرتب داده می‌شود و گاه بقیه‌ی در صفحه‌ی بعد

جنایتکار می‌پرسد "حاج آقا چطور به هیچکس رحم نمی‌کنید، آیا فکر نمی‌کنید اشتباهی رخ بدهد و فردا شما را به دوزخ ببرند؟" گرازپانی جانی با خنده‌ای تمسخرآمیز می‌گوید: "شما به فکر من نباشید، من که کاری نکردم این حاج آقا حسینی خودش شخصاً صد تن از دختران مجاهد را در بندر عباس تعزیر کرده و تیر خلاص زده اگر ایشان را به جهنم نبرند که نمی‌برند، به من کاری ندارند!"



## سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی

از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ...

بقیه از صفحه قبل

برای گرفتن آن باید چند ساعت انتظار کشید. و بدیهیست که همی این فشارها تنها برای بزانو درآوردن کسانی است که گاه ماهها و تا لحظی شهادت با یاد خدا و خلق همی این رنجها را تحمل می‌کنند و خم به ابرو نمی‌آورند. این سلول‌ها، مملو از خاطرات دهها تن از مجاهدین قهرمانی است که با مقاومت و پایداری خود، زبونی و عجز دژخیمان خمینی را در برابر انقلاب و انقلابیون این میهن به اثبات رسانیده‌اند. مجاهدین دلیری چون، داریوش آذرنگ، فریدون کیانی، ثریا شکرانه، قاسم مهریزی، محمد اخوان و بسیاری دیگر ...

## پس از گذشت ۱۰۰ روز در شکنجه‌گاه

... ماههای بهمن، اسفند، فروردین و نیمه اول اردیبهشت با سنگینی و سختی بسیار سپری گشت. تقریباً می‌توانم بگویم که ما هرگز ندانستیم چگونه زمستان سپری شد و بهار آمد. زیرا در طی این مدت، چیزی جز مقاومت و وزیدن در برابر شکنجه،

ذهن ما را اشغال نمی‌کرد، مقاومت در زیر شکنجه‌هایی مانند شلاق زدن، شکستن استخوان‌های انگشت بوسیلگی گیره‌هایی که در کارگاهها از آن استفاده می‌شود، سوزاندن با اطو برقی، تحمیل گرسنگی ممتد ساعت‌ها دستبند چپانی داشتن و ... هر آنچه که در ذهن بگنجد و به تصور آید. حالا وقتی به آن روزها فکر می‌کنم و سعی می‌کنم خاطرات خود را نظم و ترتیبی بدهم، می‌بینم هیچ چیز جز شلاق، تاریکی، نور پریده‌رنگ فانوس‌ها و صفی از چهره‌های شکنجه‌گران در ذهنم رژه نمی‌رود و بدینگونه در طی این صد روز، ابتدا "علیرضا عابد" و سپس "برآبادی" را در زیر شکنجه کشند ولی در روزنامه‌ها خبر شهادت آنانرا بگونه‌ای غیر واقعی نقل کردند. در شکنجه‌گاهها و خانه‌های امن دیگر هم وضعیت به همین ترتیب بود و حتی در طی این مدت یک تن از افراد بخش شهرستان بنام "مسعود" را در یکی از شکنجه‌گاهها به آتش کشیدند و اعلام کردند که او خودکشی کرده است و سرانجام صد روز سپری گشت و دیگر بار درب سلول‌های "جزیره" یکی یکی باز شد و ما به سوی

زندان وکیل‌آباد بازگشتیم، با این فکر که پس از این، چه می‌خواهند بکنند. زیرا ظاهراً تیرباران بیش از ۵۰۰ تن و بدارآویختن بیش از صد و پنجاه تن و شکنجه‌های مداوم و نقل و انتقال شکنجه‌گران دردی را از آنان دوا نکرده بود ولی دو روز پس از ورود به زندان همه‌چیز روشن شد.

## آخرین تیر ترکش جلادان ارتجاع سیاست حزب‌اللهی کردن!! زندان‌ها

... سال ۶۰ را در امتداد جوخه‌های تیرباران و تخت‌های شکنجه، و سال ۶۱ را در امتداد دارها و جرثقیل‌ها و نقل و انتقالات مداوم به شکنجه‌گاهها، به پایان برده بودیم. در سال ۶۲ ارتجاع تصمیم گرفت که علاوه بر شکنجه و کشتار، آخرین تیر ترکش خود را نیز رها کند و سیاست "حزب‌اللهی کردن!!" بندها را بکار گیرد. بنابراین ظاهراً می‌بایست سال ۶۲ را در امتداد ابتذال و لجن‌پراکنی‌ها و خورشق‌صی‌های جلادان توأم با شکنجه و اعدام‌های معمول آنان سپری کنیم.

حدود اواخر اردیبهشت ۶۲ جمعی از دژخیمان و در رأس آنها "حسین بازجویی از سر شکنجه‌گران زندان وکیل‌آباد به بند آمد و سیاست "حزب‌اللهی" کردن بندها را اعلام کرد. او در حالیکه

در وسط بند و در جمع زندانیان ایستاده بود، فریاد زد:

"از این به بعد همه باید حزب‌اللهی شوید!! و همه‌تان را حزب‌اللهی خواهیم کرد. هر کس هم که کوچکترین مقاومتی از خود نشان بدهد، مسافر تپه‌های عباس‌آباد خواهد بود، ..."

و شما وقتی حزب‌اللهی شدید به اهمیت و ارزش این جمهوری و حکومت، پی خواهید برد ..."

از اول خرداد، پس از آنکه زندگان و بقول بازجوها، افراد "تسخیرناپذیر" را از دیگران جدا کرده و در چند سلول مجزای آهنکوب شده در طبقه ۳ محبوس و تعدادی را نیز روانی میدان تیرباران نمودند، برنامه‌ی حزب‌اللهی کردن زندان شروع شد و در پی آن سیلابی پرلجن و پرعفونت از کتاب‌های مطهری، دستغیب، هاشمی‌نژاد و ... همچنین نوارهای سخنرانی و ویدئوی دژخیمان و جنایتکارانی نظیر گیلانی، فخرالدین حجازی، منتظری، لاجوردی، مصاحبه‌ها و تحلیل‌های خودفروختگانی امثال روحانی، به زندان سرازیر شد و علاوه بر این، ارتجاع با اتکاء به محوره‌های زیر برای حزب‌اللهی کردن زندان به تلاش پرداخت:

- ۱ - بالا بردن شدت خشونت و شکنجه (و نهایتاً تیرباران) برای کسانی که در کار "حزب‌اللهی" شدن بندها اخلال می‌کردند.
- ۲ - ایجاد امکانات مختلف صنفی برای کسانی که به نحوی به این سیاست روی خوش نشان می‌دادند.
- ۳ - براه انداختن مجالس روضه‌خوانی و سینمائی و سخنرانی (۱) و بحث‌های باصطلاح ایدئولوژیک در زندان
- ۴ - اجرای نمایشنامه‌ها و شوه‌های مبتذل با کمک برخی از مزدورانی که در زندان برای برآورده شدن نیات شوم و پلید جلادان از دل و جان مایه می‌گذاشتند.
- ۵ - قطع کامل تماس‌های افراد با یکدیگر و ایجاد خلاء سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی کامل در زندان تا بزعم شکنجه‌گران، زندانی اجباراً به دامان ایدئولوژی عناصر "حزب‌الله" فروغلتند.
- ۶ - قطع ورزش میلشیا و اجرای ورزش مخصوص و مبتذل "حزب‌الله"!!
- ۷ - آوردن مداحان حرفه‌ای و خواندن اشعار مبتذل در پشت بلندگوها بطور مداوم
- ۸ - پر و بال دادن به گروه انگشت‌شمار خائنین برای فشار آوردن به زندانیان
- ۹ - اعمال سه ساعت مطالعه اجباری در رابطه با کتاب‌های ویژه‌نویسندگان ارتجاع
- ۱۰ - اعزام اجباری تعدادی

از زندانیان، در حلقه‌ی محاصره‌ی پاسداران برای زیارت قبور و شرکت در رژه و نماز جماعت.

۱۱ - مرخصی دادن به معدود عناصری که نسبت به آنها اطمینان وجود داشت (البته همراه با مراقبین آشکاری یا پنهان)

۱۲ - اعمال فشارهای وحشیانه برای بمصاحبه‌کشاندن زندانیان در رادیو و تلویزیون با سوالاتی از قبیل، قرائت برخی احادیث - تعریف نماز میت، سوال در مورد بی‌حجاب بودن یا نبودن اعضای خانواده‌ی زندانی، پرسیدن نظر زندانی راجع به عدالت امام خمینی!! و سوالاتی از این قبیل که آیا زندانی قبول دارد که عدالت اینست که تیرباران شود یا نه!! و ...

۱۳ - فشار بر روی زندانیان برای فرستادن آنها به مرزهای مختلف کشور و شناسائی و دستگیری کسانی که قصد خروج یا ورود به داخل کشور را دارند

۱۴ - فشار بر روی زندانیانی که حساسیت رژیم بر روی آنها کم بود برای فرستادن آنها به جبهه‌ی جنگ ایران و عراق و یا پیوستن به مخالفین رژیم افغانستان

۱۵ - سوالات کتبی و شفاهی مداوم از زندانیان مبنی بر اینکه آیا حاضرست در تعزیر و زدن تیر خلاص و تیرباران سایر زندانیان شرکت کند و "حزب‌اللهی"!! بودن خود را به اثبات برساند یا نه!

۱۶ - تحت فشار قرار دادن زندانیان زن برای ازدواج با پاسداران جنایتکار ارتجاع.

۱۷ - بردن معدودی از زندانیان به زیارت حرم در حلقه‌ی محاصره‌ی پاسداران و یا "توابین" مورد اعتماد.

۱۸ - ...

و بدینگونه بود که نحوه‌ی مقاومت در زندان، شکلی دیگر به خود گرفت و نحوه‌ی تماس‌ها برخورد‌ها و ... افراد مختلف زندان در رابطه با جو حاکم بر زندان بگونه‌ی دیگری تنظیم شد تا بتوان در عین موفق بودن در نگاهداری جو انقلابی زندان بیشترین ضربه را نیز به دشمن زد.

پاورقی: (ادامه دارد)

۱ - مسئله‌ی مضحک و جالبی که در این دوران رخ داد سخنرانی یکی از دانشجویان فالانژ بود که در آلمان دستگیر شده و چند روزی را در زندان بسر برده بود و از جنایات پلیس فاشیست آلمان سخن می‌گفت و اینکه چطور به او سیلی زده و ... در صورتی که به تعداد زیادی از کسانی که به سخنرانی او گوش می‌کردند بر اثر شکنجه‌های وحشیانه قادر به راه رفتن نبودند و تعدادی نیز در زیر اعدام قرار داشتند!!

مهدیان (تهران)، قدرت‌الله محسنی (قائم‌شهر)، دارا عرفانی، نور پرویز ظفری (لنگرود)، اردشیر آبادخیز (بندر انزلی)

\* ۲۳ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: فرشاد گیانفر، هوشنگ صانعی (اصفهان)، مهین جوادی (بندرعباس)

\* ۲۴ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: احمد جواهریان (تهران)، ایرج جلالی، حجت‌الله ارجمندی‌راد (آمل)، پرویز جعفریان (نور) و ...

\* ۲۴ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: هیربد مظفری یا احمدی، مسعود صادقی (کردستان)، محمد مجید حاجی بیگی (تهران)، اسماعیل حسام مقدم (بندرعباس)

\* ۲۵ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: اسماعیل عظیمی (ساری)، حسین حسینی، غلام دلجوئی، یحیی رحیمی، سیدمهدی طباطبائی، صادق گرمی (تهران) و ...

\* ۲۵ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: حسین زرسازان خراسانی، یدالله عباس‌پور آتشگاه (اردبیل)

\* ۲۶ تیر (۱۳۵۱): شهادت مجاهد خلق غلامحسین عالمزاده طی درگیری با مزدوران ساواک شاه خائن

\* ۲۶ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: فریدون آبرومندآذر (تبریز)، ناصر بنی‌هاشم (مشهد)

\* ۲۶ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق محبوبه (طلا) خدائی در تهران

\* ۲۷ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: احمد (مسعود) حاجیان، محمدرضا خالصی (تبریز)، آریا حدیدی (مشهد)، آمنه ملک‌افضلی (بابل)

\* ۲۷ تیر (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: مرتضی عنایت، رضا بزرگانفر (تهران)

\* ۲۷ تیر (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق روح‌الدین عباسی در مسجد سلیمان



تقویم هفته:

از ۲۱ تا ۲۷ تیر ماه

- \* ۲۱ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق، محمد سماواتی، محمد قلی‌پور، صالح گرمی (تهران)، موسی زاهد، علی اکبر ففوری، صابر صباغ (گردگوی) و ...
- \* ۲۱ تیر (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق سیدعلی امیرخلیلی در تهران
- \* ۲۲ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: حسین تبرزا، احمد قلی‌گر، تقی آسیم (گرگان)، حسین فضلی (زنجان)، مهدی دانیالی (بندر انزلی)، حسن ابودردا (اصفهان)، نصرالله نصیرزاده (قائم‌شهر)، احمد نوری (لاهیجان) و ...
- \* ۲۲ تیر (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق مهدی رضائی‌زاده در شیراز
- \* ۲۳ تیر (۱۴/ژوئیه/۱۷۸۹): انقلاب کبیر فرانسه و فتح زندان باستیل
- \* ۲۳ تیر (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: شهناز

## بررسی و تحلیلی درباره شکست تهاجمات موسوم به

### "الفجر ۵ و ۶ و خیر" ...

بقیه از صفحه ۸

تهاجمات دیگری را منجمله در ایام انتخابات و ماه مبارک رمضان داشت که عمدتاً بدلیل عدم توان بسیج نیرو، موفق به انجام آن نگردید. از جمله خمینی موكدا دستور تهاجم دیگری را قبل از موعد انتخابات فرمایشی مجلس (با ایده کسب پیروزی کذائی و استفاده تبلیغاتی از آن در ایام انتخابات) صادر کرده بود. بویژه برای خمینی خنثی کردن انعکاس داخلی اخبار کشتار سرسام آور نیروهای در جبهه - که وسیعاً توسط اغلب خبرگزاری‌ها و مطبوعات بین‌المللی منتشر شده بود - از طریق کسب یک پیروزی و همسنگ نمودن آن با شکست‌ها و تلفات سرسام آور قبلی، اهمیت بسیاری داشت.

اما عجز رژیم در بسیج نیرو، بسیار بیشتر از آنها بود که خمینی در سودای خام خود ترسیم می‌کرد. حتی پس از آنکه پانک‌های عراق بر روی نیروهای رژیم مستقر در جزایر "مجنون"، فشار و تلفات زیادی را وارد می‌آورد، کارگزاران جنگی رژیم ناگزیر تصمیم گرفتند جهت کاستن از بار آن، ضمن آوردن نیرواز سایر محورها به "مجنون"، محور "کوشک - طلایه" در جنوب را نیز فعال‌تر کنند. با اینهمه، به این جبهه نیز فقط و فقط با جابجائی نفرات از سایر محورها، نیرو تزریق نمودند و بهیچوجه نتوانستند نیروی جدیدی را به جبهه بکشانند و نیز همچنانکه پیش از این گفته شد، با عدم خوردن نقشه‌های رژیم در زمینه تأمین خطوط تدارکاتی و پشتیبانی محوره‌های شمال و جنوب منطقه عملیاتی "خیر"، رژیم ناگزیر شد جهت تأمین نیرو و تدارکات جزایر "مجنون"، از همان باتلاق‌های مرگبار "هورالهویزه"، استفاده نماید و برای این کار نیز، با بسیج تعدادی از کارخانه‌ها و تعطیل نمودن تولیدات عادی آن تحت مسئولیت شبانه‌روزی ۴ وزیر کابینه، یک پل شناور و یک پل و جاده‌ی خاکی در این منطقه باتلاقی احداث نماید. در چنین شرایطی ماجراجوئی‌های رژیم در خلیج فارس نیز طبعاً نتوانست خلاء راکد بودن جبهه‌ها را پر نماید. این ماجراجوئی‌های ارتجاعی حتی سر و صدای

دوستان امپریالیست رژیم و مشتریان نفت ارزان خمینی و صادرکنندگان انواع کالا به ایران را نیز برانگیخت و با سرعتی خارج از حد انتظار رژیم به ایزولاسیون سیاسی هر چه بیشتر رژیم منجر گردید. این ماجراجوئی‌ها، ضمن آنکه بلحاظ اقتصادی "حیات" رژیم را تهدید می‌کرد، رژیم منزوی خمینی را الزاماً در فضای سیاسی بین‌المللی ای درگیر می‌کرد که اساساً دست رژیم بلحاظ ماهیت جنگ‌افروزاناش برای مانور در آنها بسته بود. از همین رو بود که علیرغم رجزخوانی‌های تند و داغ اولیه سردمداران ارتجاع، در روزهای بعد، اذهان جناح‌های مختلف رژیم، متوجه پیامدها و عواقب بعدی آن گردید و بالاتفاق روی این مسئله تأکید کردند که بایستی کانال جبهه‌ها فعال‌تر شده و سرکلاف مشکلات لاینحل رژیم - چه داخلی و چه بین‌المللی - تنها از طریق زور نظامی و برهم زدن تعادل قدرت به نفع رژیم باز گردد.

اظهارات رفسنجانی جنایتکار مبنی بر اینکه: "ما خیلی میدانمان در حرکت‌های بین‌المللی باز نیست و باید با عمل کار کنیم، با قدرت آتش و فداکاری رزمنده‌هایمان می‌توانیم مسئله را حل کنیم و راه ما همین است" بخوبی گواه این مسئله می‌باشد. (مراجعه شود به جمهوری ۲۲/خرداد/۶۳)

همچنین در این رابطه، مقاله نویسنده کیهان (مورخ ۱۷ خرداد)، تحت عنوان "ارزانی رویدادهای جدید خلیج فارس" حرکت‌های رژیم در خلیج فارس را به زیر علامت سوال کشیده و هشدار می‌دهد که: "واکنش‌ها و برخوردهای (رژیم) ... باید از پختگی و سنجیدگی بیشتری برخوردار باشد". در ادامه‌ی مقاله، ضمن تأکید شده "در شرایط فعلی نباید در ریسک‌های کم‌بها شرکت کرد"، به راه حل گریزناپذیر رژیم اشاره شده که: "راه اصلی مقابله با اوضاع گمنونی در خلیج فارس و ممانعت از گشوده شدن جبهه‌های جدید علیه (رژیم)، تمرکز همه تلاش‌ها در جبهه‌های جنگ تحمیلی است".

از همین رو نیز هست که سردمداران و کارگزاران جنگی رژیم خمینی، قویاً در تدارک جنگ‌افروزی جدیدی بوده و به همان شدت نیز در حال بسیج

نیرو می‌باشند. لذا هرگونه تأخیر در شروع تهاجم جدید نیز در اساس ناشی از عدم توان رژیم در زمینه بسیج و اعزام نیرو به جبهه‌ها می‌باشد. کما اینکه علت تأخیر کنونی در شروع تهاجمات ادواری رژیم تا این لحظه را نیز باید در محدودتر شدن هر چه بیشتر توان بسیج نیرو، رویگردانی و دلسردی نیروهای رژیم از رفتن به جبهه‌ها و ... جستجو کرد. اما بهرحال رژیم پس از دام قبلی (مانور آزادی قدس)، اینک جهت کشاندن نیرو به جبهه، طرح جدیدی تحت عنوان "طرح فتح" را علم کرده است و از طریق آن بخش‌های دیگری از نیروهای طرح "لیبک یا خمینی" (خائن) را به جبهه‌ها سرازیر می‌کند. آخوند جنایتکار رحمانی، مسئول باصطلاح "بسیج مستضعفین" طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری رسمی رژیم، فاش کرده است که ایادی رژیم خیال کرده‌اند که با "مانور آزادی قدس" - که شرکت‌کنندگان در آن، در جبهه‌های "خیر" کشتار شدند - برنامه‌های این طرح، تمام شده است و وی سپس با پوزخند زدن به این انتظارات، توضیح داده است که مانورهائی از این دست، همواره ادامه خواهد داشت و منجمله در اوایل مهر ماه سال جاری انجام خواهد گرفت. (کیهان - ۲۱/خرداد/۶۳)

خانم‌های جنایتکار در نمایش جمعی ۱۸ خرداد به نیروهای رژیم، التماس می‌کند که: "تحقق شعار جنگ، جنگ تا پیروزی به چی هست؟ به حضور دائمی تمام کسانی که می‌توانند و در هر صحنه‌ای که می‌توانند. من الان به همه جوان‌هائی که در سراسر مملکت دوره‌های رزمی را دیدند و به همه نیروهای سراسری سپاه ابلاغ می‌کنم و اطلاع می‌دهم که به وجود شما نیاز است، باید همه آماده باشید. این امکان را به سازمان دهندگان نیروهای نظامی، ما باید بدهید که بتوانند ضربات قاطع خودشان را به این زورگویان و قلدران وارد کنند ... هر کس هر جائی که هست باید آمادگی خودش را حفظ کند و بطور مشخص آن نیروهائی که دوره دیده، نیروهائی که رزم آزمودند، آمادگی حضور در جنگ را دارند، خودشان را در

تصاویر تعدادی از فرماندهان و مهره‌های نظامی سپاه ضد خلقی رژیم که در تهاجمات موسوم به "الفجر ۵ و ۶ و خیر" به هلاکت رسیده‌اند (به نقل از کیهان ۱۵ و ۲۹ فروردین و ۴ اردیبهشت)



## بررسی و تحلیلی درباره شکست تهاجمات موسوم به "الفجر ۵ و ۶ و خیبر"...

معرفی بسیج سپاه قرار بدهند... بروید کار را یکسره کنید" بموازات این قبیل تبلیغات، اقدامات عملی رژیم در زمینه اعزام اجباری و کشاندن نیرو به جبهه فعال است. و بویژه بنا بر اخبار موثق در روزهای اخیر، رژیم تصمیم خودش را مبنی بر تهاجم جدیدی به خاک عراق مسجل کرده است. سپاه ضد خلقی در چند نوبت، عناصر کُذبندی شده در طرح "فتح" را به جبههها احضار کرده و خامنه‌ای جنایتکار دستور تشکیل "گروهان‌های رمضان" در سپاه ضد خلقی را صادر کرده است. در همین رابطه، سپاه ضد خلقی نیز اقدام به برگزاری سمینار سراسری در ۲۵ خرداد، تحت عنوان "سمینار فتح" با شرکت اعضای بسیج نمود که منجمه "بررسی مسائل مربوط به جنگ و بهره‌گیری از امکانات در جهت تقویت هرچه بیشتر جبهه‌های جنگ" در دستور کار آن قرار داشت. در فراخوان‌های سایر ارگان‌های ضد خلقی، ائمه‌ی جنایتکار جمعه، انجمن‌های ضد اسلامی و اتحادیه‌های صنفی رژیم هر یک در حوزه‌ی ماموریت خود، تلاش‌های وسیعی را جهت اعزام اجباری نیرو به جبههها آغاز کرده‌اند. سپاه ضد خلقی طرح گرفتن مشمول عادی برای خدمت در سپاه - که مدت آن ۲/۵ سال است و با شرایط سهل و ساده‌ای انجام می‌گیرد - را فعال کرده است. ژاندارمری رژیم طی چند نوبت آگهی، غائبین و گروه‌های مختلف سنی مشمول را فرا خوانده است. ائمه‌ی جنایتکار جمعه نیز بدستور مرکز، هر کدام ستادی در شهرهای محل جنایت خود، جهت بسیج نیرو و امکانات به جبهه تشکیل داده‌اند.

بلحاظ نظامی نیز، رژیم دست به انتقال قسمتی از نیروهای مستقر در جبهه‌ی شمال و غرب کشور به جبهه‌ی جنوبی جنگ زده است. منجمه لشکر ۸۱ باختران که از ابتدای جنگ تاکنون نیروی عمده‌ی مستقر در جبهه‌های غرب کشور می‌باشد و همچنین لشکر ۲۸ سندج با طرف جزایر "مجنون" انتقال داده شده است. از آنجا که مدت‌هاست در جبهه‌های باختران (کرمانشاه) عملیاتی رخ نداده و نیروهای مستقر در این جبهه، کمتر از

لشکرهای مستقر در منطقه‌ی جنوب، تلفات داشته‌اند، بنظر می‌رسد رژیم آنها را هم به ضیافت مرگ در جبهه‌های جنوبی دعوت کرده است تا از خون گسترده‌ی (کشته و زخمی و معلول و اسیر و مفقود شدن) خمینی بی‌نصیب نمانند! بدیهی است زمان حمله را عمدتاً میزان بسیج نیرو تعیین خواهد کرد و طبعاً طبق معمول اگر این مینا فراهم شد، خمینی دجال و سردمداران جنایتکارش، قطعاً مناسبت مذهبی عوام‌فریبانه‌ی برای آغاز تهاجمات، انتخاب خواهند کرد و دلیل عدم تهاجم رژیم در زمان و شرایط تبلیغاتی مناسبی همچون ماه رمضان نیز همین مسئله می‌باشد. بد نیست در همین جا اشاره کنیم که سردمداران رژیم که نسبت به میزان مکفی جمع‌آوری و اعزام نیرو امیدوار بودند، در اظهاراتشان وعده‌ی تهاجم در ماه رمضان را می‌دادند، که طبق دجالگری‌های متداول رژیم می‌توانست در شب‌های قدر و یا در جمعه‌ی آخر ماه رمضان تحت عنوان "روز قدس" (یکی از پوش‌های دجالگرانه‌ی خمینی)، انجام گیرد. در همین رابطه خامنه‌ای جنایتکار ضمن دستور تشکیل "گروهان‌های رمضان"، جهت اعزام نیرو به جبههها، از آنها خواست با "امداد از روح ماه مبارک رمضان" کار را در جبههها تمام کنند. صانعی جنایتکار در نمایش جمعه‌ی ۱۸ خرداد قم، ضمن تاکید به نمازگزاران که فرزندان خود را به جبهه بفرستند، خواستار نام‌نویسی آنها در مراکز بسیج شد تا با دهان روزه به جنگ بپردازند! (کیهان - ۱۹/۱۹ خرداد/۶۳) البته ائمه‌ی جنایتکار جمعه و جماعات رژیم، در شهرهای مختلف، بدون اینکه بطور کامل از درماندگی سردمداران رژیم در مراحل بعدی بسیج نیرو آگاه باشند، با تاکید و وضوح بیشتری درباره‌ی تهاجم رژیم در ماه رمضان صحبت می‌کردند. از جمله باصطلاح امام جمعه‌ی بوشهر در نمایش جمعه ۱۲ خرداد، اظهار داشت که: "در این ماه مبارک رمضان ضربهای به استکبار جهانی و مزدوران منطقه خواهیم زد که در طول تاریخ به خود ندیده باشند" اهمیت این مزدور در شبستر نیز در هفته‌ی بعد، ضمن تشریح اهمیت

جنگ در ماه رمضان و آلوده کردن ارزش‌های مذهبی با جنگ‌افروزی‌های ارتجاعی رژیم، با لاف و گزاف‌های مختص آخوندهای جنایتکار خمینی، رجز می‌خواند که: "رزمندگان افتخار آفرین اسلام در این ماه مبارک نیز به صدام و صدامیان بتازند و به آنان حمله کنند و مانند فاتحین مکه، کربلا و قدس عزیز را فتح نمایند و بت‌های منطقه را شکسته و برای آینده افتخار آفریده و از چنگال ستمگران و مظلومان (!!) نجات دهند." (جمهوری - ۱۳ و ۲۵/۲۵ خرداد/۶۳) جالب اینجاست که همین استیصال و درماندگی رژیم در شروع تهاجمات جدید (در جهت جبران شکست‌های گذشته و خنثی کردن بازتاب جهانی تلفات سرسام‌آور در تهاجمات قبلی) به فضای سیاسی و روانی مضاعفی بر علیه خود رژیم و ایادی و نیروهایش تبدیل شده است. رفسنجانی جنایتکار در همین رابطه در نمایش جمعه‌ی هفته‌ی گذشته تهران (۱۵ تیر) سعی نمود با دجالگری همین فشار روانی و سردرگمی را مبتلابه دیگران قلمداد کند! وی در رابطه با زمان شروع تهاجم جدید گفت: "این مسئله که کسی اقدام کنیم، از مسائل بسیار مهم این مقطع است که حسابی دنیا را مخصوصاً غربی‌ها را گیج کرده است." رفسنجانی سپس به مناسبت‌هایی اشاره کرد که در محافل خبری و سیاسی جهان، روی آن بعنوان زمان تهاجم جدید گفتگو شده است از قبیل: "نوروز"، "۱۵ شعبان"، "شهادت امام حسین"، "اول ماه رمضان"، "۱۹ ماه رمضان"، "۲۱ ماه رمضان" "عید فطر" و... در حالیکه خود رژیم و ایادی‌اش قبل از همه با درماندگی و عجز کامل در بسیج نیرو، وعده‌های خود را از این مناسبت به آن مناسبت نقل مکان می‌دادند. جالب اینجاست که رفسنجانی جنایتکار ضمن ارائه‌ی تحلیل ابلهانه‌ای در باب اینکه چرا به تبلیغات گوناگون جهت تعیین زمان تهاجمات رژیم دامن زده می‌شود، صریحاً گفت که: "می‌خواهند ایران دست بزند به یک حمله‌ی زودرسی و قبل از اینکه همه‌ی امکاناتش را آماده بکند، حمله کند که موفق نشود" معنی این اعتراف صریح و آشکار

اینست که دلیل تاخیر در تهاجمات، آمادگی نبودن همه‌ی امکانات رژیم و در راس همه عدم توان و بسیج نیرو بوده است. در این رابطه برادر مجاهد مسعود رجوی در پیام خود به مناسبت سومین سالگرد ۳۰ خرداد این مسئله را بروشنی چنین بیان کرده است: "گاه می‌گویند که خمینی نزدیک به نیم میلیون قوای مسلح در جبهه‌ی جنگ با عراق وارد کرده است. این آمار و ارقام، مطلقاً صحت ندارد. و از سلباس تا آبادان مجموعه‌ی قوای موجود اعم از ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری حتی به ۴۰٪ آن نیز نمی‌رسد. یعنی از شمال و آذربایجان تا منتهی‌الیه جنوب غربی که ضمناً قوای مستقر در کردستان را نیز دربر می‌گیرد، بیش از یکصد و نود و شش هزار را نتوانسته است تا این تاریخ به جبهه‌های جنگ با عراق ببرد. همچنین می‌دانیم که درصد عظیمی از پرسنل ارتش و ژاندارمری، بالا جبار به جبههها و یا کردستان اعزام شده‌اند." در همین رابطه بایستی اضافه کنیم که براساس گزارشات موثق، پس از عملیات موسوم به خیبر و بویژه در رابطه با پیام‌های مکرر مسئول اول سازمان خطاب به پرسنل میهن پرست ارتش، بر میزان فرار نظامیان میهن پرست از جبههها افزوده شده است. از سوی دیگر، علاوه بر نقش تداوم جنگ در ادامه‌ی سرکوب داخلی و مسکوت گذاشتن بحران‌های فزاینده‌ی اجتماعی مملکت؛ و همچنین مهار کردن تضادهای درونی رژیم، بایستی به این نکته‌ی قابل توجه نیز اشاره نمود که رژیم نیروهای مستقر در جبههها - بویژه عناصر بسیج و افراد "طرح لبیک" - را نمی‌تواند بیش از حد معمول در جبههها بیگار! نگاه دارد. شروع فصل کشت و کار در شهرها و مناطق مختلف - بویژه در صفحات شمال کشور - گرمای طاقت‌فرسای جبهه‌ی جنوب و همچنین فعال شدن مسائل سیاسی و اختلافات درونی در میان نیروهای رژیم در جبههها، از جمله مشکلاتی است که ضرورت داغ نگاه داشتن جبههها و مسکوت گذاردن تمامی این قبیل مسائل در لهیب‌های سوزاننده و مهلک جنگ را می‌طلبد. اینکه خامنه‌ای جنایتکار آنهم در این شرایط، نظامیان را از "سیاست‌بازی و گروه‌گرایی و کشیده نشدن به کارهای سیاسی در جبهه‌های جنگ" برحذر می‌دارد و یا "برخورد قاطعانه با میکرب‌های سیاسی" در جبههها را به کارگزاران جنگی رژیم

گوشزد می‌کند، در ارتباط با این مسئله می‌باشد. بخصوص که مسئله‌ی ناراضیتی از ادامه‌ی جنگ و گسترش هرچه بیشتر شعار صلح، هر روز ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. همچنین از سوی دیگر فعال‌تر شدن بخشی از نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان تحت عملیات موسوم به "قائم آل محمد" و سرکوب مردم ستمدیده‌ی کرد و مقابله با مقاومت مسلحانه‌ی منطقه را بلحاظی باید در این رابطه جستجو نمود. همچنین بازدید اخیر وزیر کار رژیم از جبههها و بررسی طرح دایر کردن آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای توسط وزارت کار و امور اجتماعی در جبهه‌های جنگ، برای آموزش دادن نیروهای رژیم در جبهه در "ایام فراغت"، و نیز برگزاری امتحانات ابتدائی و متوسطی دانش‌آموزان در جبههها و دادن امتیازات متعدد برای قبولی حتمی آنها و همچنین حل مسئله‌ی کنکور تعدادی از آنها را بایستی در چارچوب همین درماندگی رژیم در جبهه‌های "بیگار" بررسی و تحلیل نمود. همچنین بخشنامه‌ی اخیر وزارت کار رژیم که طی آن، مدیران کارخانهها مکلف شده‌اند تا آن دسته از کارگرانی را که (احتمالاً سالم!) از جبههها باز می‌گردند بدون هیچگونه مانع‌تراشی بر سر کارهای سابقشان بگمارند، تنها بمنظور دلخوش‌کنک در جهت پای‌بند کردن کارگران مستقر در جبههها می‌باشد. از سوی دیگر انعکاس اجتماعی عدم توان رژیم در تسریع تهاجمات جدید و همچنین بازتاب داخلی فعالیت‌های جهانی در زمینه صلح - که در هر مقطع در روند رشد یابنده‌ی خود، نامشروع بودن جنگ‌طلبی‌های خمینی را روز بروز حتی بر برخی ایادی و وابستگان رژیم نیز مسجل کرده و طلسم جنگ‌افروزی‌های خمینی را باطل می‌کند. - باعث گردیده که در طول این مدت، سردمداران رژیم بیشتر از قبل بر روی عدم پذیرش "صلح تحمیلی!" پافشاری کرده و در افکار عمومی، بر موضع پائین و تدافعی، بر روی آن تبلیغ کنند. از جمله آنها بایستی به آخرین التماس‌های عوام‌فریبانه‌ی اردبیلی جنایتکار در مشهد اشاره کرد که در سخنرانی خود در صحن حرم امام رضا (ع) ضمن فاش ساختن انعکاس اجتماعی و بین‌المللی تلفات سرسام‌آور نیروهای رژیم در عملیات "خیبر" با این مضمون که "بعد از بقیه در صفحه‌ی بعد



## دانشگاهها

و

مسئله بیسوادی باصطلاح دانشجویان  
سه‌میه ارگان‌های ضدانقلابی رژیم!

وزارت "فرهنگ و آموزش عالی" رژیم، پانزدهم تیر ماه امسال، "دومین کنکور سراسری دانشگاهها را برگزار نمود. مدیرکل سرسپرده‌ی بخش گزینش این وزارتخانه، شرکت‌کنندگان در کنکور امسال را، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر ذکر کرده که تنها کمتر از ده درصد آنها - یعنی حدود ۳۵۰۰۰ نفر - در دانشگاهها و مدارس عالی پذیرفته خواهند شد. البته به روال برنامه‌های ارتجاعی و بخصوص جریان تفتیش عقاید توسط کارگزاران رژیم، نمره‌ی نهائی پذیرفته‌شدگان، مربوط به آزمون تستی و ... آن مربوط به مرحله‌ی آزمون "تشریحی" خواهد بود، و تازه پس از این مراحل، داوطلبان، مورد تحقیقات دامنه‌دار ارگان‌های جاسوسی و اختناق رژیم منجمه "شورای پذیرش" - که عمدتاً تحت کنترل مزدوران "جهاد دانشگاهی" می‌باشد - قرار خواهند گرفت. گفتنی است که رژیم در شرایطی صحبت از پذیرش این تعداد دانشجو (۳۵ هزار نفر) می‌کند که با مشکلات عدیده‌ای از جمله در زمینه‌ی کمبود استاد، کمبود یا نبود بسیاری کتب درسی، مسئله‌ی مسکن دانشجویان در شهر محل تحصیل آنها و انبوهی معضل و مشکل دیگر روبرو است؛ بنحوی که حتی "اداره‌ی آموزش" دانشگاهها، ظرفیت اعلام شده از سوی رژیم برای پذیرش دانشجو را مورد اعتراض قرار داده است. با اینحال رژیم پوسیده‌ی خمینی به دلایل مختلف، از جمله به منظور حل پارهای تضادهای درونی خود بویژه در زمینه‌ی مسائل دانشگاهی، تلاش در جهت جلوگیری از رشد روزافزون

نارضایتی‌های شدید اجتماعی در زمینه‌ی تعطیلی دانشگاهها و نیز بخاطر تامین بخشی از نیازمندی‌های تخصصی رژیم و ... ناگزیر از اعلام و تدارک چنین برنامه‌ای شده است. اما علاوه بر مشکلات بزرگ و عامی که رژیم در زمینه‌ی مسائل دانشگاهی و پذیرش دانشجویان جدید با آن روبروست، کارگزاران دانشگاهی رژیم با مشکلات ویژه‌ای نیز روبرو می‌باشند که از جمله آنها مسئله‌ی بیسوادی باصطلاح دانشجویان سه‌میه نهادهای ضدانقلابی و سرکوبگر خمینی می‌باشد. لازم به یادآوری است که رژیم در کنکور سال گذشته، ۳۰ درصد از کل پذیرفته‌شدگان به دانشگاهها راه، به مزدوران معرفی شده از سوی نهادهای ضدخلقی‌اش اختصاص داد. (اطلاعات ۲۴/فروردین/۶۲)، ضمناً از پیش روشن بود که وظیفه‌ی عمده و اساسی این مزدوران، جاسوسی و کنترل شدید دانشجویان به منظور پیشگیری و ممانعت از ایجاد هرگونه فعالیت و حرکت سیاسی برعلیه رژیم در دانشگاهها خواهد بود. اما در کنکور امسال، وضعیت این سه‌میه‌بندی خصوصی و انحصارطلبانه‌ی مرتجعین، به دلیل اختلافات و نارضایتی‌هایی که در سال گذشته در میان داوطلبان نهادهای ارتجاعی مختلف بوجود آمد، تغییراتی کرده است. از همین رو امسال سه‌میه‌ی اختصاصی نهادها در سه گروه به قرار ذیل تقسیم شده است.

گروه اول، سه‌میه‌ی داوطلبان معرفی شده از سوی سپاه و کمیته و بسیج ضدخلقی که بایستی به مدت ۶ ماه در جبهه‌های جنگ فعالیت کرده باشند.

گروه دوم، سه‌میه‌ی داوطلبان معرفی شده از سوی ارگان سرکوبگر موسوم به "جهاد سازندگی" و یا "نهضت سوادآموزی" که دو سال سابقه‌ی مزدوری داشته باشند.

گروه سوم، سه‌میه‌ی معلولین جنگ و همچنین خانواده‌های کشته شدگان جنگ، به شرطی که "افراد درجه‌ی یک خانواده باشند. (کیهان - ۲۵/اسفند/۶۲) اما همچنانکه متذکر شدیم، حضور وایستگان بیسواد رژیم در دانشگاهها، و پوشاندن باصطلاح قیای دانشجویی به آنها، مشکلات زیادی چه برای کارگزاران دانشگاهی ارتجاع و چه سایر دانشجویان بوجود آورده است. این مسئله بقدری ملموس و در عین حال مضحک است که ارگان ارتجاعی موسوم به "سناد انقلاب فرهنگی"، در دیماه سال گذشته با صدور بخشنامه‌ی، کلیه‌ی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را موظف نمود تا برای این قبیل دانشجویان بیسواد، "کلاس‌های تقویتی پیش‌دانشگاهی" تشکیل دهند. با اینحال اوضاع این باصطلاح دانشجویان، بسیار خراب‌تر از اینها بود که با کلاس تقویتی مسئله‌ی آنها حل شود. در این رابطه صالحی رئیس سرسپرده‌ی دانشگاه صنعتی شریف، با اشاره به این مسئله که یکی از مشکلات کارگزاران دانشگاهی رژیم در مهر ماه سال گذشته "ضعف معلومات تعداد زیادی از

دانشجویانی بود که از سوی گزینش به مامرفی شده بودند (هم سه‌میه‌ی نهادهای ضدانقلابی و هم آن دسته از داوطلبین وابسته به رژیم که به برکت آزمون باصطلاح تشریحی به دانشگاه راه یافته بودند). برای خود آنها هم مشکلاتی ایجاد کرد و تعداد زیادی از دانشجویان نتوانستند واقعا خودشان را بکشانند. "موضوع را به ایجاد کلاس‌های تقویتی و عدم کارآئی آنها کشانده و ادامه می‌دهد که "مشکل این قبیل دانشجویان عمیق‌تر از آنست که ما بتوانیم با کلاس‌های تقویتی دانشگاه، این ضعف را برطرف کنیم" (اطلاعات - ۲۴/دیماه/۶۲). بدیهی است وقتی آش آنقدر شور است که حتی کارگزاران رژیم هم با وجود تشکیل کلاس "اکابر" برای نورچشمی‌های مزدور خود باز هم مجبورند که به بیسوادی شدید آنها اعتراف کنند، تکلیف کلاس‌هایی که با ترکیب این باصطلاح دانشجویان درواقع جاسوسان و سرسپردگان رژیم تشکیل می‌شود و نیز تکلیف دانشجویانی که باید در چنین کلاس‌هایی حضور داشته باشند، پیشاپیش روشن است. در همین زمینه، در یک نظرسنجی که در کیهان ۲۵/خرداد/۶۳ به چاپ رسیده، صریحاً قید گردیده است که حضور این قبیل دانشجویان مربوط به "سه‌میه‌ی خاص"، علاوه بر اینکه کیفیت علمی کلاس‌های دانشگاهی را

پائین می‌آورد، باعث نومی‌دگی گروهی از علاقمندان تحصیل در دانشگاهها می‌گردد. " از سوی دیگر همین موضوع، به سهم خود، به اختلافات و دست‌بندی‌های درونی رژیم (بویژه در میان دست‌اندرکاران دانشگاهی ارتجاع) بیش از پیش دامن زده است. یعنی در شرایطی که دسته‌ای روی این مسئله پافشاری می‌کنند که: "دانشگاهها باید بگویند چون ما ظرفیت نداریم، فقط دانشجویانی را که از نظر علمی در سطح بالائی باشند، می‌پذیریم"، دسته‌ی دیگر با علم کردن این مسئله که "ما به بهترین استعدادها (!!) توجه داریم نه به بهترین معلومات"، اهمیت جنگ ارتجاعی خمینی و ضرورت حاتم‌بخشی و تطمیع در این زمینه را در اینجا نیز به رخ ایادی رژیم کشیده و می‌گویند: "کسی که در جبهه خدمت کرده، فرصت زیادی برای درس خواندن نداشته است و ما نباید امکان راه‌یابی چنین فردی را به دانشگاه از بین ببریم." (اطلاعات - ۲۴/دی/۶۲ و کیهان - ۲۶/اردیبهشت/۶۳). حال باید دید رژیم پوسیده‌ی خمینی از این "استعداد"ها (که الحق استعدادی جز جاسوسی و مزدوری و اختناق آفرینی ندارند)، چه نوع متخصصینی تربیت کرده و کدامیک از دردهای اجتماعی - اقتصادی، درمان‌ناپذیر خود را با آن علاج خواهد کرد؟! •

## بررسی و تحلیلی درباره شکست تهاجمات موسوم به

## "الفجر ۵ و ۶ و خیر" ...

بقیه از صفحه قبل

عملیات خیر دنیا منتظر بود تا در میان ایرانیان کسی رغبت جبهه رفتن نداشته باشد،" با لحنی عاجزانه پرسید: "مردم شما را به روح ثامن‌الائمه (ع) سوگند می‌دهم، آیا شما به صلح آمریکائی راضی هستید؟! (اطلاعات - ۲۹/خرداد/۶۲) چنانچه ملاحظه می‌شود، هر حادثه و موضوعی که حتی پرتو بسیار کم‌رنگ و رقیقی از صلح را برای ارتجاع جنگ‌افروز تداعی کند، چگونه با جنگ و دندان سرسختانه‌ی سردمداران جنایتکار رژیم روبرو می‌شود، و نیز در همین نقطه است که ارزش و اهمیت کوشش‌ها و ابتکارات صلح‌طلبانه‌ی مجاهدین و شورای ملی مقاومت، بعین روشن و بارز می‌گردد، فعالیت‌های انقلابی‌ای که هر یک با فضای سیاسی مناسبی که حول خودش در

داخل و خارج مملکت ایجاد می‌کند، گام به گام خمینی ضدبشر را در پیلای جنگ‌طلبی‌اش محدود و محدودتر ساخته و می‌رود تا با قهر انقلابی مسلحانه، این جرثومه‌ی جنایت و تبهکاری و انهدام را برای همیشه در گور تاریخی خود دفن نماید. آری، بدون تردید خمینی وطن‌فروش و ضدخلق دیر یا زود تهاجمات انسانسوز و کشور بر باد ده خود را آغاز خواهد کرد؛ بزودی بار دیگر هزاران نفر در جبهه‌ها کشتار خواهند شد؛ بسیار بسیار کشاورزان، کارگران، دانش‌آموزان دیگر هرگز بر سر مزارع، کارخانه‌ها و کلاس‌های خود باز نخواهند گشت و هزاران خانواده‌ی داغدار در سوک عزیزان خود لباس عزابتن خواهند کرد، متقابلاً در چنین شرایطی، وظیفه‌ی انقلابی و میهنی همه‌ی نیروها و جریانات مردمی، حکم می‌کند تا به هر ترتیب که برایشان میسر است، شعار استراتژیک "صلح و آزادی" را در هر کجا که هستند طنین‌انداز نمایند و بدین ترتیب به سهم خود گامی در جهت ساقط کردن رژیم ضدخلقی و ضدایرانی خمینی و رهائی مردم ستمدیده‌ی میهنمان بردارند. پرسنل میهن‌پرست ارتش نیز موظفند بر اساس وظائف ملی و میهنی خود، پیام "صلح و آزادی" را در میان نظامیان و نیز پادگان‌ها و جبهه‌های محل مأموریت خود وسیعاً اشاعه دهند و در صورت امکان، سلاح‌های خود را به سمت فرماندهان و مزدوران جنایتکار خمینی نشانه روند و یا در فرصت‌های مناسب و در اسرع وقت، جبهه‌های مرگ و آدمکشی و ویرانی خمینی جنایتکار را ترک نمایند. • • •

## نگاهی به نوشتارها و گفته‌ها

## نگاهی به "دستاوردهای رژیم خمینی در زمینه "بهداشت" و "محیط زیست" و هفته تبلیغات رژیم در این رابطه

بقیه از صفحه آخر

را بعنوان یکی دیگر از ابعاد جنایات بیسابقه رژیم خمینی به نمایش می‌گذارد. منجمله اینک:

- ۷۰ درصد مردم روستاهای کشور از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی محرومند؛

- سالانه ۲۸۰ هزار کودک زیر ۵ سال، در اثر فقر تغذیه و کمبود بهداشت جان می‌سپارند؛

- شهرداری تهران از جمع‌آوری هزاران تن زباله (بطور روزانه) در سطح شهر تهران عاجز است؛

- بیماری مالاریا (که زمانی به حداقل رسیده بود) در سطح گسترده‌ای شیوع یافته؛

- بیماری‌های جذام، هاری، تیفوئید، تب مالت و... بصورت بیسابقه‌ای در اکثر نقاط کشور، از تهران گرفته تا دورترین روستاهای آذربایجان و استان‌های جنوبی کشور در حال گسترش می‌باشد.

اما دلیل این اوضاع رقت‌بار بهداشت عمومی را - همانند بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی دیگر - باید در ماهیت بغایت ارتجاعی و سیاست‌های ضد مردمی و جنگ طلبانه‌ی این رژیم ویرانگر جستجو کرد که با اصرار ورزیدن بر ادامه‌ی جنگ ضد میهنی و ویرانگر خود، پیوسته در پی آن بوده است تا بر ناراضی‌های عمیق و گسترده‌ی مردم و نیز بر ناتوانی‌ها و بی‌لیاقتی‌های مفرط خود در اداره‌ی کشور و تأمین حتی ابتدائی‌ترین نیازمندی‌های عمومی و نیز بر غارتگری‌های بی‌نظیرش، سرپوش گذاشته و از قضا همه‌ی مشکلات و ناراضی‌های مردم را نیز به همین جنگ خانمانسوز مصادره نماید. در ادامه‌ی همین سیاست ضد خلقی است که سردمداران رژیم با شعار "اولویت جنگ"، علاوه بر اختصاص یک سوم از بودجه‌ی کشور به جنگ (بطور رسمی)، با "دست و دلبازی" تمام، بسیاری از کادرها و امکانات پزشکی و درمانی و بهداشتی و محیط زیست را نیز عمدتاً در جهت تأمین نیاز جبهه‌ها، بسیج نموده‌اند. قابل ذکر است که بنا به اقرار یکی از مقامات رژیم، گل بودجه‌ی سالانه‌ی "محیط زیست" (۳۰۰ میلیون تومان) حتی از بودجه‌ی رسمی یک روز جنگ (۳۲۲ میلیون تومان) نیز کمتر است. جالب اینکه در چنین اوضاع فلاکت‌باری، سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست رژیم، ضمن افتخار کردن به این همه دستاوردهای بی‌نظیر! که همه‌ی کارشناسان بین‌المللی را به حیرت واداشته است! مدعی گردیده که رژیم خمینی "در حفظ و حراست محیط زیست، به مراتب از خیلی کشورهای دنیا پیشرفته‌تر بوده و خواهد بود!"

اینک به مجموعه فاکت‌ها و نمونه‌هایی در این رابطه توجه کنید:

- \* (کیهان - ۱۶/ خرداد/ ۶۳): "بر اثر بیماری "هاری" در بیش از ۴۰ روستای الیگودرز ۴ تن جان خود را از دست دادند... تاکنون تعداد زیادی گوسفند، گاو و سگ به آن مبتلا شده‌اند."
- \* (کیهان - ۲۵/ فروردین/ ۶۳): "بر اثر آشامیدن آب آلوده، حدود ۱۵۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان ۳ مدرسه‌ی دخترانه کنگاور مسموم شدند."
- \* (کیهان - ۲۷/ خرداد/ ۶۳): "این روزها سگ‌های ولگرد بطور دستجمعی آرامش مناطق اطراف تهران را بهم ریخته‌اند... خطر بیماری‌های هاری و سایر بیماری‌ها نیز از طرف سگ‌های ولگرد، مردم را تهدید می‌کند."
- \* (کیهان - ۱۹/ خرداد/ ۶۳): "در فصل گرما معمولاً زباله‌های موجود در سطح شهرها که محل زیست مگس و پشه و حشرات دیگر است، به شکل یک عامل انتقال و انتشار بیماری عمل می‌کند."

\* (کیهان - ۲۵/ فروردین/ ۶۳): "گرم‌های پشمالو، یک محله را در جنوب شهر (تهران) اشغال کرده‌اند... بدلیل کثرت گرم، آسایش ساکنین محل مختل شده."

\* (اطلاعات - ۱۹/ فروردین/ ۶۳): "۳ مار گشف وارد جدید جذام در طول یکسال ۶۸/۵۲ درصد، افزایش نشان می‌دهد و با اینکه در این مدت بسیاری از روستاها ویزیت نشده‌اند، وجود ۳۰ درصد روستای آلوده به جذام در سطح استان (آذربایجان غربی) مسئله بسیار خطرناکی است..."

\* (کیهان - ۷/ فروردین/ ۶۳): "در اثر نبودن امکانات اولیه بهداشتی، در حدود ۲۰۰۰ نفر در بخش "بشاگرد" دچار جذام می‌باشند... اهالی بخش محروم بشاگرد در حدود ۳۰۰۰۰ نفر می‌باشند."

\* رضایی مدیر کل اداری ریشه‌کنی مالاریا (کیهان - ۲۶/ آذر/ ۶۲): "از آغاز سال ۶۲ تا پایان مهرماه (همان سال) از دو میلیون و ۲۰۸ هزار و ۲۷۶ قطعه لام‌خون تهیه شد که در این میان ۲۸ هزار مورد مثبت مالاریایی در منطقه‌ی حمله، گشف و تحت درمان قرار گرفته است..."

\* مسئول شبکه‌ی بهداشتی شهرستان ایرانشهر (جمهوری - ۵/ خرداد/ ۶۲): "متأسفانه مالاریا در شهرستان ایرانشهر بیداد می‌نماید بطوری که در ماه گذشته ۲۰۰ الی ۳۰۰ مورد مثبت داشتیم که با توجه به جمعیت این شهرستان میزان ابتلاء رقم بالایی است."

\* (اطلاعات - ۱۹/ فروردین/ ۶۳): "از هر یک‌هزار نفر جمعیت (استان آذربایجان غربی) ۳ نفر سلول وجود دارد."

\* آخوند اژهای باصطلاح سرپرست سازمان بهزیستی کشور (اطلاعات - ۱۳/ بهمن/ ۶۲): "عدم رعایت بهداشت و آلوده بودن آب در بعضی از روستاهای کشور، باعث شده تا نوزادانی نابینا به دنیا بیایند و بر اساس آمار گرفته شده در پاره‌ای موارد این نابینائی نه بدلیل عوامل ژنتیکی و ارثی، بلکه بعلمت عدم رعایت بهداشت و نبودن آب سالم و لوله‌کشی در روستاها بوده است."

\* (کیهان - ۳۰/ اردیبهشت/ ۶۳): "طبق گفته‌ی یکی از دو پزشک تنها درمانگاه این بندر (بندر دیلم) بخاطر عدم بهداشت، بیماری‌هایی از جمله اسهال، استفراغ، اریون، آبله - مرغان، امیبیاز، زیادبوز و سل‌های ریوی در بین کودکان زیاد به چشم می‌خورد."

\* (اطلاعات - ۹/ فروردین/ ۶۳): "۳ نچه در مناطق عشایری شهرستان ماکو مورد توجه و دقت مسئولین قرار گرفت، شیوع مواردی از بیماری‌های تب مالت، پیسی، جذام، سل، سفلیس و گچلی در روستای خوز (آذربایجان غربی) بود."

\* منافی وزیر بهداشتی رژیم خمینی (کیهان - ۲۴/ اردیبهشت/ ۶۳): "سالانه حدود ۲۸۰ هزار کودک زیر پنج سال بعلمت عدم مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی جان خود را از دست می‌دهند که از این تعداد ۸۰ هزار نفر آن بر اثر اسهال ساده در مناطق محروم و دور افتاده تلف می‌شوند."

\* (کیهان - ۲۲/ فروردین/ ۶۳): "همه روزه ۶۰۰ کودک کمتر از یکسال در دام بیماری و سوء تغذیه اسیر شده و به آغوش مرگ می‌افتند... در ایران در هر دو دقیقه ۱۵ ثانیه، یک کودک کمتر از یکسال می‌میرد."

\* دستجردی سرپرست هلال احمر (کیهان - ۳۱/ شهریور/ ۶۲): "مسئله اصلی در شرایط فعلی، جنگ است و تا جنگ به نفع جمهوری اسلامی حل نشود، مسایل دیگر تحت‌الشعاع خواهد بود و تمامی ملت و به خصوص ارگان‌هایی که در رابطه با درمان و امداد هستند، باید به جنگ اولویت بدهند."

\* رهامی نماینده‌ی مجلس ضد خلقی (اطلاعات - ۳۰/ آذر/ ۶۲): "یک سوم بودجه یعنی ۳۲۲ میلیون تومان در روز صرف جنگ می‌شود."

\* ساری مدیر عامل بهداشتی استان تهران و سرپرست ستاد رسیدگی به مصدومین و مجروحین جنگ (کیهان - ۱۲/ دی/ ۶۲): "این ستاد برای مداوای مجروحین جنگ تا به حال از ۱۰۵۸۶ پزشک و ۱۰۴۸۰ پیراپزشک زنده و مجرب دانشگاهی وزارت بهداشتی استفاده کرده است."

\* منافی وزیر بهداشتی رژیم خمینی (اطلاعات - ۶/ مهر/ ۶۲): "وزارت بهداشتی از آغاز جنگ تاکنون ۴۰ هزار امدادگر به جبهه‌ها اعزام داشته."

\* منافی وزیر بهداشتی رژیم خمینی (کیهان - ۱۵/ فروردین/ ۶۳): "در بازدید از جبهه‌ها خوشبختانه مسئله‌ی حادی در رابطه با درمان و بهداشت رزمندگان مشاهده نشد و انتقال مجروحین و مداوای آنان بخوبی انجام می‌شود."

\* (کیهان - ۶/ تیر/ ۶۳): "امکانات بهداشتی و درمانی منطقه (دهستان چاه هاشم در

استان سیستان و بلوچستان) نیز زیر صفر است، از استان هیچ گروهی برای رسیدگی به این امر به منطقه نیامده است. تنها از طریق درمانگاه بخش ۱۵۰ کیلومتری آن، یعنی دلگان در سال دو بار به این ناحیه می‌آیند و گشتی می‌زنند لیکن هیچگونه اقدامی برای استقرار یک واحد بهداشتی و درمانی در این ناحیه‌ی پرجمعیت صورت نگرفته است. بیماری‌های موسوم‌اهاالی، عبارتند از مالاریا، سیاه سرفه، اسهال و استفراغ، بیماری سنگ‌کلید که حدوداً ۷۰٪ از اهالی را مبتلا ساخته است."

\* یکی از مسئولین وزارت بهداشتی (کیهان - ۲۳/ فروردین/ ۶۳): "در حال حاضر تعداد وسائل نقلیه‌ی مخصوص واکسیناسیون ۳۰ عدد جیب لندرو است که از سازمان یونیسف هدیه گرفته شده است."

\* میلانی نیا سرپرست انستتو پاستور (کیهان - ۲۰/ خرداد/ ۶۳): "بودجه‌ای که ما صرف بهداشت و درمان می‌کنیم در مقایسه با بودجه‌ی مملکتان مبلغ بسیار ناچیزی است."

\* (کیهان - ۱۵/ اردیبهشت/ ۶۳): "۷۰ درصد از روستاهای مملکت فاقد آب آشامیدنی تصفیه شده و سالم هستند و منشاء اصلی شیوع بیماری‌های واگیردار عفونی و روده‌ای بخصوص در فصل گرما آب ناسالم است. به‌گفته‌ی پزشکان برخی از بیماری‌های روده‌ای و عفونی نظیر شهبوبا و تیفوئید و اسهال و غیره بیشتر از طریق آب تصفیه نشده انتقال می‌یابند."

\* میرزا طاهری سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست (کیهان - ۱۷/ خرداد/ ۶۳): "میزان بودجه‌ی این سازمان در سال ۶۳ در حدود ۳۰۰ میلیون تومان است که این میزان در مقایسه با بودجه‌ی برخی از ارگان‌های هم‌تراز داخلی و همچنین در مقایسه با کشورهای پیشرفته، بودجه‌ای بسیار کم است."

\* میرزا طاهری سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست (جمهوری - ۱۹/ فروردین/ ۶۳): "افتخار می‌کنیم که جمهوری اسلامی در حفظ و حراست محیط زیست به مراتب از خیلی از کشورهای دنیا پیشرفته‌تر بوده و خواهد بود و در سایه‌ی انقلاب شگوهمند اسلامی کارشناسان متعهد و متخصص ما در گنوانسیون‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های بسیار جالبی ارائه می‌دهند که حتی اساتید تربیت‌کننده‌ی این کارشناسان از ارائه‌ی چنین طرح‌های جامع در حیرتند!!"



## دیدارها و مذاکرات هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

بقیه/صفحه ۴

ملی مقاومت ایران و پناهندگان ایرانی سپاسگزاری نمود. در این مراسم که با حضور کلیه اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت و برخی دیگر از اعضا و پشتیبانان شورا برپا

بهنگام ورود به پارلمان، آقای تمپل موریس از سوی حزب محافظه کار از برادر مجاهد مسعود رجوی و هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت استقبال نمود و خوش آمد گفت. سپس طرفین مذاکرات مبسوط خود را آغاز نمودند. ابتدا مسئول شورا از پیام‌های



برادر مجاهد مسعود رجوی و آقای تمپل موریس

حمایت پیشین آقای تمپل موریس و همچنین از پیام اخیر لرد فن شاو مسئول روابط خارجی حزب محافظه کار، تشکر نمود. لرد فن شاو اخیراً در سالروز ۳۰ خرداد، ضمن ارسال پیامی نقض حقوق بشر در ایران را قویاً محکوم کرد. مسئول شورا آنگاه بر اساس نقطه نظرهای اعلام شده شورای ملی مقاومت به تشریح اوضاع ایران پرداخت و گفت زمان آن فرا رسیده است که مسئله ایران هر چه جدی‌تر و مسئله ایران مسئله ثابت و آینده داری رژیم خمینی نیست، همگان می‌دانند که این رژیم جز به جنگ و اختناق و درآمد نفت، به چیز دیگری متکی نیست. بنابراین در یک کلام مسئله ایران همانا مسئله جان‌نشینی رژیم خمینی است. از طرف دیگر، روشن است که هرگونه فرضیه‌ای مبنی بر بازگشت دیکتاتوری سلطنتی و ایادی شناخته شده‌ای که در اینجا و آنجا جز ضدیت با مقاومت عادلانه مردم ایران و شورای ملی مقاومت، کاری ندارند و در داخل ایران نیز از هیچ پایگاهی برخوردار نبوده و تنها به حمایت خارجی متکی هستند، مطلقاً مردود است و مردم ایران

شده بود، حضار بار دیگر در جریان اوضاع ایران و موقعیت شورای ملی مقاومت ایران قرار گرفته و مجموعه‌هایی از مدارک لازم به آنان اعطا گردید.

## دیدار با نمایندگان حزب محافظه کار

بعد از ظهر امروز، هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در محل پارلمان انگلستان با آقایان تمپل موریس و آقای پ. ج. شاو دیدار و به تفصیل پیرامون اوضاع ایران و وضعیت مقاومت ایران گفتگو نمود.

آقای تمپل موریس که در گذشته پیام‌های او در باره حکومت جنایات رژیم خمینی و حمایت از مقاومت ایران را در "مجاهد" منعکس کرده‌ایم، ریاست هیئت نمایندگی انگلستان در کنفرانس بین‌المجالس و همچنین ریاست کمیته‌ی خاورمیانه‌ی حزب محافظه کار و مسئولیت بخش ایران را بعهده دارد. او در عین حال معاون کمیته‌ی پارلمانی امور خارجی حزب محافظه کار در مجلسین عوام و لردها نیز می‌باشد. آقای پ. شاو نیز دبیر هیئت انگلستان در کنفرانس بین‌المجالس است.

و شورای ملی مقاومت بهیچوجه بازگشت آنها را تحمل نخواهند کرد. اگرچه روشن است که بازگشت دیکتاتوری سلطنتی، ولو تحت عناوین عوام‌فریبانه‌ی نظیر سلطنت مشروطه، جز با لشکرکشی خارجی و جز با کشتار بزرگ امکان ندارد. در حالیکه شورای ملی مقاومت می‌گوید حداکثر ظرف ۶ ماه، انتخابات آزاد می‌کند و آنگاه با دولت موقت، استعفا می‌کند و زمام امور را بدست مجلس موسسان و قانونگذاری ملی می‌گذارد. شما هیچگاه از بقایای شاه نشنیده‌اید که حتی در تصورات بی‌اساس مربوط به بازگشت احتمالی خود به ایران، یک مهلت زمانی به شما بدهند. ولی بعکس بطور عینی بازهم دم از همان واژه‌های شناخته شده‌ی استقرار نظم و امنیت بمعنی کشتار بزرگ می‌زنند و در خفا نیز ضرورت یک چنین کشتاری را تصریح می‌کنند. اما بهر حال بایستی از سوی شورای ملی مقاومت اعلام کنیم بقایای شاه بهیچوجه برای ما و برای ملت ایران مسئله‌ی جدی نیستند و سرمایه‌گذاری آنها و دم زدنشان از ارتش نیز هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. چرا که اکثریت قریب به اتفاق پرسنل ارتش که پرسنل میهن پرست و مردمی هستند از دیکتاتوری سلطنتی متنفرند و پشتیبانان بالقوه‌ی شورای ملی مقاومت می‌باشند که بخشی از آنها حمایت خود را از این شورا و از سازمان مجاهدین خلق ایران تصریح کرده‌اند. همچنین باید افزود که این داعیه که گویا بقایای شاه می‌توانند سلطنتی از نوع انگلیس یا اسپانیا را در ایران مجسم نمایند، بنا به دلایل تاریخی مطلقاً کذب و بی‌اساس است، چرا که سلطنت ۵۷ ساله‌ی پهلوی‌ها، بخوبی مبین آنست که بازگشت سلطنت به ایران با دو ویژگی اصلی همراه است: دیکتاتوری و وابستگی. حال آنکه ما می‌گوئیم که نه شاه و نه خمینی و فکر می‌کنم که تاکنون جدیت و اقتدار و توانائی عملی‌مان را در این مسیر به اثبات رسانده‌ایم. وانگهی مردم ایران، هم با انقلاب وهم با رای تمایل آزادانه‌ی خود، دیکتاتوری سلطنتی را تا به ابد از صحنه‌ی تاریخشان بیرون رانده‌اند. مسئول و اعضای هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت توضیح دادند که چشم بستن به ظهور آل‌ترناتیوی از درون رژیم

سوال: آیا رهبری ایران در تهران در حال تغییر استراتژی می‌باشد یا هنوز بر سر همان چیزی که آنرا بعنوان حمله‌ی نهائی بر علیه عراق تبلیغ کرده مانده است. رجوی: نه، هیچ چیز عوض نشده است. خمینی به جنگ ادامه خواهد داد. وی مادامی که در موضع ناچاری نیفتد، صلح را نخواهد پذیرفت و از همان اول هم برای ما روشن بود که وی به این زودی‌ها قادر نخواهد بود که شروع کند. شش حمله‌ی بزرگ و مهم وی در عرض یکسال و نیم گذشته، همگی با شکست مواجه شدند. خمینی باید با مشکلات بسیاری مقابله نماید. بعنوان مثال، توانائی وی در بسیج نیرو شدیداً کاهش یافته است. دومین مشکل اصلی وی مشکل لجستیکی می‌باشد، همچنین فشارهای داخلی و بین‌المللی نیز که بر روی وی می‌باشد. چرا که این یک جنگ تنفرآمیز و وحشتناک می‌باشد که هیچکس علاقه‌ای به ادامه‌ی آن ندارد به‌جز رژیم خمینی. البته در ایران تنها یک جنگ وجود ندارد. جنگ خارجی در حقیقت پوششی برای جنگ داخلی می‌باشد. جنگی که بر علیه مردم ایران، بر علیه مقاومت، بر علیه آل‌ترناتیو دمکراتیک و بر علیه مجاهدین خلق ایران جریان دارد. طی سه سال گذشته ۴۰ هزار نفر اعدام شدند و بیش از ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی در بیش از ۵۰۰ زندان رسمی و غیررسمی رژیم بسر می‌برند. بنابراین می‌بینید که وی به این جنگ احتیاج دارد تا

خمینی نمی‌تواند هیچ پایه و اساس و آینده‌ای داشته باشد و علیهذا برای صلح و آرامش در منطقه و در ایرانی که آماده‌ی یک انفجار عظیم است، راه حلی جز دمکراسی و استقلال و شورای ملی مقاومت ایران، وجود ندارد. هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت همچنین با تشریح ابعاد مختلف مقاومت در داخل کشور و ارائه‌ی اسناد و مدارک کافی تصریح نمود که مردم ایران و مقاومت ایران خواستار تاکید هر چه بیشتر حزب محافظه کار و دولت انگلستان بر محکوم ساختن جنایات رژیم خمینی و برهیز از هر اقدام و رابطهای می‌باشند که خمینی بتواند آنرا در خدمت دوام حکومتش بر علیه ملت ایران بکار بگیرد.

## مصاحبه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی با سرویس جهانی رادیو B.B.C. - قسمت اول

بتواند بوسیله‌ی آن توجهات داخلی و بین‌المللی را از جنگ استراتژیک‌تری که در داخل جریان دارد، منحرف سازد. سوال: آیا شما فکر می‌کنید که آیت‌الله خمینی برای این مشکلات نظامی غلبه خواهد کرد و اعتراضات گوناگون را به کنار خواهد گذاشت و گماکان تهاجم نهائی را انجام خواهد داد؟ رجوی: خمینی بالاترین سعی خود را خواهد کرد، ولی من مطمئنم که او نمی‌تواند هیچ پیروزی نظامی مهمی بدست آورد. او را بن بست‌های مختلفی احاطه کرده است. چه نظامی، سیاسی و یا اجتماعی. بنا بر این بنظر می‌رسد که ما نزدیک‌ترین دور هستیم. برای اینکه این رژیم دیکتاتوری تروریستی نمی‌تواند برای ابد ادامه یابد. سوال: شما تصویر یک ایران آشوب‌زده را بلحاظ داخلی ترسیم کردید، ولی مجاهدین شما در حال حاضر چه نقشی بازی می‌کنند. برای چندین ماه، از آنها خبری شنیده نشده است. رجوی: در شش ماه گذشته ما اقدام مهم سراسری داشته‌ایم، اخیراً ما یک هفته برای زندانیان سیاسی و شهدا داشتیم که برابر با ۲۰ ژوئن، سومین سالگرد مقاومت بود. این یک عملیات سراسری بود که در ۳۴ شهر به برخورداری منتهی شد. درگیری‌های زیادی بین نیروهای مقاومت و پاسداران با اصطلاح انقلابی خمینی صورت گرفت. همچنین در ماه آوریل وقتی بقیه در صفحه‌ی بعد

آقای دکتر باقرزاده نماینده‌ی شورا در انگلستان نیز شرحی پیرامون طرح‌های شورای ملی مقاومت و برنامه‌ی سیاسی آن و اقدامات عملی مقاومت در داخل کشور، بیان داشت. در پایان، آقای تمپل موریس بار دیگر تصریح کرد که حزب محافظه کار، قطعاً با تمامی موارد نقض حقوق بشر در ایران مخالف است و در موارد مختلف نیز آن را اعلام نموده و بازهم خواهد کرد. وی همچنین توجهات بیشتر نسبت به مسئله‌ی ایران را ضروری شمرد و اطمینان داد که نقطه نظرهای اعلام شده‌ی شورای ملی مقاومت در حزب محافظه کار انگلستان مطرح خواهد گردید.

## دیدارها و مذاکرات هیئت نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

## مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با

سر ویس جهانی رادیو B.B.C. - قسمت دوم (بخش شده در برنامه شامگاهی چهارشنبه ۱۳ تیر)

THE TIMES WEDNESDAY JULY 4 1984

روزنامه تایمز چهارشنبه ۴ ژوئیه ۱۹۸۴



Mr Rajavi: 'Only 140,000 men on main front.'

جنبش چریکی مجاهدین خلق و رئیس شورای ملی مقاومت که شامل تمام گروههای اصلی اپوزیسیون جمهوریخواه می‌گردد گفت: "من می‌نوام یک رقم حداکثر ۱۹۶/۰۰۰ نفری برای تمام جبهه بد شما بدهم" او گفت ۵۶/۰۰۰ نفر نیرو در کردستان، ناحیه کوهستانی شمالی که در طرف ایرانی جبهه، با مقاومت کردها مواجهند، مستقرند و در جبهه اصلی فقط ۱۴۰/۰۰۰ (قوا) مستقرند که با ارتش عراق، مواجه می‌باشند. آقای رجوی نقشه‌های را که جزئیات مواضع واحدهای اصلی را نشان می‌داد، ارائه کرد و گفت: اطلاعات او از منابع قابل اطمینان در داخل ارتش ایران بدست آمده است.

گزارشات مبنی بر این‌که ایران نیم میلیون قوا در نزدیکی مرز عراق بسیج کرده است، دیروز در لندن توسط رهبر اپوزیسیون ایرانی، آقای مسعود رجوی رد شد. آقای مسعود رجوی رهبر

آقای رجوی که رهبر شورای ملی مقاومت است، امروز بعنوان میهمان حزب سوسیالیست اپوزیسیون کارگر ارلندن بازدید می‌کند. با او توسط (برنامه) "۲۴ ساعت" درباره‌ی آینده‌ی ایران و مسر جنگ خلیج مصاحبه بعمل آمد. حالا گزارشی داریم از گوردن آدامز.

گوردن آدامز: مسعود رجوی رهبر جنبش مجاهدین خلق است که اولین بار در مخالفت با رژیم شاه سابق تشکیل گردید. او شخصاً توسط پلیس سری شاه، ساواک، زندانی و شکنجه گردید. بعداً که مجاهدین کمتر از دو سال بعد از ساقط کردن شاه، روابط خود را با جریان اصلی انقلابی آیت‌الله خمینی قطع کردند، همسر رجوی در یک درگیری مسلحانه با پاسداران انقلابی در تهران کشته شد. کوشش مجاهدین برای ساقط

کردن دولت خمینی از طریق یک مبارزه‌ی جنگ چریکی شهری در سراسر ایران با خشونت سرکوب شد و همراه آن هزاران نفر که مظنون بودند که از فعالان مجاهدین هستند، اعدام و زندانی شدند. ولی رجوی این را که گمراه‌کننده باشد، تکذیب می‌کند. او منجمد به فعالیت سال جاری مجاهدین در ایران در رابطه با سومین سالگرد حمله‌ی پاسداران انقلابی به تظاهرات (۳۰ خرداد) مجاهدین خمینی شد، اشاره می‌کند.

توانائی اپوزیسیون در متحد شدن برای هدف مشترک جایگزینی رژیم فعلی در ایران دچار ابهامی نمی‌شوند؟ رجوی: اگر شما به لیست شهدای ما نگاه کنید می‌توانید ببینید که... اگر ما همکاری با سلطنت‌طلبان را بپذیریم این حیثیت ما را در داخل ایران نابود خواهد کرد. برای اینکه خمینی به این مردم خواهد گفت ببینید شما مردم بودید که خود بر علیه رژیم شاه شوریدید (انقلاب کردید)، انقلاب شما عادلانه و ضروری بود، اما حالا شورای ملی مقاومت یا مجاهدین یا فلانی به خارج رفته است تا با همان کسانی که شما بر علیه آنها رای دادید، بر علیه آنها انقلاب کردید، همکاری کند!

گوردن آدامز: اشتغال فعلی ایران در حال حاضر جنگ با عراق است که حالا تقریباً چهار ساله شده است. آقای رجوی ادعای ایرانی‌ها که نیم میلیون نفر قوا برای انجام یک تهاجم تعیین‌کننده‌ی قریب‌الوقوع جمع شده‌اند را مورد تحقیر قرار می‌دهد و می‌گوید که آنها کمتر از ۲۰۰/۰۰۰ نفر هستند ولی آیا او معتقد است که خمینی می‌تواند بعد از یک شکست در این مرحله از جنگ دوام بیاورد؟ رجوی: سرنوشت رژیم خمینی با این جنگ مرتبط است. خمینی دیوانه نیست. که جنگ را ادامه می‌دهد. او می‌داند که اگر جنگ را متوقف کند و صلح را قبول کند، باید به مسئله‌ی سازندگی ایران جواب بدهد و مجبور است قدری اصلاحات اجتماعی - اقتصادی انجام دهد. ولی شما می‌دانید که رفاه اجتماعی - اقتصادی به رفاه سیاسی منجر خواهد شد و دقیقاً از این نقطه است که خمینی کاملاً وحشت دارد. برای اینکه اگر شما بخاطر بیاورید وقتی که شاه برای تحمل نوعی فضای باز سیاسی تحت فشار قرار گرفت، رژیم او نتوانست دیگر دوام بیاورد.

**تصحیح:**  
در "مجاهد" شماره‌ی ۲۰۹ صفحه‌ی ۴۲، در پیام جامعه‌ی متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم فرانسه، بجای جمله‌ی "را هر شد و آزادی جوامع انسانی هیچگاه بی‌رهنورد نموده" اشتباهاً، جمله‌ی "راه رشد جوامع انسانی هیچگاه بی‌رهنمود نموده" آمده است که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

## قسمت هائی از مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با بخش فارسی رادیو B.B.C. پنجشنبه ۱۴ تیر ماه

گزارشگر: با توجه به این مسائلی که شما گفتید، آیا به نظر شما، نقش توانائی دولت جمهوری اسلامی در ادامه‌ی جنگ، نشانه‌ی ثباتش نیست؟ رجوی: ابتدا، درست معکوس است. اگر خمینی می‌توانست بدون جنگ و بدون سرکوب، حکومت کند، قطعاً صلح را می‌پذیرفت، درب زندان‌ها را باز می‌کرد و نیازی به این نبود که ۳ سال مداوم، بطور متوسط روزی ۵۰ تا را اعدام کند و روزی صد تا را دستگیر کند.

گزارشگر: با توجه به اینکه در واقع، حمله‌ی نظامی را عراق بود که آغاز کرد، آیا به نظر شما حالا حکومت عراق متنبه شده و اگر که ایران با او صلح بکند، به فکر حمله به ایران نخواهد افتاد؟ رجوی: ببینید، مسئله این نیست که یک دولتی متنبه شده باشد و یک چیزی را بخواهد یا نخواهد! حرف شورای ملی مقاومت و حرف مجاهدین این است که ما خودمان باید آنقدر قوی از یکطرف و هوشیار و زیرک از طرف دیگر باشیم که بتوانیم مصالح ملی‌مان را پیش ببریم...

(تذکر: متن فوق، متن کامل مصاحبه نیست، بلکه قسمت‌های بخش‌شده‌ی آن است.)

سه سال گذشته پیوسته تبلیغ می‌کردند که مجاهدین یا بقول آنها منافقین! از بین رفته‌اند. اما فقط اشاره می‌کنم که ظرف شش ماه گذشته، ما چندین حرکت سراسری عظیمی داشته‌ایم که واقعا در شرایط موجود، سازمان دادن و هماهنگ کردن آنها بسیار مشکل است. این فعالیت‌های (بین‌المللی نیز) دقیقاً مکمل فعالیت‌های داخلی هستند.

گزارشگر: بنابراین در ارتباط با فعالیت‌های شما در داخل ایران، شما چه توقعی دارید از دولت‌های خارجی؟

رجوی: اولاً بایستی هرگونه حمایت مستقیم و غیرمستقیم از رژیم خمینی را قطع بکنند. نکته‌ی دوم که ما درخواست می‌کنیم، محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران و پیرس وجو پیرامون وضعیت زندانی‌ها و شهدا است. نکته‌ی سوم، تحریم نفتی خمینی است، برای اینکه به اعتقاد ما خمینی و رژیمش به سه دلیل مانده است. اولاً - خفقان و شکنجه و اعدام، ثانیاً - جنگ خارجی، جنگی که فقط در خدمت بقا رژیم خمینی است. و ثالثاً - بدلیل درآمد نفت. نفتی که نه در خدمت مردم ایران، بلکه دقیقاً در خدمت سرکوب و جنگ طلبی است. در این شرایط است که ما نه اقتصادی داریم، نه کشاورزی داریم، نه امنیتی داریم و نه واقعا حقوق مردم ادا می‌شود.

عبارت دیگر دولت حاکم بر بریتانیا هم ملاقات کرده‌اید یا نه؟ رجوی: من فکر می‌کنم امروز چنین ملاقاتی داشته باشم. ما سعی می‌کنیم که در آن دیدارها، هم بی‌ثباتی و بی‌آیندگی رژیم خمینی و هم پیروزی محتوم مقاومت ایران را برایشان توضیح بدهیم. گزارشگر: شما چه جوابی دارید به کسانی که معتقدند این فعالیت‌های بین‌المللی اخیر شما بیشتر برای کسب وجهه و برای جبران محدودیت‌ها و کمبودهائی است که در فعالیت داخل ایران دارید؟

رجوی: فکر می‌کنم تنها کسانی که احتیاج به کسب وجهه نداشته باشند، احتمالاً در ایران مجاهدین باشند و شورای ملی مقاومت. مجاهدین هیچ کمبودی ندارند. البته رژیم خمینی، همینطور بقایای رژیم شاه، طی

مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران و مسئول شورای ملی مقاومت، برای اولین بار بعد از خروج سه سال پیش خود از ایران برای چند روز به لندن آمده. یکی از همکارانمان امروز با او مصاحبه‌ای کرد و بعنوان اولین سوال از او پرسید که منظور او از سفر به بریتانیا چه بوده است؟

رجوی: عرض کنم من به دعوت رهبری حزب کارگر به اینجا آمدم، حزبی که از آغاز مقاومت و سرفصل ۳۰ خرداد ۶۰، دائماً جنایات رژیم خمینی را در ایران محکوم کرده و از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران در چارچوب شورای ملی مقاومت ایران و همینطور سازمان مجاهدین خلق ایران بطور سیاسی حمایت کرده است.

گزارشگر: آیا یا هیچ‌کدام از مقامات حزب محافظه‌کار یا به

## مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی ...

ما زمینه‌ی اجتماعی و حمایت مردمی داریم و آلترناتیو دمکراتیک خود را معرفی کرده‌ایم. ما چهره‌ی خود را با صلح داخلی و خارجی به ثبت رسانده‌ایم. شما می‌دانید که طرح صلح شورای ملی مقاومت توسط دولت عراق بعنوان مبنای مناسبی برای آغاز مذاکرات صلح قبول شده است. (این مصاحبه ظهر چهارشنبه ۱۳ تیرماه پخش شده است.)

بقیه از صفحه‌ی قبل

که ما انتخابات ساختگی رژیم خمینی را تحریم کردیم، در سراسر کشور، فعال بودیم. مقامات رژیم خودشان اعتراف کردند که متجاوز از ۶۵ درصد آنتهایی که می‌توانستند رای بدهند شرکت نکردند در حالیکه در حقیقت آمار واقعی تحریم‌کنندگان بالای ۸۵ درصد بود. ما مردمی و به اندازه‌ی کافی قوی هستیم.





نگاهی به نوشته‌ها و کتبه‌ها

نگاهی به "دستاوردهای رژیم خمینی در زمینه "بهداشت" و "محیط زیست" و هفته تبلیغات رژیم در این رابطه

اخیرا سردمداران رژیم خمینی در ادامه‌ی سیاست‌های دجالگرانه‌ی خود، اقدام به برگزاری هفته‌های با صطلاح "بهداشت" و "محیط زیست" نموده و با تشکیل سمینارهایی برای سرپوش گذاشتن بر نارضایتی‌های عمومی در این زمینه، باز هم به تکرار یک سلسله شعارها و ادعاهای پوچ و بی‌محتوا پرداختند. این درحالیست که اوضاع وحشتناک بهداشت عمومی، اکنون به‌عنوان یکی از مشکلات جدی و سراسری، زندگی میلیون‌ها نفر از زحمتکش محروم میهن‌مان را، بویژه در روستاها، به مخاطره انداخته‌است. نگاهی به اعترافات و گزارشات منتشر شده از سوی مقامات و دست‌اندرکاران رژیم (که تنها منعکس‌کننده‌ی گوشه‌ای از مسائل موجود در این زمینه می‌باشد) عمق این واقعیت تلخ و اسف‌انگیز بقیه در صفحه‌ی ۲۴

فراخوان مجدد واحد تحقیق شهدا

واسرای انقلاب نوین ایران از عموم هموطنان مبارز بمناسبت انتشار دومین لیست اسامی و مشخصات شهدای انقلاب نوین ایران

در صفحه‌ی ۲۷

فرازهائی

از

زندگی انقلابی

مجاهدین شهید:

☆ عزت‌الله اشتری

☆ فرح حریری

(اشتری)

در صفحه‌ی ۱۲

زندان

وزندانی

سلسله خاطرات

گزارشات و نوشته‌هایی از

زندان‌ها و شکنجه‌گاههای

رژیم ضدبشری خمینی

گزارش دوم

(زندان شهید قسمت هشتم)

در صفحه‌ی ۱۰

پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهران و برادران عزیز؛ این هفته صفحه‌ی پاسخ به نامه‌ها را به درج قسمت‌هایی از نامه‌های رسیده اختصاص داده‌ایم.

\* خواهری به‌نام "فاطمه - ز" در نامه‌ی مفصل خود، اخبار گوناگون و جالبی از اهواز برایمان فرستاده‌اند. قسمتی از نامه‌ی ایشان مربوط به میزان بالای تلفات جنگ است. خواهر فاطمه در نامه‌ی خود ضمن اشاره به آمار کشته‌ها و مجروحین جنگ، نمونه‌هایی از وضعیت مجروحین و تاثیرات اجتماعی جنگ‌افروزی‌های رژیم را ذکر کرده و منجمله می‌نویسد: "یکی از کارکنان بیمارستان... بعد از یکی از تهاجمات اخیر رژیم

می‌گفت: برخی از مجروحین در بیمارستان، علنا بر علیه رژیم شعار می‌دهند. برخی از آنها هم علاوه بر جراحات جسمی، دچار اختلالات روانی نیز شده‌اند و حرکات و کارهای غیرمتعادلی انجام می‌دهند و... یکی از کارکنان فرودگاه اهواز اظهار می‌کرد: صدلی‌های هواپیماها را در آورده‌اند و بجای آنها برانکاردها را بصورت چند طبقه، آنها را با وسائل ابتدائی از قبیل طناب بسته‌اند تا بر ظرفیت حمل مجروحین بیافزایند. در حمل و نقل و رسیدگی به مجروحین نیز پاسداران جنایتکار نسبت به سایر مجروحین ارجحیت محسوسی دارند و رسیدگی به بقیه در صفحه‌ی ۱۸

امداد پزشکی سازمان مجاهدین خلق ایران در کردستان

نیازمندی‌های بهداشتی و درمانی

نیروهای مقاومت و مردم ستمدیده منطقه را

طی نامه‌ای به "مجاهد" اعلام کرد

در صفحه‌ی ۲۷

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید: انگلستان

BM BOX 9090  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

اتریش

Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه

B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان  
Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002

در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان! در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آیوونه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

سه ماهه  معادل ۱۲ دلار  
شش ماهه  ۲۲ دلار  
یکساله  ۴۴ دلار

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رہائی بخش عمومی